اعتماد

دوشنبه ۱۶ خرداد ۱۴۰۱
۶ ذی‌القعده ۱۴۴۳
۶ ژوئن ۲۰۲۲
سال نوزدهم
شماره ۵۲۲۴
۱۲صفحه
۷۰۰۰ تومان

ETEMAD Mon □ 6 Jun 2022 □ vol.19 □ No. 5224 □ 12 Pages □ 70000 Rials

رهبر معظم انقلاب اسلامی
در مراسم سی‌وسومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره):

امید بستن به اعتراضات مردمی نقشه دشمن است

۲

سران سه قوه به بانک مرکزی اختیار کامل دادند

کنترل قیمت دلار با کدام ابزار؟

۸

سلام برآینده

انقلاب و مردم

عباس عبدی

به عللی در سه دهه گذشته درباره مرحوم امام به جز یک تحقیق و مقاله و یکی، دو یادداشت چیز دیگری ننوشته‌ام. ولی امسال به این نتیجه رسیدم که بهتر است...

صفحه ۲ را بخوانید

سید محمود دعایی، به دیار باقی شتافت

درگذشت مرد اعتدال رسانه‌ای

۳

سفر رافائل گروسی به تل‌آویو
بر تنش میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود

هشدار تهران درباره عواقب اقدام سیاسی در شورای حکام

۴

وحید اشتری، فعال رسانه‌ای و عضو جنبش عدالت‌خواه
در گفت‌وگوی ویدیویی با «اعتمادآنلاین»:

جریان عدالت‌خواهی با پدرکشی شکل گرفت

۳

روزانه بیش از سه هزار هکتار از عرصه‌های طبیعی ایران تخریب می‌شود

یک زمین و یک ایران بیشتر نداریم

یادداشتی از اسماعیل کهرم با عنوان معمای ریزگرد

سقوط ۸۰ پله‌ای ایران در جدول جهانی حفظ محیط‌زیست

۱۰ و ۱۱

سیاست

پدیده اخلال در سخنرانی‌ها

علی مطهری

اینکه عده‌ای هر سال تلاش می‌کنند که سخنرانی حجت‌الاسلام سید حسن خمینی، نوه امام خمینی(ره) را در سالروز رحلت ایشان و در حضور مقامات کشوری و...

صفحه ۷ را بخوانید

دیدگاه

در مقام استادی

فیاض زاهد

در میانه اخبار دلسردکننده و نومیدی‌افزای کشور، باخبر شدم دکتر نعمت احمدی، استاد فرهیخته گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی را مفتخر به بازنشستگی کرده‌اند! صفحه ۷ را بخوانید

درنگ

جامعیت امام خمینی (ره)

سید عطاءالله مهاجرانی

نهضت امام خمینی در پانزدهم خردادماه سال ۱۳۴۲ شکوفا شد. این نهضت در بهمن ماه ۱۳۵۷، یعنی پانزده سال بعد به ثمر رسید. یاران امام خمینی که ... صفحه ۹ را بخوانید

قانون

نظم و انتظام اجتماعات

محمد جلیلیان

دیروز ۱۴/ خرداد/۱۴۰۱ در مراسم شکوهمند سالگرد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و هنگام سخنرانی آیت‌الله سید حسن خمینی در جمع حاضرین...

صفحه ۹ را بخوانید

در هنگام سخنرانی سید حسن خمینی صورت گرفت

تکرار توهین به بزرگان!

روز شنبه، در جریان برگزاری مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، بار دیگر طبق همان سنت قدیمی، عده‌ای در میان جمعیت با اقدامی هماهنگ شعارهایی سر داده و مانع سخنرانی سید حسن خمینی، نوه امام(ره) شدند. جمعیت که وضوح شعارهای شان خطاب به سید حسن بود، فریاد می‌زدند: «مرگ بر ضد ولایت فقیه» و «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند» البته سید حسن خمینی در میان این شعارها به صحبت خود ادامه داد و واکنشی نشان نداد. این رفتار عده‌ای در میان جمعیت، با اعتراض رهبر معظم انقلاب نیز مواجه شد و ایشان در سخنانی تصریح کردند که این رویه تخریب را نمی‌پسندند. ایشان اعلام کردند: «شنیدم که امروز در اثنای سخنان جناب آقای سید حسن خمینی، کسانی سروصدا کردند، با این کار بنده مخالفم، با این نوع تخریب کردن‌ها و سروصدا کردن‌ها بنده موافق نیستم، من مخالفم، این را بدانند همه، امیدوارم خدای متعال همه ما را به راه راست هدایت کند.» البته این نخستین بار نیست که در جریان سخنرانی سید حسن خمینی در مراسم سالگرد ارتحال امام(ره)، اخلال ایجاد می‌شود. یک بار در سال ۸۹ و یک بار نیز در سال ۹۱، همین ماجرا تکرار شد. در سال ۸۹ بعد از سخنرانی احمدی‌نژاد، موقع خوشامدگویی حجت‌الاسلام سید حسن خمینی و قبل از سخنان رهبر معظم انقلاب نیز شعارهایی مشابه سر داده شد که باعث شد سخنرانی وی چندبار با وقفه مواجه شود. سید حسن خمینی هم در مواجهه با این شعارها گفت: «اگر دوستان بنای شعار دادن دارند، اجازه بدهند که من چند کلمه‌ای صحبت کنم، زمانی که رهبری بزرگوار آمدند، آن وقت ابراز احساسات کنید، شأن مراسم امام چنین نیست.» سید حسن خمینی که نتوانست سخنرانی خود را تمام کند، با گفتن این جمله سخنرانی خود را نیمه‌تمام به پایان رساند: «قطعا در حرم امام افرادی هستند که از این گروه‌اندکی که شلوغ می‌کنند، بیزار هستند، همان‌طور که می‌بینید عده‌ای مانع سخنرانی می‌شوند، تا بوده چنین بوده، هنوز بیست سال از رحلت امام نگذشته است.» بعد از سخنرانی نیمه‌تمام وی، رهبر معظم انقلاب در ابتدای ورود به جایگاه بر پیشانی نوه امام راحل بوسه زدند. البته در آن روز از انتخابات پرحاشیه ریاست جمهوری در سال ۸۸ یک سال می‌گذشت. البته در آن زمان این طور مطرح شد که محمود احمدی‌نژاد نیز برنامه مراسم را رعایت نکرد. محمود احمدی‌نژاد به رغم تذکرهای حمید انصاری، کاملا به عمد و به رغم تذکرها چنان سخنرانی خود را طولانی کرد که مجالی برای تولیت حرم و یادگار امام باقی نماند. در پایان نیز او را نادیده انگاشت و از مردم خواست به سخنرانی مقام معظم رهبری گوش دهند. اما چند دقیقه بعد تولیت حرم پشت تریبون قرار گرفت و شروع به سخنرانی کرد. در این میان گروهی از افرادی که در جلوی جایگاه نشسته بودند، به ناگهان بنا کردند به شعار سر دادن و از جمله: نواده روح‌الله، سید حسن نصرالله. یعنی نوه امام خمینی دبیر کل حزب‌الله لبنان است نه او. این داستان چنانکه اشاره شد مربوط به سال ۱۳۸۹ است اما دو سال بعد و در سال ۱۳۹۱ که میانه احمدی‌نژاد و اصولگرایان بر سر وزیر اطلاعات و رییس دفتر شکر آب شده بود در سخنان خود او نیز که آخرین بار در مقام رییس جمهوری حاضر می‌شد اخلال ایجاد کردند. محمدعلی انصاری، دبیر ستاد بزرگداشت سالگرد امام خمینی با اشاره به پشت پرده‌های حوادث روز چهاردهم خرداد، در نامه‌ای به عنوان «گزارش به حسن خمینی» نوشت: وزیر کشور در نامه‌ای به محمود احمدی‌نژاد یادداشت داد که...

ادامه در صفحه ۲

محیط زیست

فقط یک زمین...(۱)

معصومه ابتکار

پنجم ژوئن روز جهانی محیط زیست است و شعار جهانی امسال «فقط یک زمین هست»؛ نکته جالب و قابل تامل اینکه شعار امسال یعنی ۲۰۲۲ همان شعار کنفرانس جهانی استکهلم به عنوان اولین گردهمایی برای محیط زیست در سال ۱۹۷۲ یعنی ۵۰ سال پیش است. تکرار شعاری که تاکید بر سازگاری و همراهی با طبیعت زمین و اصلاح سبک زندگی برای حفاظت از مهد و تنها مأمن انسان به بیان قرآن کریم دارد، نشان می‌دهد که مشکلات جهان در این زمینه باقی است و تفاوتی حاصل نشده است. جهان همچنان درگیر با ابربحران‌هایی مانند تغییر اقلیم، نابودی تنوع زیستی، مواد مخرب لایه ازن و مواد آلاینده پایدار است، مانند تبعات موضوع تغییر اقلیم که به شکل گرد و غبار کشورهای زیادی را تحت تاثیر قرار داده و البته آلاینده‌های دیگری مانند مایکرو پلاستیک‌ها و نانو پلاستیک‌ها که به مشکلات اضافه شده است. اگرچه طی ۵۰ سال گذشته تلاش‌های زیادی برای مقابله با تخریب‌های زیست محیطی صورت گرفت و ما شاهد شکل‌گیری معاهدات مهم که در سطح بین‌المللی با اجماع و همگرایی جهانی بودیم ولی این مقابله‌ها تاثیر چندانی نداشتند. در واقع ما دو مساله اصلی را در جهان پیش رو داریم. یکی بحث جنگ، ناامنی و ترور که صلح را مورد تهدید قرار می‌دهد و تبعات بسیار سنگین برای جوامع دارد، چون امنیت و صلح مقدمه همه تحولات دیگر است و در جوامعی که درگیر این پدیده‌ها بوده‌اند دیده‌ایم که عملا از فرآیند توسعه عقب افتاده‌اند و دستاوردهای توسعه برای آنها دست نیافتنی شده است...

ادامه در صفحه ۷

یاد

غروب یک میانجی انسانی ومدنی

علی ربیعی

چقدر به آدم‌هایی که در میانه اعتدال ایستاده، نقطه اتصال و واسطه مهربانی می‌شوند، نیازمندیم. آدم‌هایی که به تنهایی همچون یک نهاد هستند. نهادهایی که در فضای مهرآگین آن همگان با متنوع‌ترین گرایش‌ها، احساس آرامش می‌کنند و آن را تکیه‌گاه خود می‌دانند. روزنامه اطلاعات در دوران مدیریت دعایی، تبدیل به یک سنگر بزرگ مدنی شد. دعایی روزنامه اطلاعات را تبدیل به یک آرمانشهر کرد که بسی فراتر از یک روزنامه صرف بود. یک نقطه تلاقی؛ یک حریم حوزه عمومی که چهره‌های ناهمگون سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را می‌توانست به طور یکجا گردهم آورد، زیر یک سقف گفت‌وگویی. فراموش نمی‌کنم آخرین دیدارمان را که همین چهارشنبه دو هفته پیش، توفیق آن دست داد. با جمعی از دوستان رسانه‌ای و دکتر ظریف در دفتر آقای دعایی گرد آمده بودیم. از خاطرات آن روزگار سپری شده می‌گفت؛ گلایه‌ای شیرین داشت به سبک خودش که چرا برای روزنامه ما یادداشت نمی‌دهید؟ بعد هم رو به من یادآوری کرد که نخستین مصاحبه و نوشته‌ام با نام خودم در روزنامه اطلاعات منتشر شده بود. به قول دعایی، آنجا از خود رونمایی کردم. بی‌تردید سیدمحمود دعایی از بازماندگان انقلابیون اصیل است که زیستی خیرخواهانه برای همه داشت. این روزها به دلایل مختلف که شرح آن مجال دیگری می‌طلبد بیان و تعریف آنچه روح انقلاب و انقلابی‌گری واقعا چه بود، برای نسل جدید دشوار است.

ادامه در صفحه ۲

خاطره

استفاده ابزاری از کلمه مقدس آزادی

سعید فائقی

اردیبهشت یا خرداد سال ۱۳۵۳ در حال تماشای ویترین کتاب‌فروشی امیرکبیر در مخبرالدوله بودم که دستی بر شانه‌ام قرار گرفت. یکی از هم‌کلاسی‌هایم در دانشکده علم و صنعت ایران بود؛ عزیزی به نام حمیدرضا هزارخانی. از آن روز الفتی بین‌مان برقرار شد. هر دو علاقه‌مندی مشترکی داشتیم: «کتاب». به پیشنهاد ایشان هرگاه کتابی باارزش -به تعبیر آن روزها- دست‌مان می‌رسید به اشتراک می‌گذاشتیم و گاهی هم باهم مطالعه می‌کردیم. لذتی داشت. روزی ایشان مقاله‌ای را از کتاب «ایران را از یاد نبریم» برگزیده بود تحت عنوان دموکراسی در شرق. با طمأنینه خاصی برایم خواند. فرازهایی از آن را همواره به خاطر داشتم مخصوصا اینکه آخرین باری بود که با هم بودیم و کتاب خواندیم. ایشان تغییر رشته داد و به دانشگاه صنعتی شریف امروز و آریامهر آن روز منتقل شد. مدت‌ها از ایشان بی‌خبر بودم تا روزی سوار بر دوچرخه کورسی در دانشگاه علم و صنعت دیدم‌شان. یکی، دو ساعت باهم بودیم و من علت انتخاب آن مقاله را جویا شدم و ایشان گفت برای یک جمع دیگری باید در خصوص آزادی و دموکراسی مطالبی ارایه می‌کردم که باهم وقتی در مورد آن خواندیم و بحث کردیم بسیار مثمرثمر بود. علی‌الخصوص که شما در خصوص یادداشت‌های سفر به شوروی ایشان مطالبی را گفتی. گرچه با نظرات شما مخالف بودم ولی هنگام ارایه در آن جمع دوستان فکر کردند که نظرات شما نظر من هم هست برخورد کردند. یک ماه و چهل روزی از آن ملاقات نگذشته بود که متاسفانه در روزنامه اطلاعات خواندم که در درگیری ساواک به شهادت رسیده.

ادامه در صفحه ۱۱

شهر

زنان شهر و ساختمان‌های ناایمن

زهرا نژادبهرام

خطری که زندگی آنان و خانواده‌شان را تهدید می‌کند

شهر مکان زندگی و حیات اجتماعی شهروندان است در این میان ساختمان‌های شهری بخش بزرگ و حیاتی از شهرها هستند که عموما محل سکونت موقت و دائم آنها است. ساختمان‌هایی که اگر به صورت دایمی درنظر بگیریم یعنی محل اسکان خانواده‌ها؛ که بستری است برای سکونت زنان که بیشترین زمان را در آن طی می‌کنند. زنان؛ خانه را به امید ایمن و امن بودن برای خود و خانواده همواره مورد توجه قرار می‌دهند. خانه سرپناهی است که امید و آرزو و زندگی در آن جریان دارد و زنان این بستر را محیطی امن برای خود و خانواده می‌دانند. ساخت خانه‌ها و محل‌های سکونت موقت که معمولا شامل محیط کار یا اوقات فراغت یا خرید فضای دیگری است که ایمنی و امنیت آن ضرورتی انکارناپذیر در شهر است. کم‌توجهی به ایمنی سازه‌های سکونت شهری نگرانی است که امروزه به‌شدت از سوی شهروندان و مدیریت شهری بایستی مورد توجه قرار گیرد. براساس این نگرانی در ایران بعد از زلزله بم مقررات ملی ساختمان با شدت و توجه بیشتری ایجاد و تسری پیدا کرد و سازمان نظام مهندسی با این دستور کار در فضای ساخت و ساز شهری با قوت بیشتری وارد شد، اما با تجربه ساخت و سازهای اخیر و کم‌توجهی به مقررات ملی ساختمان براساس آمارهایی که...

ادامه در صفحه ۲

دفاع مقدس

خرداد، ماه عجیبی است

مهرداد احمدی شیخانی

امسال قصد داشتم به عنوان یکی از معدود نیروهای بازمانده از مقاومت ۳۵ روزه خرمشهر، به مناسبت آزادسازی شهرم یادداشتی بنویسم. از آن نیروها که در خوش‌بینانه‌ترین حالت به ۱۸۰۰ نفر هم نمی‌رسیدند و در حقیقت، نیم این تعداد بودند، بسیاری همچون امیر رفیعی که آخرین نفری بود که در خرمشهر ماند و در گلوگاه پل خرمشهر سنگر گرفت و در مقابل سربازان عراقی مقاومت کرد تا آخرین همرزمانش بتوانند از پل بگذرند، یا برادرم محمود احمدی شیخانی که به همراه سامی حسن‌زاده، در نزدیک مسجد جامع با گلوله مستقیم آرپی‌جی به شهادت رسید، یا سید ابراهیم علامه و جمشید پناهی که مانند بسیاری دیگر از شهدای خرمشهر توسط مادرم هاجر آجرلو که در شهر مانده بود، به نیابت از مادران شهدایی که از شهر رفته بودند به خاک سپرده شدند و در همان ۳۵ روز، برای حفظ خاک این سرزمین، چشم بر جهان بستند. بعد از آن، بسیاری دیگر از بازماندگان نیروهای مقاومت، طی ۸ سال جنگ از آن قافله ۱۸۰۰ نفره کم شدند. از عملیات شکستن حصر آبادان بگیر تا آزادسازی خرمشهر و رسیدن به آخرین روز جنگ. از شناخته شده‌ترها مثل محمد جهان‌آرا و جانشینش سید عبدالرضا موسوی که در آزادسازی شهر به شهادت رسید تا کمتر شناخته‌شده‌ها مثل منصور گلی و محمود ربیعی و رضا گرگپور که تا جنگ به پایان برسد، از جمع ما کم شدند. جنگ که به پایان رسید تعداد زیادی باقی نمانده بودند و آنهایی هم که ماندند، هر یک در کنجی فراموش شدند و...

ادامه در صفحه ۱۱

دیپلماسی

تحولات خلیج‌فارس و مسوولیت دولت

حسین مسعودنیا

یکی از حوزه‌های اصلی سیاست خارجی منطقه‌ای ایران، منطقه غرب آسیا به‌ویژه خلیج فارس و کشورهای واقع در ساحل جنوبی آن است. اهمیت این حوزه برای ایران به دلیل گره خوردن اقتصاد، امنیت و سیاست ایران در این منطقه با یکدیگر است. کارنامه سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در این حوزه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به جز مقاطع کوتاهی، با چالش‌های جدی مواجه بوده است؛ واقعیتی که عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در آن نقش داشته است. با به قدرت رسیدن دولت سیزدهم یکی از رویکردهای جدید این دولت در سیاست خارجی تاکید بر گسترش روابط با کشورهای همسایه به ویژه منطقه خلیج‌فارس بوده است. آنچه شانس دولت سیزدهم را برای نیل بدین هدف در این منطقه بیشتر کرد برخی تحولات جهانی و منطقه‌ای بود که شاید مهم‌ترین آنها را بتوان به شرح ذیل برشمرد: ۱- به قدرت رسیدن بایدن در امریکا و تصمیم این کشور مبنی بر خروج نیروهایش از منطقه که موضوع تامین امنیت منطقه و ساختار امنیتی آینده آن را با پرسش‌های اساسی مواجه و دولت‌های منطقه را نگران ساخت ۲- بروز کدورت در روابط امریکا با متحدین اصلی خود در منطقه به‌ویژه عربستان به دلیل برخی مواضع امریکا در قبال موضوعاتی مانند نقش عربستان در قتل قاشقچی و واقعه یازده سپتامبر و...

ادامه در صفحه ۵

پیشخوان
Pishkhan.com

انالله و انا الیه راجعون

فقدان تاثرانگیز

حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی

درسالروز پانزده خرداد موجب سوگواری دوستان فراوان این روحانی مبارز صادق مردمی آزاده و فرهیخته شد روحانی نستوه، معتدل و مرید و مراد اهل فکر و هنر و فرهنگ که از دوران مبارزه تا حضور در مجلس و اداره روزنامه اطلاعات همواره اخلاق حسنه، تواضع و رفتار مسولانه را پیشه خود ساخت. این ضایعه را به خانواده مکرم ایشان و بازماندگان و دوستان و همفکران و همکاران ایشان تعزیت گفته، غفران و رحمت بیکران الهی برای آن مرحوم و صبر جمیل و اجر جزیل برای همه بازماندگان از خدای رحمان و رحیم مسألت می‌نماییم. یادش گرامی و نام نیکش جاویدان باد.

سید عبدالواحد موسوی لاری، هدایت اله آقائی، علی اصغر احمدی، سید محمد علی افشانی، حسین امینی، جمشید انصاری، غلامرضا انصاری
محمدابراهیم انصاری، علی اکبر اولیاء، سید محمدرضا آیت اللهی، اشرف بروحردی، غلامحسین بلندیان، محمدرضا بهزادیان، محمدعلی پنجه فولادگران
نصرت اله تاجیک، اسماعیل تبادار، احمد ترک نژاد، علی جابریان، سید صفدر حسینی، سید محمود حسینی، احمد خرم، اسماعیل دوستی، اسداله رازانی
علی اکبر رحمانی، جعفر رحمانزاده، سید حسن رسولی، ابراهیم رضایی بابادی، عبداله رمضان زاده، عبدالمحمد زاهدی، علی اصغر زبردست
محمود زمانی قمی، قربانعلی سعادت، مسعود سلطانی فر، غلامعلی سفید، کریم شورانگیز، محمدرضا صالحی، غلامرضا صحرائیان، علی صوفی
سید حمید طهائی، نوراله عابدی، علی قنبری، داوود کشاورزیان، سید حمید کلانتری، محمدعلی کریمی، سید مرتضی مبلغ، یحیی محمدزاده، علی محقر
فریبرز محمودیان، سیف اله مرادی، محمدرضا مروارید، فتح الله معین، محمدحسین مقیمی، سید جعفر موسوی، محسن مهرعلیزاده، محمد هاشم مهیمنی
سید محمود میرلوحی، محسن نریمان، نگارنده، علی اوسط هاشمی، حسن یونس سینکی

باکمال تاسف باخبر شدیم

جناب آقای حجت‌الاسلام والمسلمین

سید محمود دعایی

یار وفادار حضرت امام خمینی(ره) و مدیر موسسه مطبوعاتی اطلاعات، جهان فانی را وداع گفته است.
این ماتم جانگداز را به خانواده آن مرحوم، اهالی رسانه و آشنایان و بستگان ایشان از صمیم قلب تسلیت می‌گوییم و از خداوند منان می‌خواهیم این عزیز از دست رفته را با اجداد پاکش محشور گرداند.

الیاس حضرتی - بهروز بهزادی - حجت طهماسبی - محمد داوری
سارا معصومی - آرمین منتظری - محسن آزموده
شهاب شهسواری - محمدحسین لطف‌اللهی - بنفشه سام‌گیس
نازنین متین‌نیا - ندا جعفری - مهدی بیک اوغلو

آقای مهندس کاظم پورنصیری

مدیر کل آموزش فنی و حرفه‌ای گیلان

ضمن عرض تبریک، در مسوولیت جدید توفیق شما را آرزومندم.

محمود ایزددوست
عضو هیات مدیره شرکت سیمان خزر

خبر و بیشتر
ویدیوها و گفت‌وگوهای متفاوت

ETEMADONLINE.COM

سلام برآینده

انقلاب و مردم

عباس عبدی

به عللی در سه دهه گذشته درباره مرحوم امام بـه جز یک تحقیق و مقالـه و یکی، دو یادداشـت چیز دیگری ننوشـته‌ام. ولی امسـال به ایـن نتیجه رسـیدم که بهتر اسـت آن مقاله خـود را با رویکرد مشـخص‌تری بنویسـم. یکی از بدترین و زشت‌ترین اقدامات پایه‌گذاران نواصولگرایی که از حدود دو دهه پیش آغاز کردند، تحریف مفهوم انقلاب و نقش مردم و نیز مواضع مرحوم امام در این زمینه است. آنان چون شهامت نداشتند تا صریحا اعلام کنند که مواضع امام یا اصل انقلاب را نمی‌پذیرند، در نتیجه ریاکارانه اقدام به تحریف آنها کردند. منظورم تحریف جایگاه مردم و رای مردم در انقلاب و نظام به ویژه در آرای مرحوم امام است. به نظر من مخالف یا منتقد نظرات امام بودن مشکلی نیست، به ویژه آنکه نظرات ایشان هم در حال تحول بود. برای اثبات این ادعا می‌توان تفاوت فراوان میان رویکرد کتاب کشف‌الاسرار را با فتاوای سال‌های انقلاب و دهه ۱۳۶۰ ایشان مقایسه کرد که سه دهه بعد نوشته‌اند. ولی کسی حق تحریف را ندارد.

موضـوع تحریف بـه تعریـف از انقلاب و جایـگاه مردم برمی‌گردد. معنای انقلاب و انقلابی را باید از دو منظر روشی و محتوایی تفکیک کرد. معنای روشی آن را نباید قربانی برداشت‌های محتوایی کرد. زیرا وجه ثابت انقلاب، روش اسـت و نه محتوای در حال تحـول آن. چه زمانی انقلاب رخ می‌دهد؟ زمانی که حکومت مستبد شود و مانع تحقق حضور و مشـارکت و اعمال حق حاکمیت ملت شود. این یک بحث روشی است و نه محتوایی. به همین علت از وجود انقلاب‌های گوناگون حرف می‌زنیم که همه در این ویژگی و تعریف مشترک هستند، در حالی که محتوای مورد نظر مردم‌شان ممکن اسـت با یکدیگر تفاوت داشته باشد. در ایـران نیز همه نیروها از مذهبی و غیرمذهبی، از لیبرال تا کمونیست همه و همه در انقلاب حضور داشتند، در حالی که به لحاظ محتوایی در تقابل با یکدیگر بودند کسی هم به آنان نگفت که حق شرکت در فرآیند انقلاب را ندارند. پس بنیان انقلابی بودن، التزام به این اصل یعنی حاکمیت بدون استثنای مردم است. از این مرحله به بعد، هر کسی می‌تواند محتوای مورد نظـر خود را با رعایت این اصل تبلیغ کند و پیش ببرد. هر رفتاری جز این ضدانقلابی است. آنان که اصل حاکمیت بدون قید و شرط ملت را نادیده می‌گیرند و به جای آن، الزام به غلبه محتوای مورد نظر خود را می‌نشانند، در واقع ضدانقلابی هستند که پوشش انقلابی دارند.

این اقدام ضدانقلابی از خلال تحریف دیدگاه امام انجام شده است. با تفاسیر عجیب و غریب، کوشیدند که رأی ملت را در نظر ایشان فرعی و غیرمهم و غیراصیل و حتی بی‌اثر جلوه دهند، در حالی که با هیچ ترفندی نمی‌توان چنین برداشتی را به مواضع امام قالب کرد. پژوهشـی کـه درباره تحلیل محتوای کلمات امام از سـال ۱۳۴۱ تا ۱۳۶۸ انجام دادم، نشان داد، کلمه‌ای که بیشترین کاربرد را در همه مطالب ایشان اعم از سخنرانی یا نامه و اطلاعیه یا گفت‌وگو دارد، کلمه مردم و مترادفات آن است. ده کلمه‌ای که بیشترین کاربرد را داشتند عبارتند از:

مردم، توده، امت و... ۱۲۲ بار در هر ده هزار کلمه
اسلام و... ۱۱۱ بار در هر ده هزار کلمه
حکومت، دولت و... ۸۷ بار در هر ده هزار کلمه
خدا ۴۵ بار در هر ده هزار کلمه
ایران ۳۹ بار در هر ده هزار کلمه
استبداد، دربار، شاه و... ۳۴ بار در هر ده هزار کلمه
انقلاب، نهضت ۳۰ بار در هر ده هزار کلمه
جمهوریت، دموکراسـی، رای، رفرانـدوم ۲۴ بار در هر ده هزار کلمه
روحانیت، آخوند، علما و... ۲۱ بار در هر ده هزار کلمه
امریکا، کاخ سفید و... ۱۵ بار در هر ده هزار کلمه

این اولویت‌ها نشـان‌دهنده تاکیدهایی است که در مقام رهبری سیاسی این انقلاب و نظام برای مردم و جامعه ابراز شده است. این تاکیدها ممکن است به لحاظ محتوایی واجد تحلیل‌های گوناگونی باشد، ولی به لحاظ روشی صراحت بیشـتری در حق عمومی مردم در تعیین سرنوشت خود دارد. پس انقلابی بودن وجه ممیزه یک ایرانی یا مسلمان از دیگری نیست، بلکه وجه ممیزه نسبت به حق حاکمیت ملت است و همه افراد باهر گرایش فکری و سیاسی و مذهبی و غیرمذهبی می‌توانند مشمول این صفت شوند، مشروط بر اینکه همواره بر این حق مردم در تعیین سرنوشت خود پای‌بند باشند. البته پس از این مرحله می‌توان از محتوای مورد نظر خود درباره اسـلام یا... را با ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی یک انسان انقلابی و فقط در ذیل همان قاعده کلی تبلیغ کرد و به پیش برد. مواضع امام نیز در این مورد روشن است و قابل تحریف نیست. اگر کسی آن را قبول ندارد، یا سکوت کند یا صریحا مخالفت و آن را نقد کند، این کار به صواب نزدیک‌تر است و اتفاقا مخاطبان و طرفداران شما نیز آن را بیشتر می‌پسندند. به نظرم ایجاد جنجال میان سخنان آقای حسن خمینی نیز بیش از آنکه با هدف تخریب او باشد، معطوف به حاشیه راندن همین رویکرد مرحوم امام است.

ادامه از صفحه اول

مرگ یک میانجی انسانی و مدنی

دعایی، یعنی هستی و منش اسلامی و مشی مدنی؛ دعایی یک گواه بود بر توان الگوسازی انقلاب در جلوه دموکراتیک و عمیقا مردمی. چهره، منش و رفتارش با رعایت حریم‌داری و احترام به خدمات گذشتگان، نمونه مجسمی بود از حجت‌بودگی گوهرین در زمانـه حاضر. از این منظر دعایی آن مفهوم و آن معنویتی است که کار دشوار تبیین انقلاب را بر ما آسان می‌کند. مردی از تبار طالقانی‌ها، بهشتی‌ها، مطهری‌ها و...

در واقع، چهره واقعی انقلاب، منش همین افراد بود. انقلاب قطاری نیسـت که در هر ایستگاه آن کسـی را پیاده کنند؛ برعکس، روح انقلاب تجلی گر معنای «همه باهم» بوده است. دعایی در این مفهوم انقلاب که برخی قصد خدشه‌دار کردن آن را دارند تا آخرین روزهای حیات، به مشـی انقلابی وفادار ماند یعنی قلبـی مهربان و روحی بزرگ داشـت برای باهم بودگی همه. «همه باهم.» روزنامه اطلاعات را تبدیل به یک «باهمسـتان» کرده بود؛ باید گفت دعایی یاری وفادار برای انقلاب و همراهی دلسوز برای جامعه بود که تا لحظه ملاقات با پروردگارش از کمـال تواضع، صداقت، عقلانیت و اعتدال عدول نکرد. فقدان ایشان را به همه هموطنان‌مان، اهالی رسانه و خانواده‌اش تسلیت می‌گویم. آرامش ابدی را برای روح بلند ایشان از خداوند متعال خواهانم.

رهبری

رهبر معظم انقلاب اسلامی در مراسم سی‌وسومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)

امید بستن به اعتراضات مردمی نقشه دشمن است

گرایش امروز مردم به انقلاب و دین یقینا بیشتر است

گروه سیاسی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صبح شنبه در اجتماع پرشور مردم در مرقد مطهر رهبر کبیر انقلاب به مناسـبت سی‌وسومین سـالگرد عروج آن عزیز سفر کرده، امام خمینی را روح جمهوری اسلامی، شخصیتی حقیقتا اسـتثنایی و امام «دیروز و امروز و فردای ملت ایران» خواندند و تاکید کردند: نسل جوان و هوشمند کنونی برای اداره آینده کشـور و رساندن ملت به قله‌های پر شـکوه به نرم‌افزاری مطمئن، جامع، شـتابدهنده و تحول‌آفرین یعنی درس‌ها و گفتـار و رفتار امام نیاز دارد. ایشان همچنین با بیان توصیه‌هایی مهم، مردم و فعالان انقلابی، فرهنگی، سیاسـی و اقتصادی را به جلوگیـری از هویت‌زدایی از انقـلاب و تحریف امام، افشای دروغ و جنگ روانی دشمن، جلوگیری از نفوذ رگه‌های ارتجاع و سبک زندگی غربی و قدرشناسی از مسوولان انقلابی سفارش کردند.

رهبر انقلاب در این مراسم که بعد از دو سال به صورت حضوری برگزار شد، با اشاره به ابعاد همچنان ناشناخته شـخصیت امام خمینی گفتند: با وجـود حرف‌ها و نوشته‌های فراوان درباره آن حکیم هدایتگر، ناگفته‌ها درباره عظمت و قدرت شـخصیتی و رهبری او بسیار است و نسـل جوان که امام را به‌درستی نمی‌شناسد، برای ایفای مسوولیت ملی و انقلابی و برداشتن گام دوم انقلاب و اداره بهینه کشور، باید درس‌های پیش‌برنده و تعیین‌کننده مکتب امام را بیاموزد تا با اطمینان به سوی آینده درخشان کشور گام بردارد.

ایشان، انقلاب اسـلامی را بزرگ‌ترین انقلابِ تاریخ انقلاب‌ها خواندند و با مقایسه روند دو انقلاب مشهور معاصر یعنی انقلاب کبیر فرانسـه و انقلاب شوروی با انقلاب اسـلامی گفتند: در این انقلاب‌ها معنویت مغفول بود و هر دو انقلاب بعد از مدتی کوتاه منحرف شدند و مردم را که باعث پیروزی آنها بودند به کنار زدند و عملا به دوران گذشته برگشتند اما انقلاب اسلامی بعد از پیروزی هم با انتخابات پی در پی، تکیه مستمر بر مردم و توجه همزمان به جنبه‌های مادی و معنوی انسان جلو رفته است که این واقعیات از جمله دلایل برجسـته برتری انقلاب اسلامی بر همه انقلاب‌های تاریخ و نشان‌دهنده عظمت رهبری امام است. ایشان حضور ملت را عامل قطعی پیروزی انقلاب برشمردند اما گفتند: آن دست قدرتمند، شخصیت فولادین، دل مطمئن و زبان ذوالفقارگونه که توانست اقیانوس عظیم ملت را به میدان بکشاند و به تلاطم بیاورد و بدون یأس و ناامیدی در میدان نگه دارد و جهت حرکت را به آنها تعلیم دهد، امام بزرگوار و خمینی عظیم بود.

حضرت آیـت‌الله خامنه‌ای در تشـریح جلوه‌هایی از رهبری پُر مغـز و پُر معنای امام خمینی و قدرت نافذ ایشـان در تعیین و تعلیم میدان مبـارزه، به حوادث خطیر دوران نهضت و جمهوری اسلامی اشاره کردند و افزودند: امام در بیانیه‌های سـال آخر حیات‌شان و وصیت‌نامه خود، میدان مبـارزه را حتی برای دوران بعد از خود نیز تعیین و مشـخص کرده اسـت. رهبر انقلاب اسـلامی با تاکید بـر اینکه امـام (ره) از نظر خصوصیات شخصی به معنی واقعی کلمه ممتاز بود، به بیان برخی ویژگی‌های ایشان پرداختند و گفتند: «پاکی و پرهیزگاری»، «معنویت و حالات عرفانی»، «شجاعت»، «حکمت و عقلانیت»، «محاسبه‌گری»، «امید به آینده»، «صداقت»، «وقت‌شناسی و نظم»، «توکل و اطمینان به وعده الهی» و «اهل مبارزه بودن» از جمله خصوصیات بارز امام راحل بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بعد از بیان برخی ویژگی‌های ممتاز امام، به تبیین مبانی و اصول مکتب امام پرداختند و افزودند: زیربنای مکتب امام چه در دوران مبارزه و چه در دوران انقلاب «قیام‌لله» بود و این زیربنا مبنای قرآنی داشت. ایشان هدف قیام برای خدا در همه مراحل را «اقامه حق»، «اقامه عدل و قسط» و «ترویج معنویت» برشمردند و خاطرنشان کردند: امام یک مبارز واقعی بـود و در میدان قیام‌لله حضور دایمی داشـت. رهبر انقلاب اسـلامی گفتند: حرکت امام در دوران مبارزه چند نقطه برجسـته داشت که عبارتند از نترسیدن، صراحت با مـردم، اعتماد به مردم، قدردان مجاهدت مردم بودن و دمیدن امید به دل‌ها.

حضرت آیـت‌الله خامنه‌ای سـپس به بیـان نکات برجسته حرکت امام در دوران ایجاد جمهوری اسلامی پرداختند و خاطرنشـان کردند: مهم‌ترین دغدغه و نقشه راه امام در این دوران، فاصله‌گذاری میان طرح «جمهوری اسلامی» با «فرهنگ و قاموس غربی» بود. بر همین اساس امام اصرار داشت که جمهوری اسلامی وام گرفتـه از «جمهوری» و «مردم‌سـالاری» غربی نیست بلکه برگرفته از اصل اسلام است. رهبر انقلاب اسلامی یکی از ویژگی‌های بارز الگوی جدید امام را، هماهنگ‌سازی دوگانه‌ای به ظاهر متناقض دانستند و گفتند: در الگو و نظام سیاسی جدیدی که امام ارایه کرد، «هم معنویت است هم رای مردم»، «هم اجرای احکام الهی است هم رعایت اقتضائات و مصلحت‌های عمومی»، «هم اصرار بر عدالت اقتصادی و رعایت حال ضعفا است هم اصرار بر تولید ثروت»، «هم نفی ظلم است هم نفی ظلم‌پذیری»، «هم تقویت علم و اقتصاد اسـت هم تقویت بنیه دفاعی کشور»، «هم انسجام و وحدت ملی است هم پذیرفتن تنوع آرا و گرایش‌های مختلف سیاسـی»، «هـم تاکید بر تقـوا و طهارت مسوولان اسـت هم تاکید بر کارشناسی و کاربلدی مسـوولان». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سپس سوال مهمی را مطرح کردند و گفتند: این مکتب و الگویی که امام طراحی و پایه‌گذاری کردند تا چه میزان در زمان امام و بعد از ایشان تحقق پیدا کرده است؟

ایشـان افزودند: پاسـخ من با اطلاع از حقایق کشور این است که «جمهوری اسلامی در همه سرفصل‌ها همچون مردم‌سـالاری، پیشـرفت‌های علمی، امور دیپلماسی، اقتصادی و خدمات عمومی موفقیت‌های بزرگی به‌دست آورده که انکار آنها بی‌انصافی است البته ناکامی‌ها نیز کم نبوده است یعنی هم پیشرفت داشتیم و هم ضعف و ناکامی.

رهبر انقلاب اسلامی در بیان علت ضعف‌ها و ناکامی‌ها افزودند: برای یافتن علت، امـام ما را راهنمایی کرده و می‌گویند «کارنامه شـما در گرو تلاش و مجاهدت است»، یعنی هر جا ملت و مسوولان با اراده قوی وارد میدان شوند، آنجا عرصه پیشـرفت‌ها است و هر جا سستی در اراده‌ها به وجود آید، موجب عقب‌ماندگی می‌شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند، البته نقش جبهه گسترده دشمنان از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز نیز نباید نادیده گرفته شود. ایشان افزودند: این دشـمنی را جمهوری اسلامی به وجود نیاورد بلکه چون ذات جمهوری اسلامی، مخالف ظلم و اسـتکبار و منکرات و موافق معنویت است، طبیعتا ظالمان و مسـتکبران و عاملان بـه منکر و مخالفان معنویت با آن دشمنی می‌کنند.

رهبر انقلاب یکی دیگر از عوامل دشمنی با جمهوری اسلامی را فاصله‌گذاری جدی امام با غربی‌ها دانستند و گفتند: حمایت از فلسطین و دادن سفارت رژیم غاصب به ملت فلسـطین، انتقاد از ریاکاری‌ها و جنایت‌های کشـورهای اروپایـی و امریکا نمونه‌هـای مهمی از فاصله‌گذاری امام میان تمدن و تفکر و نظام اسلامی با تمدن و تفکر غربی است. رهبر انقلاب همچنین امتیاز بزرگ امام را آشنا کردن مردم با مفهوم مقاومت و تزریق روح ایستادگی در ملت خواندند و گفتند: به برکت امام امروز ملت ایران ملتی کاملا مقاوم و مستحکم است و مقاومت به یکی از واژه‌های برجسته در ادبیات سیاسی دنیا تبدیل شده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه از دو توطئه و خواب آشفته دشمنان برای ملت ایران پرده برداشتند و گفتند: جزو اول این نقشه، امید بستن دشمنان به اعتراضات مردمی برای ضربه زدن به کشور است که از طریق کار روانی و فعالیت در فضای مجازی و با پول، مزدورپروری و انواع حیله‌ها به دنبال قرار دادن مردم در مقابل نظام اسلامی هستند.

ایشان جزو دوم از این توطئه را القای محاسبات غلط درباره رو به سقوط بودن جمهوری اسلامی دانستند و افزودند: بدخواهان، ابتدای انقلاب می‌گفتند شش ماه دیگر انقلاب سقوط خواهد کرد و بعد که محاسبه آنها غلط از آب درمی‌آمد وعده شش ماه دیگر را می‌دادند در حالی که امروز بیش از چهل و سـه سال از انقلاب گذشـته و آن نهال باریک به درختـی تناور و مقتدر تبدیل شده است و محاسبات امروز آنها نیز همچون گذشته کاملا غلط است.

رهبر انقلاب تاکید کردند: در جمهوری اسلامی، عاملِ مردم عامل بسیار مهمی اسـت و دشمنان نخواهند توانست ملت را در مقابل نظام اسلامی قرار دهند.

ایشـان در تحلیل علت محاسـبات پـی در پی غلط دشـمنان ایران، به نقش تعدادی از مشاوران ایرانی خائن در شکل دادن به این محاسبات اشاره کردند و گفتند: این مشـاوران خیانتکار نه تنها به کشور خود بلکه حتی به امریکایی‌ها هـم خیانت می‌کنند چرا که با این مشورت‌های غلط موجب شکست خوردن آنها می‌شوند.

«رویگردان شدن مردم ایران از دین و روحانیت و نظام اسلامی» نمونه‌ای از مشورت‌ها و محاسبات غلطی بود که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به آن اشاره و خاطرنشان کردند: علاوه بر بیان این حرف‌ها از جانب امریکایی‌ها که تحت تاثیر مشاوران ناآگاه و خائن است، معدود افراد ساده‌لوحی نیز در داخل کشور این سخنان غلط را در رسانه‌ها بیان می‌کنند.

ایشـان با تاکید بر اینکه امروز گرایش مردم به دین و انقلاب یقینا بیش از ابتدای انقلاب است، به نمونه‌هایی برجسـته از حضور شـکوهمند مـردم در تجلیل از مقاومت و روحانیت اشـاره کردند و گفتند: تشـییع میلیونی بدنِ قطعه‌قطعه شهید سلیمانی و بزرگداشت آن مـرد انقلابی، مبـارز و مجاهد و تشـییع جنازه و ابراز احساسـات مردم به درگذشت مراجع و فقهای عالی‌قدری همچون آیت‌الله صافی گلپایگانی و آیت‌الله بهجت با گرامیداشت هیچ شخصیت سیاسی و هنری دیگر در کشور قابل مقایسه نیست و نشان‌دهنده اعتقاد مردم به روحانیت، دین، جهاد و مقاومت است.

رهبر انقلاب اسـلامی، حضور مشـتاقانه جوانان در مراکز اعتکاف و اجتماعات عظیم معنوی و همچنین راهپیمایی‌هـای با شـکوه ۲۲ بهمـن و روز قدس را نشانه‌های دیگری از وفاداری ملت به راه امام بزرگوار دانستند و افزودند: نمونه دیگری از ارادت دینی مردم، اظهار شوق و ارادت آحاد مردم از پیر و جوان و کودک در سراسر کشور به ساحت حضرت ولی‌عصر (عج) در قالب سرودی است که این روزها پخش شده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بخش پایانی سخنان‌شان هفت توصیه مهم خطاب به فعالان عرصه‌های انقلابی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بیان کردند.

رهبر انقلاب در توصیه اول به جوانان هوشمند و فرزانه تاکید کردند: نگذارید دشـمن و ضدانقلاب از انقلاب شما هویت‌زدایی و حقیقت آن را وارونه‌نمایی کند.

ایشـان با توصیه به اینکه «نگذارید یـاد امام که روح انقلاب است در جامعه کمرنگ شود و امام را تحریف کنند»، توصیه سـوم خود را بـه «جلوگیری از نفوذ ارتجاع» اختصاص دادند و گفتنـد: ارتجاع به معنی بازگشت به سیاست و سبک زندگی غربی است و نباید گذاشت با نفوذ سبک زندگی غربی که در دوران فاسد پهلوی موجود بود، کشور به سمت ارتجاع برود.

ایشـان در توصیه چهارم بر «افشـای دروغ و فریب و جنگ روانی دشمن» تاکید و با اشاره به نمونه‌ای تازه از این جنگ روانی خاطرنشان کردند: چندی قبل دولت یونان با دسـتور امریکایی‌ها نفت کشورمان را دزدید اما وقتی دلاورانِ از جان گذشـته جمهوری اسلامی، کشتی نفتی دشمن را ضبط کردند، در تبلیغات فراگیر خود ایران را بـه دزدی متهم کردند، در حالی که آنها بودند که نفت ما را دزدیدند و پس گرفتن مال دزدی، دزدی نیست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با توصیه به «استفاده از سرمایه ایمان مردم برای تولید عمل صالح»، توصیه ششم خود را به «جلوگیری از القای بن‌بست در کشور» اختصاص دادند و گفتند: در فضای مجازی عده‌ای یا از روی غفلت یا به خاطر پول، کارشان القای به بن‌بست رسیدن کشور است البته در زمان امام هم عده‌ای در روزنامه‌ها نوشتند کشور به بن‌بست رسیده است که امام فرمودند این شما هستید که به بن‌بست رسیده‌اید نه جمهوری اسلامی.

ایشان در توصیه آخر، «وظیفه قدرشناسی از مسوولان انقلابی» را یادآور شـدند و خاطرنشـان کردند: امام بزرگـوار همچنان که به مجریان نهیـب می‌زدند در مواردی نیز صریحا از آنها قدردانی می‌کردند، بنابراین امروز که دشـمن درصدد تخریب مسوولان انقلابی اسـت، وظیفه سـنگین قدرشناسـی باید ادا شود.

رهبر انقلاب با اشـاره به جلوه‌هایـی از فعالیت‌های ارزشـمند مسـوولان در روزهای اخیر، گفتند: چند شبانه‌روز حضور مستقیم یک وزیر در آبادان و ملاقات رییس‌جمهور و معـاون او با آسـیب‌دیدگان حادثه و آرامش دادن به آنها، نمونه‌هایـی با ارزش و درخور قدرشناسی است؛ البته باید عاملان خرابکاری‌ها در قضیه آبادان و در قضایای دیگر نیز مجازات شوند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پایان با اشـاره به برخی حواشی در زمان سخنرانی حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی تاکید کردند: شنیدم در زمان سخنرانی جناب آقای حاج سیدحسـن خمینی، کسـانی سر و صدا کردند. همه بدانند که من با این کارها و سـر و صداها مخالف هستم. در ابتدای این مراسم، حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی در سخنانی، امام بزرگوار را منادی اسـتقلال و عزت ملت ایران خوانـد و گفت: امام یک حقیقت ناب و روح مطهر و نمـاد و مظهر آرمان‌های درخشان اسلامی و مردمی بود.

احزاب

دبیر کل حزب اعتماد ملی:

غیبت دعایی خلأیی است که پر نخواهد شد

الیاس حضرتی ضمن تسلیت درگذشت سیدمحمود دعایی گفـت: آقای دعایی شـخصیتی بود که بوی امام(ره) و یاد امام از چهره‌اش، کار کردش و نگرشش تـراوش می‌کرد. لحظه بـه لحظه با دیـدن او ما به یاد نجف و یـاران واقعی انقلاب و امـام می‌افتادیم. مدیر مسوول روزنامه اعتماد با اشاره به دیدار مدیران مسوول رسانه‌ها با سیدابراهیم رییسی در ماه مبارک رمضـان گفت: بعـد از دیداری که با آقای رییسـی داشتیم یک جو ناجوانمردانه‌ای در باب اینکه ایشان می‌خواست دست آقای رییسی را ببوسد به راه افتاد. البته همه دوسـتان به نوبه خودشان پاسخ گفتند و اعلام کردند که با توجه به روحیه صفا و صمیمیتی که در ایشان وجود دارد این ویژگی را دارند که هر کسی را می‌بینند اعم از رفتگر یا رییس جمهور دستش را می‌بوسند.

وی ادامه داد: با این حال من به این توضیحات راضی نشـدم و با ایشان تماس گرفتم و گفتم اجازه بدهید بعد ماه مبارک رمضان به دیدن شـما بیایم چرا که می‌خواهم دست‌تان را ببوسـم. بلافاصله بعد از ماه مبارک برای زیارت و دیدار ایشان رفتیم. تمام مدیران ایشان جمع بودند و من بلند شدم و گفتم آمده‌ام برای عرض ادب و دوستی و در جمع دست آقای دعایی را ببوسـم و گفتم این مرد آنقدر شرافت دارد که ما هر روز باید دستش را ببوسیم.

دبیر کل حزب اعتماد ملی گفت: افتادگی ایشـان و تواضع و متوقع نبودن ایشـان مثال‌زدنی بود؛ تمام کسـانی که همراه امام در نجف و پاریس بودند همه مسـوولیت‌های بزرگی گرفتند اما ایشـان تنها به وکالت از طرف مردم در مجلس و سرپرستی روزنامه اطلاعات اکتفا کرد و هیچ وقت به دنبال کار اجرایی نبود در حالی که لیاقت و شایستگی داشت و در سنگر روزنامه اطلاعات به کارهای فرهنگی پرداخت.

وی افزود: رویکـرد آقای دعایی معتدلانه بود و همه نیروهـای درون انقلاب و همه فـرق درون انقلاب را در نظـر می‌گرفت و مـراودت می‌کـرد و از تمام کسانی که زندان می‌رفتند و در این سال‌ها متاسفانه مطرود شـده بودند حداقـل کارش این بود که نماز میت این افراد را اقامه می‌کرد. از آقای شـجریان تا عزت‌الله سحابی و علمایی که منزوی شده بودند نماز میت‌شان توسط آقای دعایی خوانده شد. عدم حضور ایشان خلأیی است که به هیچ عنوان پر نخواهد شد. ایشان جزو آخرین یاران امام بود که بوی خوش امام را می‌داد و ما هر از چندگاهی در جلسـات ملاقاتش می‌کردیم و نظراتش را می‌پرسـیدیم. در جلسـات مدیران مسـوول با وزرا و روسـای جمهور همیشه اعلام می‌شد که برکات جلسات آقای دعایی هستند و جلسـه باید با سخنان ایشـان آغاز شود. خدایش رحمت کند.

ادامه از صفحه اول

تکرار توهین به بزرگان!

بیشتر سخنرانی کند تا وقتی برای سخنرانی حسن خمینی نماند. در این میان محمدعلی انصاری دبیر ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی چندین بار به محمود احمدی‌نژاد اشاره کرد که زمان او تمام شده و باید سخنرانی خود را تمام کند اما او اعتنایی نکرد و پس از آنکه سخنان خود را با این عبارت که «اکنون توجه شـما را به سخنان مقام رهبری جلب می‌کنم» ادا کرد، به سوی انصاری آمده و عتاب‌آمیز گفت: «شـما چه کاره‌اید و به چه حقی به من یادداشت می‌دهید.» هر چند احمدی‌نژاد بعدها در شهریور ۱۳۹۳ در جریان بازدید از روند توسعه آرامگاه روح‌الله خمینی با سیدحسن خمینی دیدار داشت و اندکی بعد نیز در نامه‌ای به او مجموعه هدایای دوران ریاسـت جمهوری خود را به موزه تولیت آرامگاه روح‌الله خمینی اهدا کرد. احمدی‌نژاد در بخشـی از این نامه چنین گفته: «امروز نیز همچنان در همـه جای جهان نـام مبارک امـام خمینی گرمای حقیقت و شـور زندگی و حرکت آرمانی را بر دل و جان و اندیشه و عمل همگان می‌تاباند و روح آزادگی را در جوامع می‌گستراند». سیدحسن خمینی نیز در بهمن ۱۳۹۳، در منزل احمدی‌نژاد حاضر شد تا درگذشت مادر وی را به او تسلیت بگوید. خردادماه همان سال احمدی‌نژاد متقابلا در جماران حضور یافت و از سیدحسن خمینی به سبب حضور در منزل خود و ابراز همدردی به مناسبت درگذشت مادر خویش قدردانی کرد. آیت‌الله هاشم‌زاده هریسـی، عضو مجلس خبرگان رهبری در گفت‌وگو با دیدبان ایران در پاسخ به سـوالی درباره برخورد صورت گرفته با سید حسین خمینی در مراسـم ارتحال بنیانگذار جمهوری اسلامی گفت: «جریانی در سال‌های اخیر «امام‌زدایی» را به صورت عملی دنبال کرده و به دنبال مصادره کردن انقلاب در جهت تفکرات و خط‌مشی سیاسی خود است. برخورد این جریان با افراد نزدیک به امام خمینی (ره) و هر کسی که بر خلاف خط فکری آنها هم حرف بزند، برنامه‌ریزی شده و عامدانه است.»

زنان شهر و ساختمان‌های ناایمن

از سوی رییس سابق این سازمان ارایه شده ظاهرا امنیت و ایمنی ساختمان‌ها با هاله‌ای از ابهام روبه‌رو شده است. به گفته خرم رییس وقت این سازمان در دوره قبل، ۱۲۰ برج در شمال شـهر تهران روی گسل ساخته شده و براساس آمارهای سـال ۱۳۹۹ بیش از ۳۳ هزار ساختمان ناایمن در شهر تهران شناسایی شده که قریب به ۱۲۹ تای آن در حوزه پرخطر هستند!

با این نگاه تصویر امن و امنیت در ساختمان‌های شهری برای زنان که فرزندان یا همسران‌شان یا حتی خودشان برای اقامت موقت یا دایم به آنها مراجعه می‌کنند چگونه است؟!

زنان که دغدغه سـلامت خانواده برای آنها از جدی‌ترین مسـائل می‌باشـد هر روز را با نگرانی طی می‌کنند و هر شب را با نگرانی از مکانی که در آن زندگی می‌کنند به‌سر می‌برند. براساس آمارهای سازمان آموزش و پرورش تهران در دوره‌ای که عضویت شـورای شهر را بر عهده داشتم در سـال ۱۳۹۹ بیش از ۱۰۰۰ مدرسه در بافت فرسوده بود که نگرانی جدی از ادامه فعالیت آنها به دلیل سازه نامناسب وجود داشـت. با این آمارها به واقع زنان شهری هر روز را با دغدغه‌ای از جنس ایمنی و ناامنی طی می‌کنند و نگرانی آنها بستری برای بروز دغدغه‌های فراوان است. در این میان آتش‌سوزی‌های احتمالی که بر اثر کم‌توجهی به سازه‌ها و نظارت سازمان آتش‌نشانی در کمین آنها است نیز قابل تامل می‌باشد. در حادثه سینا اطهر تهران(۱) تعدادی از همشـهریان جان خود را از دست دادند که بخش بزرگی از آن زنان بودند. در حادثه متروپـل اهواز تعداد زیادی از زنان، جان خود را از دست دادند! این مهم بیانگر آن است که ایمنی ساختمان‌ها به صورت مداوم و همیشگی باید مورد توجه مسوولان و مدیریت کشـوری قرار بگیرد. بر این اساس در سـال ۱۳۹۸ طرح ایمنی برخط یا سامانه ایمنی ساختمان به تصویب شورای پنجم رسید و سازمان آتش‌نشانی مسوول بررسی و انتشار اسامی ساختمان‌های ناایمن در این سامانه بود!

اما این مهم از سوی مدیریت بعدی شهری مورد توجه قرار نگرفت و از همه نگران کننده‌تر حذف سازمان آتش‌نشانی از نظارت و تاییدایمنی ساختمان‌های شهری بود!(۲)

از این رو ضروری است مدیریت شهری و نظام مهندسی با توجه به تجارب حادثه متروپل و غم و رنج زنانی که بازمانده ایـن حادثه دردنـاک بودند یا قربانی ناایمنی این سـازه شـهری بودند! با بازنگری و ایجاد شناسنامه ایمنی برای ساختمان‌های شهری اعم از مسـکونی و تجاری و اداری اقدام عاجل نمایند. پیش از این با تلاش‌های کمیسیون‌های عمران و شهرسازی شورای شهر تهران، صدور شناسنامه فنی برای ساختمان‌ها از الزامات جدی بود اما با مقاومت از سوی سازندگان و برخی بخش‌های شهرداری به سرانجام نرسید. حتی نمونه عینی آن نیز رونمایی شد! این مهم دوائر جدی بر ایمنی ساختمان‌های شهری دارد؛ نخست آنکه در صورت بروز حادثه امکان دسترسی به بخش‌های مختلف به‌وجود می‌آید و دوم آنکه با عنایت به اصول و قواعد مصوب سـاخت آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. با این وجود بروز حادثه متروپل شاید زنگ خطری برای توجه به این مهم باشـد که ایمنی اصلی اساسی برای حیات در شهر است. زنان شهری با اطمینان به نهادهای ناظر و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیر در زیر سـرپناهی زندگی می‌کنند که باید پاسخ آن را به روشنی دریابند. این مهم در صورتی محقق می‌گردد که تمرکز بر رعایت قوانین ساخت و ساز در کشور و پیوستگی بیشتر سازمان نظام مهندسی و مدیریت شهری از یک‌سو و نظارت نهادهای صنفی و سازمان استاندارد بر مصالح مورد استفاده و اصول ساخت صورت پذیرد.

زنان که شـهروندان شـهرها هسـتند نیازمند امنیت خاطر از سـرپناهی هسـتند که در آن زندگـی، کار و... می‌کنند. بی‌توجهی به این خواست یعنی نادیده گرفتن حقوق شهروندی آنان و دیگر شهروندان و بی‌توجهی به حداقل‌های مسوولیت‌پذیری شهری!

۱- https://www.farsnews.ir/news
۲- https://www.yjc.news/fa/news/

Pishkhan.com

گفت‌وگو

مهرداد آلادین /اعتماد آنلاین

وحید اشتری، فعال رسانه‌ای و عضو جنبش عدالت‌خواه در گفت‌وگوی ویدیویی با «اعتماد آنلاین»:

جریان عدالت‌خواهی با پدرکشی شکل گرفت

سیما پروانه‌گهر

ادعای نابجایی نیست اگر عدالت را یکی از اصلی‌ترین مفاهیم بشر طی دوره‌های مختلف بدانیم، از آن زمان که ارسطو آن را برترین فضیلت بشر دانست تا سال‌های بعد که حتی در ایدئولوژی‌های مذهبی نیز از این مفهوم استفاده شد. عدالت مختص یک مرز خاص هم نیست. با این وجود، به نظر می‌رسد در طول چهار دهه عمر جمهوری اسلامی بارها از واژه عدالت در جریان‌های سیاسی مختلف استفاده شده است. دهه ۸۰ اما شاهد بروز و ظهور جریانی بود که علاوه بر اینکه شعار عدالت می‌داد نام عدالت‌خواهی را نیز برای خود انتخاب کرده بود، جریانی که طی سال‌های فعالیت هرگز در چارچوب کامل جریان چپ و راست جمهوری اسلامی قرار نگرفت، با این وجود به شخصیت‌های مختلف در این دو جریان منتسب می‌شد. حالا اما جریان عدالت‌خواه در نخستین سال دولت سیدابراهیم رییسی رفتارهای تازه‌ای از خود نشان می‌دهد و به نظر می‌رسد به دنبال تعاریف سیاسی تازه‌ای نیز برای خود هست. من سیما پروانه‌گهر هستم و میهمان این قسمت از برنامه «پاراگراف» اعتماد آنلاین آقای وحید اشتری از چهره‌های اصلی جریان عدالت‌خواه است.

■ آقای اشتری! اگر اجازه بدهید بحث را شروع کنیم در رابطه با ریشه جریانی که شما یکی از چهره‌های شاخص آن هستید. اگر بخواهیم جریان‌های سیاسی را در جمهوری اسلامی مرور کنیم، به نظر می‌آید جریان عدالت‌خواه در هیچ یک از دسته‌بندی‌های کلان چپ و راست یا اصلاح‌طلبی و اصولگرایی قرار نمی‌گیرد. اگرچه رگ و ریشه‌های جریان عدالت‌خواهی به افراد مختلفی نسبت داده می‌شود، به نظر می‌رسد شروع این جریان از دهه ۸۰ است. با وجود این، اسامی مختلفی در این جریان مطرح می‌شوند اما امروز این اسامی نه نفی می‌شوند و نه تایید می‌شوند. اگر بخواهم خیلی صریح بپرسم، [سوال] این است که شما که هستید و از کجا آمده‌اید؟

ما از کف دانشگاه آمدیم. وقتی در مورد جریان عدالت‌خواه حرف می‌زنیم در مورد یک جریان دانشجویی صحبت می‌کنیم که متولد اوایل دهه ۸۰ است و از آن زمان [تاکنون] در سال ۱۴۰۱ که ما با هم صحبت می‌کنیم در اعتراض به فضایی که اواخر دوم خرداد- شاید اواخر دولت دوم آقای خاتمی- ایجاد شد، به این دلیل که مساله توسعه سیاسی خیلی جدی بود و همچنین مساله بی‌عدالتی و تبعیض و عدالت اجتماعی در ادبیات فضای سیاسی ما خیلی کمرنگ بود، جریان عدالت‌خواه شکل گرفت و شکل‌گیری جریان عدالت‌خواهی مصادف شد با فتح اصولگرایان از مجلس هفتم و شوراهای دوم و بعد هم ریاست جمهوری و از همان ابتدا فاصله جریان عدالت‌خواه با جریانی که در نهادهای مختلف مستقر می‌شود به نام اصولگرایی...

■ آخر چهره‌هایی مثل برادران جلیلی، مثل آقای سعید جلیلی، وحید جلیلی و آقای سعید زیباکلام هستند که شما منتسب به این چهره‌ها هستید.

بالاخره وقتی در مورد تطور جریان عدالت‌خواه صحبت می‌کنیم که در دهه ۸۰ شکل گرفته با تعدادی از اساتید و چهره‌ها شکل گرفته است و در دهه ۸۰ شاید آسیب‌شناسی‌ای که از نظام حکمرانی داشت به این بلوغی که الان داریم در موردش صحبت می‌کنیم نرسیده بود. ۲۰ سال گذشته است. آن زمان چهره‌های شاخصی که بالاخره عدالت‌خواهی با آنها شناخته می‌شده است آقای افروغ بودند، آقای حسن سبحانی و آقای ترکش‌دوز اگر معرف حضورتان باشد و آقای وحید جلیلی، اما آقای سعید جلیلی آن موقع هیچ‌وقت جزو اساتید عدالت‌خواهی نبودند...

■ پس هسته اولیه و امدار این چهره‌هاست؟

بله، با این چهره‌ها شکل گرفته است.

■ در جریان عدالت‌خواه پسران علیه پدران شوریدند؟

اصلا عدالت‌خواهی با پدرکشی شکل گرفته است. اساسا هویت این جریان با پدرکشی بوده است. عدالت‌خواهی در دهه ۸۰... بالاخره این اتمسفر، اتمسفری است که در فضای بسیج و تشکل‌های اینچنینی بودند و همان زمان با یک پدرکشی جدی شکل می‌گیرد و بسیج و جریان راست و اصولگرایی پدران معنوی داشته است و دارد و اینها همان موقع شکل گرفت و این پدرکشی هم دایما در جریان عدالت‌خواهی وجود دارد.

■ نمی‌ترسید که خودتان هم به مرور قربانی این چرخه شوید؟

ببینید، جریان زنده و جریانی که فکر می‌کند و حرف می‌زند اساسا و امدار کسی نمی‌ماند؛ یعنی جریانی که فکر می‌کند و تولید ادبیات می‌کند و دارد جلو می‌رود و اینها، اما جریانی که در رکود است و زایش ندارد تا ابد وامدار است و یک پدر معنوی دارد تا ابد و بالاخره این یک مقوله‌ای است در علوم اجتماعی که اگر بخواهم ادبیاتش را بسازم شامل دو کلیدواژه است؛ مثلا جریانی که نسبت به گذشته یک استمراری دارد و نسبت به گذشته یک انقطاعی دارد.

■ خطوط قرمز هم در این دو دهه خیلی تغییر کرده است...

بله. استمرار به این معنی که نسبت به گذشته یک همبستگی‌هایی دارد و یک سری چیزهایی را حفظ می‌کند و یک سری انقطاع‌هایی دارد و هیچ ابا و تعارفی هم ندارد که در این مورد حرف بزند که بگوید من نسبت به گذشته خودم یک بازشناسی دارم و از این جهت یک جریان جدید محسوب می‌شود چون با این حوزه‌هایش خداحافظی کرده‌ام. و البته یک استمراری هم دارم که هنوز بخش‌هایی هم از آن ریشه‌ها وجود دارد که آن هم می‌تواند توضیح دهد که چه چیزهایی هستند. به این جهت این پدرکشی را بد نمی‌دانم؛ به این معنی که این بازشناسی انتقادی دایما باید به خودش و چهره‌ها و اساتیدش برسد و تولید حرف و فکر داشته باشد و جلو برود و وامدار باقی نماند. من فکر می‌کنم این تفاوت جدی جریان عدالت‌خواهی با جریانات سیاسی‌ای است که در کشور وجود دارد؛ مثلا در اصولگرایان بعضا در لیست‌های انتخاباتی‌شان آدم‌هایی از دهه ۶۰ وجود داشته‌اند و وجود دارند و به محض اینکه بمیرند از لیست بیرون می‌روند و تا وقتی که زنده هستند در لیست هستند. مثلا لیست اصولگراها- نمی‌خواهم نام ببرم- زیاد هستند و برخی هم مرحوم شده‌اند و اینها تا آخرین دوره‌ای که زنده بودند در لیست بودند و بعضی حتی کارهای شخصی‌شان را هم نمی‌توانستند انجام دهند و مشکل حافظه پیدا کرده بودند ولی در لیست اصولگرایان بودند. اصلاح‌طلبان هم این مورد را زیاد دارند و پدر معنوی اینچنینی زیاد دارند. اصلا یک سری از وزارتخانه‌ها به نام افرادی تا ابد سند خورده است.

■ دغدغه‌هایی از دهه ۸۰ داشته‌اید که تا به امروز که چهار دولت گذشته هنوز رفع نشده؟

بله، رفع نشده.

■ در بحث سیاسی چطور؟ فکر نمی‌کنید تغییراتی داشته‌اید؟ فکر نمی‌کنید خطوط قرمز جریان جدید عدالت‌خواه در بستر توییتر خیلی متفاوت با خطوط قرمزی است که قبلا بود؟

حتما هست.

■ ادبیات جریان عدالت‌خواهی جدید است...

حتما ادبیات جدیدی است. حتما در تطور این ادبیات جدید شکل گرفته است. شاید در ۱۰، ۱۵ سال گذشته وقتی انتخابات را آسیب‌شناسی می‌کردند و نهایتا در مورد شفافیت‌های هزینه انتخابات و در مورد نزدیک نشدن به باندهای ثروت و قدرت و امثالهم می‌گفتند با ادبیاتی که الان در مورد آن حرف می‌زنند حتما متفاوت است و این در تطور شکل گرفته است.

■ در مورد اخیر در رابطه با سفر خانواده آقای قالیباف و صحبتی که شما کردید جایی نبود که [این خبر] کار نشود و موضوعی نبود که در رابطه با این مساله [به آن] پرداخته نشود. اگر یک چهره دیگر این کار را می‌کرد، برداشت من این است که شاید برخورد تندتری می‌شد.

برخورد تندتر...

■ اما الان شما آزاد هستید و ما در خدمت شما هستیم

[می‌خندد] شما لطف دارید. در این موضوعات اینچنینی که می‌فرمایید مقوله‌های فساد و از این جنس با موضوعاتی که پیش از این گفتم فرق می‌کند. در موضوعاتی از این قبیل نهایت برخوردی که می‌توانند بکنند را با ما هم می‌کنند؛ یعنی بابت این موضوعات هم مساله دادگاه و شکایت و... صورت می‌گیرد. به این دلیل که این موضوعات عمدتا خیلی مستند و مستدل هستند خیلی حکم سنگینی نمی‌شود برید. مثلا من خودم حکم چهار سال حبس تعلیقی هم دارم، ولی خب آقای قالیباف اصلا روی شکایت کردن در این مورد (مساله سیسمونی) را ندارد؛ مثلا چه موضوعی را می‌خواهد انکار کند؟ چه چیزی را تکذیب کند؟ پس فردا یک سخنرانی مثل آقای طائب می‌آید و می‌گوید که اینها اصلا در قالب ماموریت به سوریه رفته بودند و از سوریه به ترکیه رفتند و من هم بلیت‌ها را منتشر می‌کنم که چرا دروغ می‌گویید؟! سوریه به ترکیه اصلا پرواز ندارد و اینها مستقیما از تهران به ترکیه رفتند و... موضوع آنقدر مستند و مستدل است که یک فعال رسانه‌ای هم هفته بعد جزییات را می‌گوید که ۱۹ عدد چمدان داشته‌اند. اخیرا من با یک نماینده مجلس صحبت می‌کردم چون تماس گرفته بود و می‌گفت شما بی‌خیال این موضوع شوید، آقای قالیباف می‌خواهد سخنرانی کند و از مردم عذرخواهی کند و اگر امکان دارد، شما هم دیگر ادامه ندهید. من هم گفتم شما می‌دانید جزییات دقیق این مساله چه بوده است؟ گفتند، بله من خودم هم پیگیری کردم و پرس‌وجو کردم و من خودم فکر می‌کردم که ۳۰۰ یا ۴۰۰ کیلو بار داشتند ولی ایشان گفتند که ۲۹۴ کیلو تگ بارشان بوده است و ۲۵ کیلو بار مجاز بوده و ۲۹۴ کیلو بار خانم آقای قالیباف بوده است. می‌خواهم بگویم این مساله پنهانی نیست که ما بخواهیم افشاگری کنیم.

■ البته پسرشان به نوعی...

نه، خیلی بد بود. دروغ بود دیگر. گفت گناه نابخشودنی و اشتباه کرده‌اند و آقای قالیباف مخالف بوده‌اند... البته بزرگنمایی‌هایی درباره آن سفر شده است و... یعنی چه بزرگنمایی شده است؟! یعنی مثلا تعداد روز کمتری از تور ترکیه رفته بودند.

■ شما هم به آقای سعید جلیلی منتسب هستید و هم جبهه پایداری...

هم به جبهه پایداری و هم به بدهکاران بانکی...

■ هم به دولت آقای رییسی...

بله، هم به دولت آقای رییسی... آخر اینها خودشان با یکدیگر دعوا دارند. اینکه من به همه اینها همزمان وصل هستم پدیده عجیبی است.

■ یک دلیل آن این نیست که خود عدالت‌خواهان این سال‌ها سعی نکرده‌اند خودشان را شفاف کنند؟ یعنی مطابق یک تعبیری که حالا من قبلا از خودتان شنیده‌ام ترجیح می‌دادید به صورت شبح عالم سیاست ایران باقی بمانید؟

ما اساسا یک فهمی از خودمان داریم (البته در حوزه سیسمونی موضوع متفاوت است؛ شما و خانواده‌تان رفتند سیسمونی خریده‌اند) حالا این فضای داخلی و بدهکاران بانکی یک بحث بود و بحث دیگر که در یکی دو تا از سایت‌های امنیتی وابسته به سپاه هستند نوشته بودند که میت ترکیه، سازمان اطلاعاتی ترکیه پشت این موضوع قرار دارد. خب، شما خانواده‌تان رفتند از خارج از کشور سیسمونی خریدند، بیایید جلوی دوربین. اصلا این در هیچ جای دنیا مرسوم نیست؛ اعضای خانواده رفته‌اند یک کاری انجام داده‌اند، یا خانواده باید عذرخواهی کنند یا شما باید به عنوان مقام رسمی سیاسی‌ای که اعضای خانواده‌اش رفته‌اند از مردم عذرخواهی کنید. اینکه آن اعضای خانواده و این مقام سیاسی هم نه و یک عضو دیگر خانواده که به او ارتباطی ندارد؛ یعنی پسر خانواده، یعنی پسر آقای قالیباف می‌آید و عذرخواهی می‌کند، او کیست و چه جایگاهی دارد که عذرخواهی کند. شما بیا پشت تریبون و به مردم بگو که ببخشید و اشتباه کردم یا بگو خانواده‌ام به من ارتباطی ندارند یا هر چیزی، فقط یک توضیحی به مردم بدهید و یک بار با مردم حرف بزنید و این را بپذیرید که اشتباه کرده‌اید. اما ببینید جبهه پایداری، حاج‌قاسم، دفتر رییس جمهور و نهادهای امنیتی خودشان همدیگر را متهم می‌کنند که یک جریان امنیتی کثیف این کار را کرده است. همه همدیگر را محکوم می‌کنند و همدیگر را متهم کردند برای اینکه آقای قالیباف از مردم عذرخواهی نکند. بالاخره این ارکان سیاست در کشور، دفتر رییس جمهور و داماد آن، جبهه پایداری و جلیلی و حاج‌قاسم و سوریه و... همه را خرج می‌کنیم برای اینکه این اتفاق بخشی از سبک زندگی آن شخص است و ما هم سالیان سال است که این موضوع را داریم می‌گوییم نه اینکه این خبط و گناه نابخشودنی باشد. این سبک ریاکاری با مردم و ادا درآوردن با چفیه جلوی مردم و در خفا زندگی دیگری داشتن مختص آقای قالیباف است و من هم در چندین سخنرانی گفته‌ام...

■ فقط مختص ایشان است؟

در میان اصولگرایان نماد این سبک ایشان است. [این بخش از گفت‌وگو قابل انتشار نیست] آقای روحانی یا آقای جهانگیری اگر خانواده‌شان به سفر خارجی بروند یا خرید خارجی داشته باشند اصلا ابایی ندارند از اینکه بیایند و این مساله را بگویند؛ یعنی سبک زندگی‌شان اصلا قابل مخفی کردن از مردم نیست. منزل آقای روحانی در خیابان ثارالله ولنجک است. خانه و زندگی‌ای که دارد و اساسا [اهل] ادای چیزی را درآوردن نیست. آقای قالیباف است که همزمان در اردوی جهادی به عنوان فرمانده جهادی در حال سخنرانی با چفیه درباره زندگی جهادی است و همان زمان خانواده‌اش در ترکیه هستند و معلوم می‌شود در حین سخنرانی در اردوی جهادی خانواده در حال خرید سیسمونی در ترکیه بوده‌اند.

■ یک انتقادی که بخشی از بدنه و چهره‌های جریان اصولگرا از شما دارند این است که شما خیلی ساده به بعضی افراد پیله کرده‌اید؛ مثلا به آقای قالیباف پیله کرده‌اید که البته توضیح دادید بر اساس برداشتی که از نقش ایشان و فعالیت‌های ایشان دارید این کار را می‌کنید. اما وقتی مرور می‌کنیم، می‌بینیم شما مخالف فساد هستید و مدعی هستید که آقای قالیباف با چفیه خلاف چیزی که شعار می‌دهد عمل می‌کند. اما نمی‌بینیم مثلا در این سال‌ها شما نقد جدی‌ای به آقای لاریجانی داشته باشید در حالی که آقای لاریجانی از درون جریان اصولگرایی خیلی مورد انتقاد قرار می‌گیرد که دنباله‌رو گفتمان اشرافی بوده است. یا حتی نمی‌بینیم که نقدهای جدی به چهره‌های اصلاح‌طلب داشته باشید.

کدام لاریجانی را شما فرمودید؟

■ برادران لاریجانی. مشخصا شخص علی لاریجانی.

ما در دوران دانشجویی همان حدود سال ۸۸ و ۸۹ که فضای سیاسی خیلی ملتهب بود یک دعوا و انتقاد جدی به مجلس اصولگرایان و رأس مجلس داشتیم و همه هم پرونده‌های...

■ آن زمان شما ذیل تنش‌های آقای احمدی‌نژاد با آقای لاریجانی تعریف می‌شدید...

خیر. در مقوله‌های زیادی در همان سال‌ها ما پرونده داشتیم و محکوم هم شدیم. انتقادها به مقوله دانشگاه آزاد و اتفاقاتی که رخ داد و پرونده‌هایی که برای فعالان دانشجویی ساخته شد به دلیل نقدهای تند و تیزی [بود] که به آقای علی لاریجانی شد. بعد هم برخوردهایی که آقای آملی لاریجانی انجام می‌داد [این بخش از گفت‌وگو قابل انتشار نیست] و همین بزرگوارانی که یا خود کشانده شدند یا محکوم شدند مثل آقای قاضی منصوری و بیژن قاسم‌زاده آنجا نشسته بودند و فقط ما را فله‌ای می‌بردند و می‌آوردند و محکوم می‌کردند. در این بازه درگیری‌های ما با برادران لاریجانی مربوط به آن سال‌هاست. بعد هم که دیگر آقای احمدی‌نژاد در سپهر سیاسی کشور نبوده است از سال ۹۲ و ۹۳؛ انتقاد جریان عدالت‌خواه از آقای آملی لاریجانی و محکوم شدن بچه‌های عدالت‌خواه در سال‌های ۹۲ و ۹۳ به خاطر نقد تند و تیز از ساختار قوه قضاییه [بود] که چند مرتبه از مساله ساخت‌وساز حوزه علمیه ایشان تا مسائل دیگر مورد نقد جنبش قرار گرفته‌اند و بعد هم این سال‌های اخیر موضوع لواسان و کلاک و آقای طبری که متاسفانه در حاکمیت اجماعی صورت گرفت که در نهایت همه چیز را بر سر آقای طبری بریزند و اینکه آقای آملی را تبرئه کنند و ایشان هم بروند و چیزی بنویسند و اعلام برائت کنند که آقای طبری ام‌الفساد قوه قضاییه بوده است و دامن آقای آملی از تمام این موضوعات پاک است. در این مورد در رسانه‌ها و صداوسیما و میان نهادهای امنیتی اجماعی صورت گرفت که تمامی مسائل را بر گردن آقای طبری بیندازند و آقای آملی به هیچ کجا پاسخی ندهد. این مسائل همگی متعلق به ما بود و در فضایی که ما ایجاد کردیم رخ داد.

■ حامی آقای رییسی نبودید در انتخابات؟

خیر. عدالت‌خواهان و به ویژه چهره‌های شاخص که مطلقا نبودند. در بدنه و پایین را نمی‌دانم و نمی‌شود چون حزب نیست اجماع کرد یا بیانیه‌ای در حمایت از کسی داد. ولی خوب می‌دانم که عمدتا نگاه انتقادی جدی به آقای رییسی داشتند.

■ قبول دارید که جریان تندی هستید؟

بله. در نقد ساختار قوه قضاییه و نقد به فساد در کشور حتما خیلی متفاوت با جریان‌های سیاسی کشور هستیم. یعنی خیلی تند و صریح حرف می‌زنیم.

■ به این دلیل که چند بار اسم آقای قالیباف را در این برنامه آوردیم من می‌خواستم بگویم که اولا اگر بخواهند پاسخ بدهند ما در خدمت‌شان هستیم یا اگر بخواهند مناظره‌ای با آقای اشتری داشته باشند در برنامه پاراگراف از این موضوع استقبال می‌کنیم. فرصت پاسخگویی برای ایشان و تیم رسانه‌ای ایشان محفوظ است.

ایشان نه هیچ‌وقت می‌آیند با شما گفت‌وگو کنند و نه با من وارد مناظره می‌شوند. خیلی بخواهند کاری کنند، می‌روند شکایت می‌کنند و شما فقط جلوی دوربین بفرمایید که هر وقت خواستند بروند شکایت کنند تشریف ببرند دادسرای رسانه و آنجا هم منتظر ایشان نشسته‌اند. ایشان معمولا شکایت می‌کنند و اخیرا هم که دیگر شکایت نمی‌کنند چون شکایت زیاد کرده‌اند و به این دلیل که موضوعات قابل دفاعی هم نیستند منع تعقیب می‌خورد. در قضیه سیسمونی هم ما یک هفته ۱۰ روزی داشتیم در مورد این سفر و جزییاتش در رسانه‌ها صحبت می‌کردیم و این بنده خدا نه می‌توانست شکایتی یا کاری انجام دهد. یک نماینده مجلس قبلی- آقای ایمن آبادی- آمدند و انگار شبکه‌های ماهواره‌ای را دیده بودند و گفتند که اینها رفته‌اند یک واحد آپارتمان خریده‌اند در ترکیه که موثق هم نیست و منبعی ندارد و صبح روز بعد آقای قالیباف خوشحال رفتند و از ایشان شکایت کردند؛ یعنی یک موضوع فرعی که اصلا ارتباطی به سفر و سیسمونی ندارد ایشان رفت شکایت کرد. از این جهت که چیزی برای دفاع برای ایشان باقی نمانده است. وقتی فایل صوتی فرمانده سپاه و معاون سپاه بیرون می‌آید که در حال صحبت در مورد گم شدن هشت هزار میلیارد پول هستند- این دیگر مساله‌ای نیست که شما بگویید رسانه‌های بیگانه و بی‌بی‌سی و من و تو و عدالت‌خواران می‌گویند- یک فایل صوتی بیرون می‌آید و در جامعه پخش می‌شود که فرمانده سپاه و معاونش دارند در مورد هشت هزار میلیارد پولی که در دوره ایشان گم شده است حرف می‌زنند و بعد هم طرف مقابل می‌گوید که سندسازی کرده‌است. آورده‌است جلوی مسجد که از من امضا بگیرد و من امضا نکرده‌ام. وضعیت اینگونه است. ایشان بروند از چه کسی شکایت کنند؟ چه چیزی را می‌خواهند تکذیب کنند؟ یک زمانی وحید اشتری توییت می‌کند می‌گویند این عدالت‌خواران بدون سند یک چیزی گفته‌اند. [اما] اینجا دیگر فرمانده سپاه در یک جلسه و محفلی با یکدیگر در مورد چند هزار میلیارد پولی که در زمان ایشان گم شده صحبت می‌کنند و هلدینگ یاس فقط یکی از پرونده‌های آقای قالیباف است. یکی دو تا نیستند. دیگر شما می‌خواهید به مردم چه توضیحی بدهید و می‌خواهید گردن چه کسی بیندازید؟ استکبار جهانی، نفوذ، لیبرال‌ها؟ خیال‌تان راحت نه آقای قالیباف خدمت شما می‌رسد نه با ما مناظره می‌کند و نه به جایی جواب می‌دهد و نه از جایی عذرخواهی می‌کند؛ هیچ، در حال زندگی است و الحمدلله نهادهای امنیتی و بقیه همگی سفت ایستاده‌اند تا ایشان را در رأس کشور نگه دارند. و نه ایشان هیچ‌وقت رد صلاحیت می‌شوند. هیچ اتفاقی نمی‌افتد... فقط هر بار که این مسائل رسانه‌ای می‌شود اطرافیان یک پروپاگاندایی درست می‌کنند که نمی‌دانم نهادهای امنیتی هستند و... معلوم نیست کدام نهاد امنیتی در کشور است که بخواهد آقای قالیباف را بدنام کند؟ به این دلیل که نهادهای امنیتی اگر دنبال بدنام کردن کسی بودند که طرف نمی‌رود در رأس مجلس بنشینند. هزار جور استعلام می‌گیرند.

■ ما پیشنهاد این گفت‌وگو را که می‌توانیم بدهیم.

آقای قالیباف اصلا در یک جایگاهی هستند که با کسی گفت‌وگو نمی‌کنند.

متن و ویدیوی کامل این گفت‌وگو را می‌توانید در پایگاه خبری- تحلیلی اعتماد آنلاین ببینید

خبر

سید محمود دعایی، به دیار باقی شتافت

درگذشت مرد اعتدال رسانه‌ای

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدمحمود دعایی، روز گذشته بعد از طی دوره‌ای بیماری درگذشت. سیدمحمود دعایی از همراهان امام خمینی(ره) در نجف بود. او از اعضای مجمع روحانیون مبارز بود که از سال ۱۳۵۹ سرپرستی موسسه اطلاعات را به عهده داشت.

در سال ۱۳۲۰ در یزد، سیدمحمود دعایی دیده به جهان گشود. او بعد از پایان دوران دبیرستان به حوزه علمیه کرمان رفت و فراگیری علوم دینی را آغاز کرد. دعایی سطوح اولیه حوزوی را در کرمان پشت سر گذاشت و پس از آن راهی حوزه علمیه قم شد. او توانست در سال ۱۳۴۶ سطوح عالیه را به پایان برساند و در همان سال بود که تحت تعقیب عوامل رژیم شاه قرار گرفت و به همین خاطر مخفیانه به عراق رفت و ادامه تحصیلاتش را در عراق از سر گرفت. در آن زمان ماموران رژیم پهلوی تلاش‌های بسیاری برای بازگرداندن او به ایران انجام دادند که به سرانجام نرسید.

سیدمحمود دعایی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و سایر کشورها فعالیت سیاسی داشته و در همین راستا به اروپا و کشورهای خاورمیانه مانند لبنان، عربستان، سوریه، اردن، افغانستان و پاکستان سفر کرده است. او از اعضای مجمع روحانیون مبارز بود و از سال ۱۳۵۹ تاکنون به عنوان سرپرست موسسه اطلاعات مشغول فعالیت بوده است. دعایی در شش دوره مجلس شورای اسلامی تا سال ۱۳۸۲ به عنوان نماینده مردم حضور داشته است. او در فاصله سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ به مدت دو سال سفیر ایران در عراق بوده و پیش از آن نیز در سال‌های اقامت حضرت امام در نجف یکی از همراهان ایشان بوده است. سید محمود دعایی، بیشتر از مشی سیاسی‌اش، به مشی اخلاقی‌اش مشهور بود. در واقع دعایی معمولا سعی می‌کرد از صف‌بندی‌های سیاسی فاصله گرفته و به لحاظ انسانی و اخلاقی، پلی ارتباطی میان جریان‌های سیاسی باشد. او چه با چهره‌های سیاسی اصولگرا و چه با چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب مشی دوستانه‌ای داشت. اقامه نمازهای میت او بر پیکر چهره‌های سیاسی از ملی‌مذهبی‌ها گرفته تا اصلاح‌طلب مشهور است. هر چند نمی‌توان گرایش او را به جریان‌های سیاسی منتقد وضع موجود کتمان کرد. دعایی نخستین مدیر مسوولی بود که پس از ممنوعیت انتشار خبر و عکس سید محمد خاتمی اعلام کرد که در روزنامه‌اش اخبار مربوط به سید محمد خاتمی را منتشر می‌کند. محمود دعایی از سوی چهره‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا نیز مورد احترام بود. در سال ۹۴ مراسمی برای تجلیل از سید محمود دعایی برگزار شد که در آن مراسم چهره‌های مختلف به تجلیل از شخصیت او پرداختند. در آن مراسم که در محل مرکز همایش‌های بین‌المللی کتابخانه ملی برگزار شد، شخصیت‌های فرهنگی هنری و سیاسی از جمله آیت‌الله سید حسن خمینی، اسحاق جهانگیری، آیت‌الله موسوی بجنوردی، محمدرضا صادق، محمدرضا عارف، محمدباقر قالیباف، سید محمود واعظی، نعمت‌زاده، غلامحسین کرباسچی، احمد مسجدجامعی، علی یونسی، محمدعلی نجفی، سید رضا اکرمی، علی ربیعی، حسن قشقاوی، حمید اسماعیلی، ترکان، چیت‌چیان، هاشمی استاندار تهران، غلامعلی حدادعادل، قاضی‌زاده‌هاشمی، سلطانی‌فر، سید ضیاء هاشمی، صالحی‌امیری، حسین انتظامی، رجبی رییس کتابخانه مجلس شورای اسلامی، میرزازاده رییس دانشگاه آزاد اسلامی، هادی خانیکی، محمدمهدی فرقانی، محمدرضا متقی و علی‌اکبر صالحی رییس سازمان انرژی اتمی حضور داشتند. همچنین پیام تصویری آیت‌الله جوادی آملی و پیام شفاهی رییس جمهور دولت اصلاحات سید محمد خاتمی در آیین نکوداشت حجت‌الاسلام‌والمسلمین سید محمود دعایی توسط محمدرضا تابش قرائت شد. مراسم تشییع پیکر حجت‌الاسلام‌والمسلمین سید محمود دعایی، نماینده ولی فقیه و مدیر مسوول روزنامه اطلاعات و نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، امروز ۱۶ خرداد ۱۴۰۱ ساعت ۹ صبح در حسینیه جماران برگزار می‌شود.

Pishkhan.com

وزارت صنعت، معدن و تجارت
سازمان صنایع کوچک وشهرک های صنعتی ایران
شرکت شهرکهای صنعتی تهران
سهامی خاص

فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای ش ۳- ۱۴۰۱
پروژه حفاری و تجهیز دو حلقه چاه آب
در شهرک صنعتی شمس آباد

شرکت شهرکهای صنعتی تهران در نظر دارد مناقصه عمومی خدمات(پروژه حفاری و تجهیز دو حلقه چاه آب در شهرک صنعتی شمس آباد)به شماره (۲۰۰۱۰۰۱۰۵۱۰۰۰۰۰۴) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکار واجد صلاحیت و دارای گواهینامه های صلاحیت پایه ۵ رشته کاوش های زمینی از سازمان برنامه و بودجه کشور و تایید صلاحیت ایمنی امور پیمانکاری از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی واگذار نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند .

- مبلغ برآورد اولیه بر اساس فهارس بهای سال ۱۴۰۰ :(۲۴/۷۳۸/۴۳۱/۸۵۲ ریال)
- مبلغ تضمین شرکت درمناقصه : (۱/۲۳۶/۹۲۱/۵۹۳ ریال)
- محل پروژه : شهرستان ری , کیلومتر ۳۵ آزاد راه تهران – قم بعد از فرودگاه بین المللی امام خمینی (ره) شهر حسن آباد , شهرک صنعتی شمس آباد تلفن : ۵۶۲۳۲۴۹۴
- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۰ می باشد .
- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : از تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۰ الی ساعت ۱۶ تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۹
- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد : تا ساعت ۱۶ تاریخ ۱۴۰۱/۳/۳۱
- پاکت الف حاوی اصل ضمانتنامه بانکی می بایست علاوه بر بارگذاری ، به صورت فیزیکی تا ساعت ۱۴ تاریخ ۱۴۰۱/۳/۳۱ در دبیرخانه شرکت ثبت شده و تحویل داده شود .
- زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت ۸صبح تاریخ ۱۴۰۱/۴/۴
- محل گشایش پیشنهادها:دفتر معاونت فنی شرکت شهرک های صنعتی تهران
- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف :

نشانی سهروردی شمالی کوچه شهید محبی پلاک ۲ طبقه ۴ معاونت فنی و تلفن : ۸۸۷۶۱۰۳۸-۰۲۱
www.tehraniec.ir و پایگاه ملی اطلاع رسانی:http://iets.mporg.ir
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه : مرکز تماس ۴۱۹۳۴-۰۲۱ داخلی ۴
دفتر ثبت نام : ۸۸۹۶۹۷۳۷

م الف ۸۸۱ شناسه ۱۳۲۷۷۳۹

شرکت شهرکهای صنعتی تهران

خبر

امیرعبداللهیان به ترکیه می‌رود

خبرگزاری آناتولی اعلام کرد که حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران امروز دوشنبه به ترکیه می‌رود. این خبرگزاری نوشت که این سفر، اولین سفر رسمی امیرعبداللهیان به ترکیه به شمار می‌رود. بر اساس این گزارش، در سایه بحران جهانی غذا به دلیل جنگ اوکراین و روسیه، ترکیه در دو هفته آتی میزبان وزرای خارجه ۹ کشور خواهد بود. در همان روز نشستی سه جانبه میان وزرای خارجه ترکیه، آذربایجان و ترکمنستان برگزار می‌شود. وزرای خارجه مقدونیه، هلند، روسیه، آلمان، نروژ و ایرلند نیز در این مدت به ترکیه می‌روند.

مکرون: نباید روسیه را تحقیر کرد

امانوئل مکرون، رییس جمهور فرانسه گفت: «خیلی مهم است که روسیه تحقیر نشود تا پس از پایان جنگ در اوکراین، بتوان به یک راه‌حل دیپلماتیک دست پیدا کرد.» به گزارش رویترز، امانوئل مکرون، رییس جمهور فرانسه گفت که ولادیمیر پوتین، همتای روس او با حمله به اوکراین مرتکب یک «اشتباه تاریخی و اساسی» شده و اکنون «منزوی» است. مکرون در مصاحبه با یک روزنامه فرانسوی گفت که وی به پوتین تاکید کرده بود که «یک اشتباه تاریخی و اساسی در حق مردمش، خودش و تاریخ» مرتکب شده است. وی گفت: «فکر می‌کنم پوتین خودش را منزوی کرده است. ولی منزوی شدن یک چیز است، اما اینکه بتوان از آن خارج شد، مسیر دشواری است.» او گفت که روسیه نباید «تحقیر شود... تا روزی که جنگ متوقف شود، بتوان از طریق ابزارهای دیپلماتیک راهی برای برون‌رفت پیدا کرد». وی افزود که «به این نتیجه رسیده است که فرانسه می‌تواند به عنوان یک قدرت میانجی عمل کند.» مکرون از زمانی که رییس جمهور روسیه دستور ورود نیروهایش به اوکراین را صادر کرد، به‌طور مرتب با پوتین در تماس بوده است. فرانسه از اوکراین حمایت نظامی و مالی کرده، اما بر خلاف بسیاری از رهبران اتحادیه اروپا، مکرون هنوز برای نشان دادن حمایت خود به اوکراین سفر نکرده است. اما کی یف درخواست مکرون برای تحقیر نکردن روسیه را محکوم کرد. دیمیترو کولبا، وزیر امور خارجه اوکراین درخواست مکرون برای خودداری از «تحقیر» روسیه را محکوم کرد و گفت که با این موضع تنها فرانسه تحقیر می‌شود. کولبا در توییتی نوشت: «درخواست برای پرهیز از تحقیر روسیه فقط می‌تواند فرانسه یا هر کشور دیگری را تحقیر کند، چراکه این روسیه است که خود را تحقیر می‌کند. همه ما بهتر است روی این موضوع تمرکز کنیم که چگونه می‌توانیم روسیه را سر جای خود بنشانیم. این موضوع باعث صلح و نجات زندگی می‌شود.»

سخنگوی وزارت امور خارجه:

جزایر سه‌گانه قلمروی ابدی ایران هستند

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران تاکید کرد: جزایر سه‌گانه، قلمروی ابدی ایران سرافراز در قلب خلیج همیشه فارس و چشم و چراغ وطن هستند. سعید خطیب‌زاده شب گذشته با انتشار تصاویری از دیدارش از مرزهای آبی در خلیج فارس در بهمن ۱۳۹۹ و در پاسخ به ادعاهای واهی مطرح شده در بیانیه اخیر شورای همکاری خلیج فارس در مورد جزایر سه‌گانه در صفحه توییترش نوشت: «حتی یک وجب از خاک میهن، به مثابه همه ایران است. جزایر سه‌گانه قلمروی ابدی ایران سرافراز در قلب خلیج همیشه فارس و چشم و چراغ وطن هستند. بوسه بر دستان مرزبانان غیورمان می‌زنیم که برای حفظ وجب وجب این خاک پرگهر، استوار ایستاده‌اند.»

دو هیات سعودی ماه ژوئن به واشنگتن می‌روند

برخی منابع مسوول در عربستان فاش کردند که دو هیات سعودی قصد دارند به منظور انعقاد توافقنامه‌هایی در برخی بخش‌ها از جمله حمل‌ونقل، لجستیک و انرژی‌های تجدیدپذیر به ایالات متحده امریکا سفر کنند. به گزارش ایسنا و به نقل از سایت شبکه المیادین، دو مقام سعودی گفتند که دو هیات دولتی عربستان قصد دارند در ماه ژوئن جاری به امریکا سفر کنند. انتظار می‌رود، نخستین هیات به ریاست ماجد بن عبدالله القصبی، وزیر بازرگانی عربستان در ۱۵ ژوئن و هیات دوم به ریاست خالد الفالح، وزیر سرمایه‌گذاری این کشور نیز تا پایان این ماه به ایالات متحده سفر کنند. این دو مقام به دلیل عدم اعلام رسمی این سفر از انتشار اسامی خود خودداری کردند. آنها افزودند: پیش‌بینی می‌شود دو هیات شامل ده‌ها مقام دولتی و مدیران شرکت‌های سعودی باشند که در خصوص انعقاد توافقنامه‌ها در برخی بخش‌ها مانند حمل‌ونقل، لجستیک و انرژی‌های تجدیدپذیر گفت‌وگو خواهند کرد. دولت عربستان هنوز به درخواست برای توضیح در مورد این سفر پاسخی نداده است. پیش از این، رسانه‌های امریکایی تاکید کردند که سفر برنامه‌ریزی شده جو بایدن، رییس جمهور امریکا به عربستان و اراضی اشغالی که برای ماه جاری برنامه‌ریزی شده بود، به جولای آتی موکول شده است. رسانه‌ها اخیرا گزارش داده بودند که رییس جمهور امریکا طی دوره‌ای در ماه ژوئن که برای شرکت در اجلاس ناتو به اسپانیا سفر می‌کند به عربستان و اراضی اشغالی نیز خواهد رفت.

شورای امنیت تحریم تسلیحاتی لیبی را تمدید کرد

شورای امنیت سازمان ملل عملیات موسوم به «ایرینی» که با هدف نظارت بر پیگیری تحریم‌های تسلیحاتی علیه لیبی و بازرسی کشتی‌های مشکوک به نقض تحریم تسلیحاتی در سواحل لیبی انجام می‌شود را به مدت یک‌سال دیگر تمدید کرد. شورای امنیت این ماموریت را با ۱۴ رای موافق و رای ممتنع روسیه تصویب کرده است. عملیات دریایی «ایرینی» با بودجه ۹.۸ میلیون یورو برای نظارت بر تحریم تسلیحاتی لیبی در ماه مارس ۲۰۲۰ آغاز و جایگزین ماموریت «صوفیه» شد که در سال ۲۰۱۵ آغاز شده بود. این عملیات، بر خلاف ماموریت قبلی، وظیفه دارد تحریم تسلیحاتی را بدون دخالت در قاچاق انسان رعایت کند.

گزارش روز

سفر رافائل گروسی به تل‌آویو بر تنش میان تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی افزود

هشدار تهران درباره عواقب اقدام سیاسی در شورای حکام

سارا معصومی

رابطه ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آستانه سلسله جلسه‌های دوره‌ای شورای حکام این نهاد که از روز دوشنبه هفته جاری آغاز خواهد شد، پرتنش گزارش می‌شود. درست در روزهایی که ایران و ۱+۴ به علاوه ایالات متحده هر روز از احیای توافق هسته‌ای دور و دورتر می‌شوند، دورنما برای حل اختلاف‌های پادمانی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هم تیره و تار شده است. اختلاف‌هایی که هر چند در محتوا به تعهدات پادمانی ایران به عنوان عضو معاهده ان‌پی‌تی مربوط بوده و مستقل از تعهدات برجامی ایران به نظر می‌رسد، اما در عمل احتمال حل و فصل این دو پرونده به شکل جدا از هم بسیار ضعیف است. در حالی که سه کشور اروپایی حاضر در برجام (فرانسه، بریتانیا و آلمان) به علاوه ایالات متحده خود را برای صدور قطعنامه علیه ایران در نشست این هفته شورای حکام آژانس مهیا می‌کنند، حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه ایران در گفت‌وگو با جوزپ بورل، مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نسبت به اقدام سیاسی علیه تهران در نشست آتی شورای حکام هشدار و تذکر داده که در صورت تحقق این سناریو، ایران واکنش متناسب و شدیداللحنی نشان خواهد داد. در این میانه سفر رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تل‌آویو و دیدار با نفتالی بنت، نخست‌وزیر این رژیم آن هم در آستانه جلسه شورای حکام که پرونده ایران محور اصلی آن گزارش شده هم از سوی وزارت خارجه ایران مورد انتقاد قرار گرفته و هم کاربران ایرانی و حتی غیرایرانی در فضای مجازی و رسانه‌ای نسبت به این اقدام گروسی واکنش منفی نشان دادند. اما اختلاف امروز ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در چه مسائلی ریشه دارد و چرا در سایه توافق صورت گرفته میان محمد اسلامی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران و رافائل گروسی در نیمه اسفندماه ۱۴۰۰ و مشخص کردن جدول زمانی ۳ ماهه برای حل و فصل این اختلاف، تهران و آژانس باز هم در آستانه خط و نشان کشی درباره صدور یک قطعنامه در شورای حکام قرار گرفته‌اند؟

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شهریور و اسفندماه ۱۴۰۰ به تهران سفر کرده و هر دو بار هم با دستان پر و در سایه یک تفاهم جدید فنی، تهران را ترک کرد. در جریان نخستین سفر او به تهران در دولت سیزدهم دو طرف به بیانیه مشترکی دست یافتند که به نخستین چراغ سبز دولت سیزدهم به مذاکرات تعبیر شد. در بخش‌هایی از این بیانیه آمده بود: در سایه تفاهم تهران و آژانس به بازرسان آژانس اجازه داده می‌شود تا نسبت به سرویس فنی تجهیزات نظارتی مشخص شده و جایگزینی کارت‌های حافظه آنها که تحت مهر و موم مشترک در ایران نگهداری خواهند شد، اقدام کنند. نکته قابل توجه درباره این تفاهم ایران و آژانس، دور شدن سایه صدور قطعنامه علیه ایران در نشست فصلی وقت شورای حکام بود که گفته شد پس از تفاهم تهران و آژانس برای عدم صدور این قطعنامه، سفر گروسی به تهران و انجام تفاهم صورت گرفت.

دومین سفر رافائل گروسی به تهران در نیمه اسفندماه سال گذشته صورت گرفت و البته این بار مساله‌ای جدا از برجام و تعهدات برجامی، گروسی را به پایتخت ایران کشاند. به گزارش «اعتماد»، اختلاف‌های پادمانی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مشخصا درباره ۴ مکانی است که این نهاد فنی با استناد به اسناد ادعایی رژیم اسراییل خواهان دسترسی به آنها شد و پس از همکاری ایران با این نهاد اکنون مدعی است که توضیحات ایران درباره منشا و مقصد اورانیوم یافت شده در یکی از این مکان‌ها از قابلیت اقناع آژانس برخوردار نبوده است. جلسه‌ای که محمد اسلامی و رافائل گروسی در محل سازمان انرژی داشتند به رسیدن به یک برنامه اجرایی به منظور حل و فصل نهایی اختلاف‌ها منتهی شد. محمد اسلامی در نشست مشترک خبری نسبتا مفصلی که با خبرنگاران ایرانی در حضور گروسی داشت، گفت: «با آقای گروسی به یک جمع‌بندی رسیدیم که مدارکی که باید بین سازمان انرژی اتمی و آژانس مبادله شود، حداکثر تا خرداد انجام شود تا برای روز «باز اجرا» که جزو مفروضات مذاکرات وین است، اختلاف‌ها حل و فصل شده باشد. تاکید ما، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و آقای گروسی این است که این مسائل باید در روال طبیعی و در چارچوب مقرراتی خود حل و فصل شود و تحت تاثیر هیچ نفوذ سیاسی، لابیگری و دخالتی قرار نگیرد و به تبع آن هیچ کدام از این مسائل بر تصمیمات آژانس در تعامل با ایران اثر نگذارد.» رییس سازمان انرژی اتمی در آن نشست خبری در پاسخ به سوال «اعتماد» درباره اینکه ایران تاکنون چند بار به پرسش‌های آژانس درباره اختلاف‌های پادمانی فعلی پاسخ داده است، این بار این چارچوب زمانی مشخص شده تا خرداد ماه چه ویژگی دارد که بتواند به نتیجه رسیدن این پرونده را تضمین کند؟ گفته بود: «یکی از خطوط قرمز جمهوری اسلامی ایران است که این موارد ادعایی باید برای همیشه بسته شود و بیش از این مزاحمت سر راه ملت ایران و کشور ایجاد نکند. بر اساس توافقی که بین ما و آژانس حاصل شده گام‌هایی تعریف شده که در تعامل با یکدیگر و به صورت مساعدت متقابل و ارایه مدارک و مستنداتی که این ابهام را از سر کشور برطرف کند و به سمت بسته شدن ببرد، برداشته خواهند شد. ان‌شاءالله تا خرداد که یک فاز از فازهای توافق وین است، این پرونده اختلافی را می‌بندیم و اگر کسی باز مزاحمتی سر راه ما ایجاد کند و در صدد باشد که با تولید اطلاعات جعلی مانعی بر سر راه پیشرفت ما ایجاد کند، از ابزارهای در اختیار خود استفاده می‌کنیم و اجازه نخواهیم داد که تجربه گذشته دوباره تکرار شود.»

به گزارش «اعتماد» از فحوای کلام گروسی و اسلامی این حقیقت قابل استنباط بود که هر چند دو طرف بر مجزا بودن پرونده اختلاف‌های پادمانی تاکید دارند اما پیش‌فرض ایران و آژانس حتی در مشخص کردن نقطه زمانی پایانی برای حل و فصل اختلاف‌ها این است که مذاکرات وین تا خرداد ماه به نتیجه رسیده و حتی نخستین مرحله از اجرای آن هم کلید خورده است. به‌رغم این خوش‌بینی در جلسه فوق، مذاکرات وین در همان حوالی زمانی متوقف شده و از آن اسفندماه تا به امروز هیات‌های مذاکره‌کننده ایران، ایالات متحده و ۱+۴ به وین بازنگشته‌اند و مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و ایالات متحده با واسطه اتریکه مورا، معاون مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بی‌نتیجه منتهی به توافق ادامه دارد. همزمان در سه ماه گذشته نه سازمان انرژی اتمی ایران و نه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مشخص نکرده‌اند که در کدام یک از حوزه‌های مورد اختلاف به تفاهم رسیده و کدام یک از این موارد همچنان حل نشده باقی مانده است. در چنین فضایی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از قریب به ۱۰ روز پیش فضاسازی درباره باقی ماندن اختلاف میان ایران و آژانس در این پرونده را با درز بخش‌هایی از گزارش فصلی گروسی به شورای حکام در این باره آغاز و تهران را به عدم همکاری در این باره متهم کرد. همزمان با این فضاسازی رسانه‌ای که ایران آن را مغایر با واقعیت همکاری میان تهران و آژانس در سه ماه اخیر می‌داند، مقام‌های ترویکای اروپایی ابتدا از ایران خواستند که بر حجم همکاری با آژانس در این زمینه بیفزاید و پس از آن در فاز دوم همصدا با ایالات متحده اعلام کردند که در نشست این هفته شورای حکام قطعنامه‌ای را علیه ایران منتشر خواهند کرد. هشداری که با واکنش تند تهران همراه شد و حسین امیرعبداللهیان در گفت‌وگوی تلفنی با جوزپ بورل مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا با اشاره به عزم و اراده دولت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدن به توافقی خوب، قوی و پایدار، اقدام اخیر امریکا و سه کشور اروپایی در تهیه پیش‌نویس قطعنامه ضد ایرانی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را رفتاری بر خلاف رویه دیپلماسی، شتاب‌زده و غیرسازنده خواند که باعث سخت‌تر و پیچیده‌تر شدن روند مذاکرات خواهد شد.

امیرعبداللهیان در این گفت‌وگو با اشاره به قانون راهبردی مجلس شورای اسلامی گفت: هر گونه اقدام سیاسی از سوی امریکا و سه کشور اروپایی در آژانس، بی‌تردید با واکنش متناسب، موثر و فوری جمهوری اسلامی ایران مواجه خواهد شد.

امیرعبداللهیان در این گفت‌وگو سفر اخیر رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تل‌آویو در آستانه نشست شورای حکام را در تعارض با رعایت اصل بی‌طرفی و جایگاه فنی و حرفه‌ای آژانس خواند.

به گزارش «اعتماد»، هر چند که در خبر منتشر شده از سوی وزارت خارجه ایران وزن بیشتری در این گفت‌وگو به هشدار ایران درباره اقدام سیاسی در نشست پیش روی شورای حکام داده شده بود، اما در روایت جوزپ بورل، او از کاهش احتمال دستیابی به توافق برای احیای برجام سخن گفت. او با انتشار یک توییت نوشت: «دوباره با حسین امیرعبداللهیان (وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران) گفت‌وگو کردم. احتمال دستیابی به یک توافق و بازگشت به برجام رو به کاهش است. اما همچنان با تلاش مضاعف می‌توانیم این کار را انجام دهیم. به عنوان هماهنگ‌کننده، در هر زمان آماده‌ام تا [دسترسی به] راه‌حل برای آخرین موضوعات باقیمانده را تسهیل کنم.»

همزمان با افزایش تنش میان ایران و سه کشور اروپایی به علاوه ایالات متحده درباره تحولات پیش‌رو در نشست شورای حکام، حسین امیرعبداللهیان با سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه گفت‌وگوی تلفنی داشت. به گزارش وزارت خارجه ایران، وزیر امور خارجه روسیه در این تماس تلفنی بر مخالفت قطعی این کشور با پیش‌نویس قطعنامه امریکا و سه کشور اروپایی در شورای حکام آژانس تاکید کرد و افزود: پیش‌نویس این قطعنامه فاقد هر گونه تاثیر مثبتی است و موضوعات در دستور کار همکاری ایران و آژانس باید در مسیر فنی آژانس حل و فصل شود.

امیرعبداللهیان نیز در این تماس تلفنی با اشاره به تهیه نقشه راه همکاری‌های ایران و آژانس در آخرین سفر رافائل گروسی به تهران تصریح کرد که عواقب و پیامدهای تصویب هر گونه قطعنامه ضد ایرانی در نشست هفته آتی آژانس متوجه طرف‌هایی است که مخل مسیر دیپلماسی هستند.

سفر پرحاشیه گروسی به تل‌آویو

به گزارش «اعتماد»، درست در روزهایی که مقام‌های امریکایی با شرط حفظ نام در گفت‌وگو با رسانه‌های این کشور از دست داشتن رژیم اسراییل در ترور مقام‌های نظامی ایران خبر می‌دهند و تعداد عملیات‌های تروریستی علیه تاسیسات هسته‌ای و چهره‌های علمی در حوزه‌های موشکی و نظامی ایران رو به افزایش است، رافائل گروسی به گفته خودش به دعوت نفتالی بنت، نخست‌وزیر رژیم اسراییل به دیدار با مقام‌های رژیمی می‌رود که در چند دهه اخیر سیاست ابهام هسته‌ای را درباره زرادخانه و بمب‌های هسته‌ای خود در پیش گرفته‌اند و با بهانه عدم عضویت در معاهده منع تکثیر تسلیحات اتمی (ان‌پی‌تی) درهای تاسیسات هسته‌ای خود را به روی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باز نمی‌کنند. هر چند که دیدار گروسی با مقام‌های اسراییلی مسبوق به سابقه بود، اما این بار سفر او به تل‌آویو در حالی که شالوده اختلاف پادمانی موجود میان ایران و آژانس، اسنادی است که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اسراییل در اختیار آژانس قرار داده و به صراحت ادعا کرده که آنها را در قالب یک عملیات ویژه از داخل ایران ربوده، با واکنش‌های بسیاری از سوی خبرنگاران، کارشناسان و حتی فعالان فضای مجازی قرار گرفت. محور اصلی این انتقادها هم زیر سوال بردن استاندارد دوگانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مواجهه با ایران به عنوان عضو ان‌پی‌تی با بیشترین سابقه بازرسی از تاسیسات هسته‌ای در چند سال اخیر و رژیم اسراییل با سابقه مخفی کاری درباره صفر تا صد برنامه هسته‌ای کاملا نظامی این رژیم بود. بسیاری از کاربران در فضای مجازی با مراجعه به صفحه رافائل گروسی در توییتر از او سوال کردند که دلیل سفر او به تل‌آویو در آستانه نشست پرحاشیه شورای حکام چیست و آیا او در این سفر، مقام‌های اسراییلی را درباره پیوستن به ان‌پی‌تی و کنار گذاشتن سیاست ابهام هسته‌ای تحت فشار قرار داده است. پرسش‌هایی که با بی‌توجهی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روبه‌رو شد و او حتی در یک مورد اقدام به مسدود کردن دسترسی رضا نصری، حقوقدان و کارشناس ایرانی به صفحه خود کرد.

به گزارش بی‌بی‌سی، نفتالی بنت در سفر رافائل گروسی به اسراییل به او گفته که از آژانس به عنوان یک نهاد مستقل و کارشناسی حمایت می‌کند. او ضمن تکرار ادعاهای بی‌پایه و اساس خود درباره برنامه هسته‌ای ایران از آنچه «عمق خطر ادامه مسیر ایران به طرف سلاح هسته‌ای و تداوم فریب جامعه بین‌المللی با استفاده از اطلاعات نادرست و دروغ» خوانده، سخن گفته و خواهان استفاده جامعه جهانی از «هر وسیله لازم» برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای شده است. نفتالی بنت از شورای حکام آژانس خواست تا «پیامی روشن و قاطع» به ایران بدهند. این سخنان در حالی به نقل از بنت منتشر شده که گروسی در دیدارش با او بر «اهمیت پادمان آژانس و پیمان عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای برای صلح و امنیت جهانی» تاکید کرده است.

به گزارش «اعتماد»، آخرین خبرهای رسیده از وین، پایتخت اتریش حاکی از آن است که احتمالا در جلسه روز چهارشنبه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره مساله ایران گفت‌وگو خواهد شد. یک منبع آگاه در این باره به «اعتماد» خبر داده که رایزنی‌های فشرده تهران در وین با کشورهای مختلف حاضر در نشست شورای حکام درباره صدور احتمالی قطعنامه علیه ایران ادامه دارد. همزمان برخی منابع غربی پیش‌بینی می‌کنند که در متن این قطعنامه صرفا از ایران برای همکاری بیشتر با آژانس درخواست شود. در حالی که مذاکرات وین برای احیای برجام عملا در اغما به سر می‌برد، نتیجه بررسی پرونده اختلاف ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند بر روند احیای برجام هم تاثیر بگذارد. هر چند که برخی منابع غربی از احتمال قرار گرفتن پرونده ایران در مسیر ارجاع به شورای امنیت از شورای حکام سخن می‌گویند اما به نظر می‌رسد که نه ترویکای اروپایی و نه ایالات متحده فعلا در کوتاه‌مدت قرار گرفتن در چنین مسیر پرتنشی با تهران را دنبال نکنند.

سوژه روز

کره شمالی هجدهمین دور آزمایش‌های موشکی خود در سال جاری میلادی را انجام داد

آزمایش اراده‌ها

شهاب شهسواری

یک روز پس از پایان رزمایش مشترک نظامی ایالات متحده و کره جنوبی، پیونگ یانگ با شلیک هشت موشک کوتاه‌برد به سمت دریا از سواحل شرقی این کشور به این رزمایش واکنش نشان داد. دولت کره جنوبی این آزمایش را آزمایش میزان آمادگی امنیتی سئول توصیف کرده است. هر چند که این شلیک‌ها نسبت به گمانه‌زنی‌هایی که در ماه‌های گذشته نسبت به اهداف بلندپروازانه نظامی رهبر کره شمالی مطرح می‌شد، ابعاد کوچک‌تری داشت، اما با واکنش شدید همسایگان کره شمالی در سئول و توکیو مواجه شده است. آزمایش‌های موشکی روز یکشنبه، هجدهمین دور آزمایش‌های موشکی کره شمالی در کمتر از شش ماه از آغاز سال جدید میلادی است که به نظر می‌رسد رکورد تعداد موشک‌های شلیک شده از سوی پیونگ یانگ در طول یک روز را شکسته است. بر اساس بیانیه ستاد مشترک نیروهای مسلح کره جنوبی این شش موشک از نقاط مختلف خاک کره شمالی در طول مدت ۳۵ دقیقه به صورت متوالی شلیک شده‌اند. دو موشک که از ساحل غربی کره شمالی شلیک شده بودند در خاک این کشور و در شمال پایتخت پیونگ یانگ فرود آمده‌اند و ۶ موشک دیگر هم به سمت آب‌های شرق این کشور شلیک شدند. بر اساس این بیانیه برد موشک‌های شلیک‌شده از ۱۱۰ تا ۶۷۰ کیلومتر بود و حداکثر ارتفاع آنها نیز از ۲۵ تا ۸۰ کیلومتر و سرعتی معادل ۳ تا ۶ کیلومتر پرواز کرده‌اند. با این حال پرتاب این هشت موشک کوتاه‌برد کمتر از برآوردهای اخیر در مورد آمادگی کره شمالی برای انجام یک آزمایش هسته‌ای یا آزمایش موشک‌های قاره‌پیمای جدید است. ۵ سال از آزمایش موفقیت‌آمیز پیشین بمب هسته‌ای کره شمالی می‌گذرد.

آزمایش‌های موشکی کره شمالی در طول سال جاری در حالی شدت گرفته است که تلاش‌های واشنگتن برای برقراری تماس دیپلماتیک با کره شمالی ناموفق باقی مانده است. به گزارش سی‌ان‌بی‌سی، تحلیلگران معتقدند که عملکرد ستیزه‌جویانه کیم جونگ اون رهبر کره شمالی با این هدف شدت گرفته است که ایالات متحده را به پذیرش این کشور به عنوان یک قدرت هسته‌ای وادار کند و مذاکرات اقتصادی و امنیتی با واشنگتن را از موضع قدرت آغاز کند. مقام‌های کره جنوبی و ایالات متحده می‌گویند که کره شمالی برای یک آزمایش هسته‌ای جدید در منطقه پونگی‌ری در شمال شرقی این کشور آماده می‌شود. چنین آزمایشی اگر انجام شود، هفتمین آزمایش انفجار هسته‌ای کره شمالی از سال ۲۰۰۶ تاکنون و نخستین آزمایش از سپتامبر ۲۰۱۷ تا به امروز است. سال ۲۰۱۷ کره شمالی مدعی شد توانسته است بمب هسته‌ای را آزمایش کند که در ابعاد قابل جاگذری در یک موشک قاره‌پیما طراحی شده بود. سونگ کیم، فرستاده ویژه امریکا در امور کره شمالی روز جمعه بعد از دیدار با همتایان کره جنوبی و ژاپنی‌اش گفته بود که واشنگتن و متحدان آسیایی‌اش برای «واکنش به هر اتفاقی» آماده می‌شوند و همکاری نزدیک دارند. ایالات متحده بعد از شکست در برقراری تماس به پیونگ یانگ برای از سرگیری مذاکراتی که در طول سه سال گذشته متوقف شده است، تصمیم دارد تا تحریم‌های بین‌المللی علیه کره شمالی را تشدید کند. اما اختلافات امریکا با دو عضو شرقی شورای امنیت، یعنی روسیه و چین، دورنمای تصویب قطعنامه‌ها علیه کره شمالی را مبهم کرده است. دو هفته پیش، وتوی روسیه و چین باعث شد تا پس از ۱۶ سال اجماع در مورد تصویب قطعنامه‌های ضد کره شمالی، شورای امنیت از تصویب تحریم‌های تازه علیه پیونگ یانگ باز بماند. قطعنامه پیشنهادی امریکا بعد از آزمایش‌های موشکی کره شمالی در پی سفر جو بایدن به شرق آسیا و دیدارش از کره جنوبی و ژاپن به شورای امنیت ارایه شده بود. ماه مارس سال جاری میلادی کره شمالی یک موشک قاره‌پیما را آزمایش کرد که به گفته ناظران با بیشترین ارتفاع و بیشترین برد نسبت به همه موشک‌هایی که تاکنون آزمایش کرده بود، پرواز کرد. این موشک توانایی دسترسی به تمامی خاک امریکا از غرب به شرق را دارا است. هر چند موشک‌های قاره‌پیمای کره شمالی بیشترین واکنش‌های بین‌المللی را جلب می‌کند، اما در طول سه سال گذشته پیونگ یانگ به توسعه گسترده موشک‌های کوتاه‌برد با سوخت جامد اقدام کرده است که می‌تواند خاک کشورهای همسایه به ویژه کره جنوبی و ژاپن را هدف قرار بدهد. همزمان با هر آزمایش موشکی در ماه‌ها و سال‌های اخیر، رهبر کره شمالی با اظهارنظرهایی در خصوص امکان استفاده این کشور از قدرت هسته‌ای در صورت هر گونه اقدام تحریک‌آمیز یا تهدیدآمیز، در همسایگان ایجاد وحشت کرده است. این در حالی است که با تغییر حکومت در سئول، رییس جمهور جدید کره جنوبی رویکرد دستیزه‌جویانه‌ای علیه کره شمالی انتخاب کرده است و بر خلاف مون جائه این رییس جمهور پیشین که خواستار حل و فصل مسائل میان دو کره از طریق گفت‌وگو بود، یون سوک یئول، رییس جمهور جدید این کشور هر گونه گفت‌وگو را به خلع سلاح کامل هسته‌ای کره شمالی موکول کرده است. دولت جدید کره جنوبی همچنین از اقدام پیشدستانه علیه کره شمالی در صورت احساس تهدید سخن می‌گوید. گفت‌وگوهای هسته‌ای میان ایالات متحده امریکا و کره شمالی که با ابتکار دونالد ترامپ، رییس جمهور پیشین امریکا از طریق گفت‌وگوی مستقیم میان رهبران دو کشور در سنگاپور آغاز شده بود، از سال ۲۰۱۹ تاکنون معلق شده است. کره شمالی به‌رغم تشدید بحران اقتصادی بر اثر تحریم‌های بین‌المللی علاقه‌ای به کنار گذاشتن کامل توانایی هسته‌ای خود نشان نمی‌دهد. کارشناسان معتقدند که کیم جونگ اون، علاقه‌مند است تا مذاکرات تعلیق شده هسته‌ای خود با امریکا را از نوعی مذاکرات خلع سلاح به مذاکرات کاهش متقابل توانایی هسته‌ای تبدیل کند. یون سوک یئول، رییس جمهور کره جنوبی در واکنش به آزمایش موشکی روز گذشته کره شمالی، جلسه شورای امنیت ملی کره جنوبی را برگزار کرد و دستور داد تا «بازدارندگی مشترک کره جنوبی و امریکا توسعه پیدا کند و دفاع متحد دو کشور تقویت شود.» در رزمایش اخیر کره جنوبی و ایالات متحده امریکا که در طول هفته گذشته برگزار شد، امریکا برای نخستین بار در پنج سال گذشته یک ناو هواپیمابر را به آب‌های ساحلی دو کره اعزام کرده بود. رزمایش سه‌روزه امریکا و کره شمالی با حضور ناو هواپیمابر اتمی رونالد ریگان، در دریای فیلیپین انجام شده بود. در این رزمایش که در آب‌های بین‌المللی نزدیک به جزیره اوکیناوا در ژاپن برگزار شد، مواردی همچون پدافند هوایی، عملیات‌های ضدکشتی، ضدزیردریایی و ممانعت از آمد و شد کشتیرانی تمرین شد. یون سوک یئول که کمتر از یک ماه پیش کار خود را به عنوان رییس جمهور کره جنوبی آغاز کرده است با جو بایدن رییس جمهوری ایالات متحده امریکا توافق کرده است که همکاری‌های نظامی مشترک با بازدارندگی در مقابل کره شمالی را تشدید کند. رزمایش‌های نظامی مشترک کره جنوبی و امریکا، در پی نخستین دیدار دونالد ترامپ رییس جمهور پیشین امریکا با کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی در سال ۲۰۱۸ به دستور ترامپ متوقف شده بود. کره شمالی رزمایش‌های مشترک کره جنوبی و ایالات متحده امریکا را استمرار سیاست‌های خصمانه امریکا علیه خود توصیف کرده بود و همواره تاکید دارد چنین رزمایش‌هایی را تمرین حمله نظامی علیه خاک خود تلقی می‌کند. مقام‌های دولت جدید کره جنوبی می‌گویند که آزمایش اخیر موشکی کره شمالی با هدف آزمودن و به چالش کشیدن میزان آمادگی امنیتی دولت سئول انجام شده است که کمتر از یک ماه است کار خود را آغاز کرده است. کیشی نوبو، وزیر دفاع ژاپن هم در واکنش به این آزمایش گفته است که این اقدامات «قابل تحمل نیست.» کیشی گفته است که هیچ یک از این موشک‌ها در منطق اختصاصی اقتصادی ژاپن سقوط نکرده است اما دست کم یکی از این موشک‌ها مسیر مارپیچ داشته است که نشان می‌دهد توانایی گمراه کردن سامانه‌های دفاع موشکی دارد.

Pishkhan.com

پیشخوان
Pishkhan.com

دیدگاه

باخت تیم امید تقصیر مهدوی کیا نیست

سیلی واقعیت زیر گوش فوتبال ایران

علی ولی‌اللهی

شکست ناباورانه تیم ملی امید ایران مقابل امید ترکمنستان در رقابت‌های قهرمانی زیر ۲۳ سال آسیا تلنگر که نه، یک سیلی محکم به گوش فوتبال ایران است. این سیلی می‌تواند بسیاری از کلیشه‌ها را بشکند، توهم‌ها را از بین ببرد و هشدار مناسبی برای آنچه قرار است ۵ ماه دیگر رقم بخورد صادر کند.

اینکه تیم ملی امید ایران با هدایت مهدی مهدوی کیا یکی از اسطوره‌های فوتبال ایران و جمعی از بازیکنان زیر ۲۳ سال کشور مقابل کشوری بدون فوتبال یعنی ترکمنستان شکست می‌خورد نشان دهنده این است که برخلاف تصور فوتبال ایران سرشار از استعدادهایی نیست که فقط به خاطر نبود امکانات بالفعل نمی‌شوند. در سالیان دورتر حداقل ۶ یا ۷ بازیکن تیم ملی امید ایران به راحتی توانایی بازی کردن در تیم بزرگسالان را هم داشتند اما امروز این تعداد در بهترین حالت به یکی، دو نفر رسیده است. چرخه معیوب استعدادیابی در فوتبال ایران که سال‌های قبل می‌توانست با هر زحمتی که شده چند تا استعداد ناب معرفی کند، این سال‌ها چنان فشل شده که گران‌ترین بازیکنان لیگ برتر همان ستاره‌های دهه پیش هستند که از مرز ۳۰ سال عبور کردند. این کلیشه مدت‌هاست که در ذهن فوتبال‌دوستان ایرانی جا خوش کرده که «ایران همانند برزیل از لحاظ استعداد فوتبالی جزو بهترین کشورهای دنیاست». کلیشه‌ای که شاید درست باشد شاید هم نه چون فعلا که خبری از این استعدادها در فوتبال رده‌های سنی ایران نیست.

مهدی مهدوی کیا سرمربی تیم ملی امید پس از شکست مقابل ترکمنستان گفت ما به خودمان و به اشتباهات فردی باختیم. تحلیل اظهارنظر ستاره سابق تیم ملی فوتبال ایران کار ساده‌ای است: تیم آماده‌سازی مناسبی نداشته و بازیکنان به دلیل قرار نداشتن در شرایط مسابقه اشتباهات بچه‌گانه انجام می‌دهند. تیم ملی امید هیچ‌وقت اولویت فدراسیون فوتبال و کمیته ملی المپیک نبوده اما در این چند ماه حتی جزو دغدغه‌های چندم مدیران ارشد ورزش هم قرار نگرفته. دو نهاد متولی این تیم یعنی کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال در چند ماه گذشته درگیر حل و فصل مشکلات مدیریتی خودشان بوده‌اند و نتیجه این شد که تیم با تنها دو بازی تدارکاتی مقابل عراق آن هم میان گرد و خاک راهی تاشکند شد. تیمی که وضعیت سرمربی و دستیارانش بعد از عزل عزیزی خادم روی هوا رفت.

این درست شرایطی است که برای تیم ملی فوتبال هم در حال رقم خوردن است و از این منظر نتایج تیم ملی امید آیینه تمام‌نمای چیزی است که در قطر انتظار یوزها را می‌کشد. تازه آنجا خبری از ترکمنستان و قطر و ازبکستان نیست. آنجا هری کین برای کسب آقای گلی تلاش می‌کند و پولیشیچ به فکر تاریخ‌سازی با تیم ملی امریکاست.

جالب اینجاست که در این وضعیت گویا دیواری کوتاه‌تر از مهدوی کیا پیدا نشده. نه اینکه کادر فنی تیم ملی اشتباهی نداشته باشد اما وقتی شرایط به این صورت پیش رفته ناجوانمردانه است انداختن همه تقصیرات به گردن مهدوی کیا و دستیارانش. وقتی هنوز باشگاه‌ها خود را موظف نمی‌دانند که سر موقع و درست به تیم ملی امید بازیکن بدهند چرا باید سرمربی تیم بشود سیبل انتقادات؟ این تیم امید همان تیم امیدی است که با بازیکنانی به مراتب بهتر و سرشناس‌تر حسرت نزدیک به نیم قرن حضور در المپیک را می‌کشد.

سرمربی تیم فوتبال امید کشورمان بعد از بازی دوستانه مقابل عراق عنوان کرده بود: «امید ما به بازی‌های آینده است. قطعا همه دوست دارند قهرمان شوند اما با این تیم جوان می‌خواهیم تجربه کسب کنیم زیرا هدف ما رسیدن المپیک پاریس است. با یک تیم جوان به ازبکستان می‌رویم تبعات این کار را هم پذیرفته‌ام و هر اتفاقی هم در این ۳ سال بیفتد، پای کار هستیم». شکی در صداقت اظهارات مهدوی کیا نیست اما واقعا با این تدارکات تیم ملی امید می‌تواند طلسم طولانی مدت را بشکند؟

تیم ملی امید ایران فردا در سومین بازی از مرحله گروهی مقابل ازبکستان قرار می‌گیرد. تنها شانس صعود تیم از گروه برد مقابل ازبکستان و برد قطر مقابل ترکمنستان است. تیم قطر که در روز نخست با نتیجه یک بر یک تیم ایران را متوقف کرد در بازی دوم خود مقابل ازبکستان با ۶ گل مغلوب شد. به این ترتیب باید پذیرفت که بازی آخر ایران در این گروه مقابل تیم صعود کرده ازبکستان بسیار سخت خواهد بود. ترکمنستان با توجه به برتری در بازی مقابل ایران با کسب یک تساوی هم راهی دور بعد می‌شود و قطر فقط در صورت کسب یک برد با اختلاف بیش از ۶ گل می‌تواند امیدوار به صعود باشد.

شرایط تیم ملی امید مثل شرایط تیم ملی فوتبال و در مجموع همانند وضعیت کلی فوتبال ایران پیچیده شده و بخش عمده‌ای از این پیچیدگی ناشی از سوءمدیریت است. سوءمدیریتی که یک روز فوتبال باشگاهی ایران را از آسیا حذف می‌کند، یک روز باعث ناکامی تیم ملی امید می‌شود و قرار است در آینده‌ای نه چندان دور تیم ملی ایران را به ورطه نابودی بکشاند.

نگاه - ۱

نگاهی به روند امتیازگیری سرخ‌ها

پرسپولیس درست مثل لیورپول

فصل ۹۲-۹۱ آخرین فصلی بود که لیگ هجده تیمی برگزار شد. در آن فصل استقلال با ۶۷ امتیاز قهرمانی را به دست آورد. از آن سال به بعد یعنی به مدت ۸ سال و تا پایان لیگ بیستم و در لیگ شانزده تیمی هر باشگاهی که توانست به بیش از ۶۰ امتیاز برسد جام قهرمانی را هم به خانه برد. این رویه تنها یک مثال نقض دارد و آن هم مربوط می‌شود به فصل ۱۴۰۰-۱۳۹۹ که سپاهان ۶۵ امتیاز دشت کرد ولی پشت سر پرسپولیس ۶۷ امتیازی به مقام نایب‌قهرمانی رسید.

از گزاره قبلی می‌توان نتیجه گرفت که کسب ۶۰ امتیاز به بالا یعنی متوسط کسب مثبت دو امتیاز برای هر بازی و بیشتر یک عملکرد قابل توجه در لیگ ایران با همه پیچیدگی‌هایش به حساب می‌آید. بیشتر مربیانی که می‌خواهند برای کسب عنوان قهرمانی بجنگند همین هدف‌گذاری را در ابتدای لیگ در نظر می‌گیرند. این به عنوان طرح کلی برای رسیدن به بالاترین رتبه در کنار جزییاتی که در طول فصل اتفاق می‌افتد نتیجه نهایی را رقم می‌زند.

پرسپولیس با وجود همه انتقاداتی که برخی کارشناسان و عموما هواداران به سرمربی و کادرفنی تیم وارد می‌کنند، در این فصل موفق شد رکورد کسب بیش از ۶۰ امتیاز را دشت کند اما نتوانست به مقام قهرمانی برسد. دلیلش هم یک اتفاق مشخص است: حضور تیمی که بهتر نتیجه گرفت.

این وضعیت به‌طور مرتب در لیگ‌های دیگر هم اتفاق می‌افتد. زمانی که مورینیو برای اولین بار روی نیمکت چلسی نشست با کسب ۹۵ امتیاز قهرمان شد. این قهرمانی در فصل ۲۰۰۵-۲۰۰۴ به دست آمد و در همان فصل آرسنال و یونایتد با ۸۳ و ۷۷ امتیاز دوم و سوم شدند. فصل بعد چلسی باز هم با بیش از ۹۰ امتیاز قهرمان شد و یونایتد و آرسنال با ۸۳ و ۸۲ امتیاز دوم و سوم شدند. همان زمان کارشناسان و رسانه‌های انگلیس می‌گفتند شیاطین سرخ و توپچی‌ها طبق روال هر فصل نتیجه گرفتند اما این چلسی است که سطح جدیدی به لیگ وارد کرده است.

چنین وضعیتی هنوز هم در لیگ برتر انگلیس وجود دارد. تا چند سال پیش رسیدن به مجموع ۹۰ امتیاز به بالا به معنای تضمین صددرصدی کسب عنوان قهرمانی بود تا اینکه گواردیولا آمد و این رویه را عوض کرد. به شکلی که

لیورپول یورگن کلوپ دو بار توانست بیش از ۹۰ امتیاز کسب کند ولی دستش از جام کوتاه ماند. چرا؟ نه به این خاطر که لیورپول فاجعه بوده بلکه به این دلیل که یک تیم عملکرد بهتری داشته.

استقلال در فصل گذشته کاری کرد که مورینیو هنگام ورود به انگلیس انجام داد. همان کاری که گواردیولا در سیتی انجام می‌دهد. این تیم موفق شد سطح لیگ را بالا ببرد به شکلی که پرسپولیس با کسب احتمالا ۶۳ امتیاز زیر فشار شدید قرار گرفته و هواداران این تیم تصور می‌کنند کادرفنی ناموفق عمل کرده است. در حالی که پرسپولیس وضعیتی کاملا مشابه لیورپول دارد. آنها کاری که معمولا برای قهرمانی نیاز بود را تا حد زیادی انجام دادند ولی از شانس بدشان امسال با رقیب سرسخت‌تری روبرو بودند. اینکه استقلال موفق شده با عملکرد خودش نه تنها رقیب را از کسب عنوان قهرمانی دور کند که توانسته آنها را با وجود نتیجه‌گیری مطلوب‌شان به یک بازنده تمام‌عیار در پیش چشمان هواداران این تیم تبدیل کند به نوعی موفقیت مضاعف به حساب می‌آید.

آیا استقلال می‌تواند همین سطح را در فصل بعدی هم حفظ کند؟ با توجه به تغییر و تحول در این باشگاه بعید به نظر می‌رسد. حتی اگر خود مجیدی هم در جمع این تیم می‌ماند کسب عنوان قهرمانی با بیشترین امتیاز ممکن و بدون باخت کار بسیار سختی به نظر می‌رسید. بنابراین احتمالا در فصل بعد دوباره قهرمان لیگ با همان فرمول عبور از ۶۰ امتیاز و احتمالا با امتیازی بین ۶۳ تا ۶۵ امتیاز جام قهرمانی را بالای سر خواهد برد.

در چنین شرایطی ترند ساختن از هشتگ اخراج سرمربی پرسپولیس و کادر فنی‌اش نه تنها منطقی نیست که قرابتی با واقعیت‌های فوتبال ندارد. همان‌طور که نتیجه گاهی می‌تواند همه اشتباهات را جبران کند، می‌تواند در مواقعی موفقیت‌ها را نیز کمرنگ جلوه بدهد.

نگاه - ۲

اولویت استقلال بعد از جدایی فرهاد مجیدی

ترس، دلار، پیشرفت؟ هیچ کدام مهم نیست

رمزگشایی از تصمیم فرهاد مجیدی برای جدایی از استقلال چه کمکی به این تیم می‌کند؟ اینکه مجیدی به خاطر دلارهای کشورهای حاشیه خلیج‌فارس قید تیم قهرمان را زد یا به خاطر ترس از نتیجه گرفتن در فصل بعد؟ اینکه شخصیت پویای او ایجاب کرده در جایی ساکن نماند یا عادتش به نیمه کاره رها کردن او را راهی امارات کرده؟ این سوال‌ها و بحث درباره آنها برای استقلال سرمربی می‌شود؟ تیم می‌بندد؟ نتیجه می‌گیرد و قهرمانی می‌آورد؟ پاسخ قطعا خیر است.

فرهاد مجیدی به هر دلیلی استقلال را ترک کرده و آنها باید خیلی زود دست به کار شوند تا فرصت آماده‌سازی فصل آینده را از دست ندهند. از باشگاه خبر رسیده این اتفاق افتاده و مذاکره با چند مربی خارجی و داخلی در دستور کار باشگاه قرار دارد. البته هواداران نظرات خاص خودشان را دارند. برخی سرسختانه موافق به خدمت گرفتن مربی خارجی‌اند و برخی دلتنگ مربیان سابق. برخی هم می‌گویند می‌توان از گزینه‌های داخلی کمک گرفت.

آنچه مدیران استقلال باید در نظر بگیرند نه علاقه‌مندی هواداران که برنامه پیش روی باشگاه برای فصل بعد و مدیریت حواشی است. آبی‌ها فصل بعد کار بسیار سختی برای دفاع از عنوان قهرمانی‌شان دارند. آنها علاوه بر اینکه باید انگیزه سایر تیم‌ها برای مقابله با بهترین تیم ایران را در نظر بگیرند رقیب زخم خورده را هم پیش رو دارند. رقیبی که بعد از ۵ قهرمانی متوالی از لحاظ انگیزشی دچار تزلزل شده بود و حالا با شرایط فعلی از همیشه برای اثبات جایگاه خودش تشنه‌تر است. به اینها هماهنگ شدن کادر فنی جدید چه ایرانی و چه خارجی با تیم را هم می‌شود اضافه کرد که خودش داستان مفصلی است.

از طرف دیگر شایعه عزم مصطفی آجورلو برای رسیدن به صندلی ریاست فدراسیون فوتبال هم مطرح است. آجورلو در انتخابات اسفند ۹۹ حاضر شد و نتوانست رای لازم را بیاورد اما با عزل عزیزی خادم و زخمی که بر پیکره فوتبال وارد شده می‌تواند امیدوار باشد که این بار نظر مثبت مجمع فدراسیون فوتبال را جلب کند.

اینها مسائلی بسیار مهم‌تر از انگیزه فرهاد مجیدی برای ترک استقلال است. همین مورد آخر یعنی تمایل مدیرعامل باشگاه برای رسیدن به ریاست فدراسیون فوتبال می‌تواند تمام برنامه‌های باشگاه را به هم بریزد. نباید

فراموش کرد علاوه بر عملکرد عالی کادرفنی و بازیکنان استقلال، این مدیریت باشگاه بود که در مقاطع متعددی از فصل بحران‌ها را از سر تیم باز کرد. هر کدام از اتفاقاتی نظیر جدا شدن دو مدافع اصلی تیم و گلایه‌های این بازیکنان، درگیری با سازمان لیگ در پرونده تبلیغات محیطی، پرونده گل گهر، حذف از آسیا یا مسائل همیشگی مثل نبود امکانات مناسب می‌توانست مثل فصول قبل آبی‌ها را وارد حاشیه کند. آجورلو این اجازه را نداد و با تامین منابع مالی مناسب در تمام سی هفته تیم را در شرایط ایده‌آل نگه داشت تا فرهاد مجیدی بدون دغدغه مشکلات خارج از زمین فقط و فقط روی مسائل فنی تمرکز کند. مدیرعامل استقلال در آخرین مورد حاشیه‌ساز که مربوط به شکر آب شدن رابطه باشگاه با سرمربی تیم ملی بود با دادن یک بیانیه به موقع آبی شد روی آتش حواشی.

استقلال در فصل پیش رو باید برای کسب چهار جام بجنگد؛ لیگ قهرمانان آسیا، لیگ برتر، جام حذفی و سوپرجام. مدیران باشگاه باید با در نظر گرفتن این وضعیت و تمام چالش‌های پیش رو تصمیم بگیرند. همین حالا برخی گزینه‌های این تیم به دلیل وضعیت مبهم سرمربی فصل بعد برای امضای قرارداد دچار تردید شده‌اند. آبی‌ها فرصت چندانی برای هدر دادن ندارند.

فعلا گفته شده مدیران باشگاه در امارات حضور دارند تا با مدیر برنامه چند مربی خارجی مذاکره کنند. همچنین مذاکره موازی با چند گزینه ایرانی نیز در دستور کار قرار دارد. فعلا نام‌هایی نظیر لوچسکیوی رومانیایی، آندره‌آ استراماچونی ایتالیایی و جواد نکونام بیش از سایر گزینه‌ها به گوش می‌رسد. البته مدیر برنامه‌های استرا تاکید کرد تا قبل از حل شدن پرونده بدهی استقلال به سرمربی ایتالیایی مذاکره‌ای صورت نخواهد گرفت. حال باید دید استقلال دوران گذار از فرهاد مجیدی را چه زمانی و به چه شکلی طی خواهد کرد.

گزارش

در فدراسیون وزنه‌برداری چه خبر است؟

از پناهندگی تا اعتصاب

مرضیه حسین‌خانی

با ترک اردوی تیم ملی وزنه‌برداری توسط ملی‌پوشان و موضع‌گیری‌ها علیه یکدیگر وضعیت فدراسیون وزنه‌برداری و تیم ملی به بحرانی‌ترین موقعیت خود رسیده است.

روز چهارشنبه هفته پیش اعضای تیم ملی وزنه‌برداری شامل علی داودی، رضا بیرالوند، علی هاشمی، سیدایوب موسوی، رسول معتمدی، میرمصطفی جوادی، حسین سلطانی، حافظ قشقایی، محمدمهدی حیاتی، حسین نجفی، علیرضا یوسفی، مهدی کرمی، امیر حقوقی، امیر عزیزی، رضا حسن‌پور و پیمان جان اردوی تیم را ترک و بیانیه‌ای اینستاگرامی را به صورت همزمان منتشر کردند. در بخشی از این بیانیه آمده بود: «با توجه به شرایط موجود و شرایط رسیدگی به اردوهای تیم ملی ما ورزشکاران به‌رغم میل باطنی مجبور به ترک اردو شدیم. این اقدام صرفا به خاطر شرایط اردوی تیم ملی بوده و ما همیشه خود را سرباز این مردم و کشور و انقلاب می‌دانیم». در انتهای این بیانیه نیز تاکید شده بود که تا مساعد نشدن اوضاع برگشتی در کار نخواهد بود. بحران جدید در فدراسیون وزنه‌برداری در شرایطی پیش آمد که وضعیت فدراسیون از قبل از المپیک توکیو چندان باثبات نبود. ماجرای مهاجرت و پناهندگی دو دختر ورزشکار این رشته به اضافه بحث بازنشستگی علی مرادی رییس فدراسیون و اعتراضات گاه و بی‌گاه ورزشکاران به امکانات در تمام طول این یک سال وجود داشته است. در نهایت این توده انباشته از مشکلات حل نشده با ترک اردو توسط ورزشکاران برون‌ریزی شده و رییس فدراسیون را مقابل ورزشکاران قرار داده است. علی مرادی، رییس فدراسیون در نخستین واکنش به اعتصاب ورزشکاران مصاحبه‌ای نسبتا تند انجام داد و وزنه‌برداران را با دعوت از ورزشکاران امید و جوانان تهدید به کنار گذاشتن کرد. علی مرادی به خبرگزاری ایسنا گفت: «شرایط خوبی است حتی به نظرم نسبت به برخی رشته‌ها شرایط بهتری داریم. حالا اگر دوستان انتظار دارند که در هتل پنج ستاره باشند، فکر می‌کنم نه من و نه ورزش کشور بتواند چنین شرایطی را فراهم کند. در حد توان کارها را انجام می‌دهیم، کمیته ملی المپیک و وزارت ورزش تلاش می‌کنند رفاه حال ورزشکاران را فراهم کنند. ورزشکاران سربازان این مملکت هستند و سرباز باید خیلی از خودگذشتگی داشته باشد.» او تاکید کرد: «نمی‌توانیم فرصت را نگه داریم که آنها هر موقع عشق‌شان کشید و هر کاری خواستند، انجام دهند. بعد از تعطیلات، آقای برخواه برنامه اردویی دارد و به وزنه‌برداران اعلام می‌کنیم، اگر آمدند قدم‌شان روی چشم و اگر نیامدند نمی‌توانم کار را رها کنیم و تیم‌های جوانان و امید هستند.» مصاحبه مرادی ورزشکاران را عصبانی‌تر کرد و آنها با نوشتن یک بیانیه تازه موضعی رادیکال‌تر اتخاذ کردند. ورزشکاران نوشتند آب معدنی در اردوی تیم ملی سهمیه‌بندی است. کارمندان فدراسیون چهار برابر ورزشکاران حقوق می‌گیرند و برخی افراد نالایق در فدراسیون سمت دارند. در بخش دیگری از این بیانیه اشاره شده که در سالن تمرین کنسرت برگزار می‌شود و این مانع از استراحت ورزشکاران می‌شود.

همزمان با بیانیه دوم ورزشکاران، مرادی در دومین واکنش به این اتفاق برخواه سرمربی تیم ملی را عزل کرد. در حالی که برخواه حداقل توی رسانه‌ها تلاش کرده بود نه طرف ورزشکاران بایستد و نه طرف فدراسیون تا شمایل حرفه‌ای خود را حفظ کرده باشد. با این حال روز جمعه علی مرادی در حکمی سرمربی تیم را برکنار کرد. در میانه حواشی فدراسیون روز جمعه یک خبر باورنکردنی دیگر منتشر شد. ایوب موسوی عنوان‌دار آسیا و جهان که روز چهارشنبه اردوی تیم ملی را ترک کرده بود توسط چند نفر از اراذل و اوباش مورد ضرب و شتم قرار گرفت و از ناحیه سر و دست دچار مصدومیت شدید شد. آن‌طور که خود ایوب به رسانه‌ها گفته این اتفاق در کافه شخصی‌اش رخ داده است. موسوی در گفت‌وگو با رسانه‌ها تعریف کرد: «کافه کوچکی دارم و بین برادرم و یک نفر بحث کوچکی به وجود آمد و من از آن فرد خواستم بحث را تمام کند و برود. بعد از چند دقیقه دیدم با چند نفر دیگر همراه با چوب و چاقو به ما حمله کردند که بر اثر حمله آنها دست من شکست و با چاقو سرم را نیز شکافتند. ما سریع به پلیس اطلاع دادیم و وقتی متوجه شدند پلیس را خبر کرده‌ایم، فرار کردند و گرنه داشتند من را می‌کشتند.» این اتفاق انتقادات از رییس فدراسیون را به اوج رساند، چرا که برخی معتقد بودند اگر ایوب موسوی در آن زمان سرتمرین‌هایش حضور داشت چنین اتفاقی برای او رخ نمی‌داد. حمله دسته جمعی به قهرمان وزنه‌برداری ایران، ورزشکاران را به نوشتن بیانیه سوم ترغیب کرد. آنها این بار تاکید کردند پشت یکدیگر را خالی نمی‌کنند. در این بیانیه که روز گذشته منتشر شد، آمده است: «شرایط موجود برای روزهای اخیر نیست و سال‌هاست گریبانگیر وزنه‌برداری شده. با تغییرات ظاهری اصل مشکل پابرجا باقی می‌ماند. ماجرای ایوب موسوی قهرمان چند دوره جهان و آسیا مشتی نمونه خروار است که با وجود افتخارآفرینی‌های بسیار برای تامین معاش زندگی با چنین مشکلاتی روبه‌رو شد. منش پهلوانی و اخلاقی وزنه‌برداران اجازه نمی‌دهد پشت برادران خود را برای کسب جایگاه و امتیاز خالی کنند.» در چنین شرایطی به نظر می‌رسد حتما باید یک پا درمیانی توسط مقامات وزارت ورزش صورت بگیرد تا حاشیه‌های فدراسیون کمتر شود. با این حال وزارت ورزش و جوانان از روز چهارشنبه موضع خاصی نسبت به این اتفاقات نداشته. به نظر می‌رسد ادامه یافتن این روند نه به نفع ورزشکاران خواهد بود، نه فدراسیون و نه ورزش کشور.

ادامه از صفحه اول

تحولات خلیج‌فارس و مسوولیت دولت

مهم‌تر از همه نارضایتی امریکا از برخی عملکردهای شاهزاده بن‌سلمان در عربستان مانند عدم همکاری بن‌سلمان با امریکا در افزایش سقف تولید نفت پس از تهاجم روسیه به اوکراین همگی از جمله عواملی بودند که سبب بروز کدورت در روابط عربستان و امریکا گردید، ۳- بروز شکاف در اردوگاه سلفی - تکفیری به رهبری عربستان با اردوگاه اخوانی به رهبری ترکیه و قطر و در مقابل فراهم شدن فرصت برای جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با هژمون‌گرایی عربستان از طریق گسترش روابط با قطر و ترکیه، ۴- رویکرد جدید سیاست خارجی منطقه‌ای ایران و قبول این مهم از سوی کارگزاران سیاست خارجی ایران که تنش‌زدایی منطقه‌ای مقدمه‌ای برای تنش‌زدایی بین‌المللی است همراه با تغییر دیدگاه برخی کشورهای منطقه به ایران، ۵- تلاش‌های دیپلماتیک برخی کشورهای همسایه به‌ویژه عراق برای بهبود روابط ایران و عربستان به عنوان مقدمه‌ای برای بهبود روابط ایران با کشورهای منطقه، ۶- پایان بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران عراق و سوریه و حمایت ایران از تلاش‌های دیپلماتیک برای حل بحران‌های منطقه‌ای مانند بحران یمن. همگی از جمله عواملی بودند که بستر را برای تحقق راهبرد دولت سیزدهم مبنی بر تنش‌زدایی در روابط ایران با همسایگان جنوبی فراهم کرد و گام‌هایی نیز در این جهت برداشته شد؛ تلاش‌هایی که البته هنوز با موفقیت کامل همراه نبوده است اما اکنون به‌نظر می‌رسد اوضاع و تحولات منطقه‌ای دوباره در حال دگرگونی و تکوین شرایطی علیه جمهوری اسلامی ایران است که مهم‌ترین نمودهای آن را می‌توان در تحولات ذیل طی هفته‌های اخیر مشاهده کرد: ۱- بازگشت تدریجی امریکا به سیاست قبلی خود در قبال متحدین سنتی خود به‌ویژه دو کشور عربستان سعودی و امارات متحده عربی به گونه‌ای که طی روزهای اخیر صحبت از بهبود روابط عربستان و امریکا همراه با سفر بایدن به این کشور طی ماه‌های آینده و حمایت دولت بایدن از بن‌سلمان و اعلام آمادگی امریکا برای امضای پیمان بلندمدت استراتژیک با حاکم جدید امارات به گوش می‌رسد. ۲- تلاش‌های دشمن اصلی منطقه‌ای ایران یعنی رژیم صهیونیستی برای نزدیک شدن به مرزهای ایران و موفقیت این دولت در امضای برخی قراردادها با تعدادی از دولت‌های منطقه و حتی اعلام آمادگی این کشور برای ایفای نقش جایگزین امریکا در ساختار جدید امنیتی منطقه. ۳- فعالیت‌های تهدیدآمیز رژیم صهیونیستی علیه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و انجام برخی فعالیت‌های مخرب این دولت مانند ترور شخصیت‌های علمی و نظامی ایران همراه با خرابکاری در مناطق هسته‌ای و تحقیقات علمی ایران. ۴- به بن‌بست رسیدن مذاکرات وین و نامشخص بودن سرنوشت آینده برجام همراه با رویکرد مجدد آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای برای وارد آوردن فشار به جمهوری اسلامی ایران و حتی امکان ارجاع مجدد پرونده ایران به شورای امنیت و قرار دادن ایران ذیل بند هفت این شورا. ۵- بهبود روابط ترکیه با عربستان و امارات و امکان شکل‌گیری مجدد ائتلاف اردوگاه سلفی - تکفیری و اخوانی علیه ایران مانند بعد از سال ۲۰۱۰. ۶- تلاش‌های رژیم صهیونیستی برای تقویت محور عبری - عربی و تاثیرگذاری بر سیاست خارجی امریکا به منظور ممانعت از به نتیجه رسیدن مذاکرات احیای برجام.

لذا با توجه به چنین شرایطی از آنجا که منافع ملی جمهوری اسلامی ایران گسترش روابط با همسایگان به‌ویژه در جنوب را ایجاب و این مهم یکی از راهبردهای اصلی دولت سیزدهم بوده است اکنون این سوال مطرح می‌شود که در دولت آقای رییسی و تیم سیاست خارجی وی چه راهکارهایی باید اتخاذ شود تا نه تنها دستاوردهای یک سال گذشته در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای از بین نرود بلکه بتوانند به اهداف خود در این منطقه دست یابند و با چالش‌های فراروی منافع ملی ایران در این حوزه مقابله کنند. نگارنده توجه به راهکارهای ذیل را از سوی کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای نیل بدین مهم ضروری می‌داند: ۱- تلاش برای به نتیجه رساندن مذاکرات احیای برجام و خارج کردن آن از کما چرا که روابط ایران با همسایگان جنوبی به دلیل ماهیت این دولت‌ها تا اندازه زیادی با روابط ایران با غرب به هم وابسته است. ۲- مقابله با پروژه ایران‌هراسی و تلاش برای شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای خود در مقابل تبلیغات رژیم صهیونیستی. ۳- ایجاد شکاف در اردوگاه عبری - عربی از طریق بهبود روابط با کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان. ۴- پذیرفتن واقعیت دست‌نشاندگی دولت‌های منطقه و تلاش برای بهبود و گسترش روابط با این کشورها در عین داشتن چنین ماهیتی. ۵- ممانعت از شکل‌گیری مجدد ائتلاف سلفی - تکفیری با اردوگاه اخوانی و شکل‌گیری بحران‌های منطقه‌ای از طریق گسترش روابط با ترکیه و قطر و بهبود روابط با عربستان. ۵- گسترش مناسبات اقتصادی به‌ویژه توریسم در سه حوزه سیاحتی، زیارتی و درمانی با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس. ۶- اجتناب از طرح مسائل تفرقه‌انگیز و ممانعت از دخالت گروه‌های فشار داخلی در حوزه سیاست خارجی منطقه‌ای ایران. ۷- مقابله با حضور اسراییل در منطقه و ایجاد پایگاه در کشورهای همسایه جنوبی ایران. ۸- تلاش برای شکل‌گیری و مشارکت در ساختار جدید امنیتی منطقه از طریق همکاری با کشورهای منطقه. ۹- همکاری با تلاش‌های بین‌المللی برای حل بحران‌های منطقه‌ای و برقراری ثبات در منطقه به‌ویژه بحران یمن. ۱۰- استفاده از توان و پتانسیل نهادهای غیردولتی به‌ویژه مجامع علمی و دانشگاهی برای بهبود و گسترش روابط با همسایگان جنوبی، به امید آنکه توجه و عمل به راهکارهای فوق از سوی کارگزاران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بتواند گامی کوچک در جهت تحقق منافع ملی ایران در سیاست خارجی منطقه‌ای به‌ویژه در حوزه جنوب باشد.

سلامت

پس از ۲۸ ماه؛ مبتلایان روزانه کرونا در ایران دو رقمی شد

هشدار متخصصان: اپیدمی کرونا در ایران و جهان هنوز ادامه دارد

گروه اجتماعی | دو خبر خوشحال کننده در این روزها منتشر شد؛ روز ۱۲ خرداد اعلام شد که در شبانه‌روز تا ۱۱ خرداد، تعداد فوت کرونا در کشور صفر بوده که البته خوشحالی حاصل از این خبر چندان دوامی نداشت چنانکه در شبانه‌روز پس از آن، دوباره شاهد فوت ۳ مبتلای کرونا بودیم. خبر دوم که به نظر می‌رسد نتایج پایدارتری داشته باشد اینکه در شبانه‌روز ۱۳ تا ۱۴ خرداد، تعداد مبتلایان جدید کرونا، به زیر ۱۰۰ نفر رسید و بعد از ۲۸ ماه، آمار ابتلا در یک شبانه‌روز در کشور، دو رقمی شد و طی دو روز گذشته هم همچنان تعداد ابتلای جدید، دو رقمی بوده است. طبق اعلام وزارت بهداشت، در شبانه‌روز ۱۳ تا ۱۴ خرداد، ۶۴ مبتلای جدید کووید ۱۹ در کشور شناسایی شدند که ۱۳ نفر از این تعداد بستری شدند. بنا به گزارش رسمی، آخرین بار ۷ اسفند ۹۸، تعداد مبتلایان روزانه کرونا در کشور دو رقمی بود. اما نباید از نوسان فوت ناشی از شدت بیماری غافل شد، چرا که در شبانه‌روز تا ۱۳ خرداد ۷ فوتی و در شبانه‌روز ۱۴ تا ۱۵ خرداد ۳ فوت کرونا در کشور ثبت شده است. طبق گزارش وزارت بهداشت در فاصله ۲۸ بهمن ۱۳۹۸ تا ۱۵ خرداد ۱۴۰۱ مجموع بیماران کووید ۱۹ در کشور به ۷ میلیون و ۲۳۲ هزار و ۷۳۱ نفر و مجموع جانباختگان این بیماری، به ۱۴۱ هزار و ۳۳۱ نفر رسیده است. در حال حاضر ۴۵۸ نفر از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند در حالی که شمار شهرستان‌های در وضعیت قرمز و نارنجی صفر است و ۱۴۷ شهرستان در وضعیت زرد و ۳۰۱ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند.

به دنبال دو رقمی شدن آمار ابتلای روزانه که یک موفقیت بزرگ برای مردم ایران و کادر درمان کشور محسوب می‌شود البته حمید سوری؛ اپیدمیولوژیست در گفت‌وگو با ایسنا هشدار داد که «هنوز در مرحله پاندمی هستیم؛ اپیدمی را تمام شده تلقی نکنیم و دچار خوش‌بینی‌های کاذب نشویم. اگر بخواهیم فقط بر پایه بستری و مرگ به وضعیت اپیدمی نگاه کنیم، اپیدمی نه تنها در کشور ما، بلکه در همه جهان روند کاهشی معناداری داشته و معنایش این نیست که اپیدمی را تمام شده تلقی کنیم و معنایش این نیست که اپیدمی خاتمه یافته و تمام شده است. باید رعایت پروتکل‌های بهداشتی و استفاده از ماسک را ادامه دهیم که نقش محافظتی دارد. یک سناریو این است که ویروس ضعیف شده، شدت بیماری‌زایی پایین آمده و دیگر شاهد اوج مرگ و میر، بستری و بیماری شدید مانند قبل نخواهیم بود، اما ویروس همچنان در گردش است و بیماری به صورت خفیف یا بدون علامت در موارد محدود ادامه خواهد داشت. هرچند که آمارهای موجود جهان نشان می‌دهد که حتی به لحاظ مرگ، بستری و ابتلا حدود ۵۰ کشور دنیا مجددا روند خیزشی و افزایشی پیدا کرده‌اند که این نگرانی را تشدید می‌کند و هیچ تضمینی نیست که این اتفاق برای کشور ما رخ ندهد. در چند هفته اخیر هم در کشور مرگ‌های‌مان کاهش یافته، اما باید توجه کرد که ما هم فقط مرگ‌های تایید شده را در آمار رسمی می‌بینیم. هنوز واکسیناسیون جمعیت انبوهی شامل حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون در کشورمان کامل نشده و هیچ تضمینی نیست که روند تضعیف ویروس ادامه داشته باشد. در حال حاضر بیماری‌یابی ما ضعیف است، بیماریابی فعال نداریم، بسیاری از افراد مبتلا اصلا ثبت و گزارش نمی‌شوند، میزان تست‌های‌مان برای سنجش وضعیت بیماری بسیار کم است، نمی‌دانیم که سطح ایمنی جامعه چقدر است و... بنابراین سوالات بدون جواب بسیاری داریم که می‌تواند موجب گمراهی در قضاوت شود. متاسفانه وزارت بهداشت هم اطلاعات اپیدمی را در اختیار محققان قرار نمی‌دهد که بتوانیم بر اساس داده‌های موجود تحلیل منطقی‌تری انجام دهیم. در نتیجه مجبوریم بر اساس اصول علمی اپیدمیولوژی و آنچه در سطح جهان می‌گذرد، قضاوت کنیم. اگر این اطلاعات در اختیارمان گذاشته می‌شد، می‌شد تحلیل‌های مناسب‌تری را درباره آینده اپیدمی در کشور ارایه داد. نباید اعلام کنیم که پاندمی تمام شده یا سیگنال‌های اشتباه به جامعه ارایه دهیم یا در جامعه تصمیم‌گیرنده و سیاستگذاران این تصور القا شود که اپیدمی تمام شد. این تصور کاملا غلط است.»

هشدار این اپیدمیولوژیست البته چند روز قبل هم از سوی یک متخصص بیماری‌های عفونی و سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا مورد تاکید قرار گرفته بود. حمید عمادی؛ متخصص بیماری‌های عفونی و عباس شیراوژن؛ سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا، با حضور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه خبر هشدار دادند: «هنوز ۱۴ میلیون ایرانی حتی یک دوز واکسن کرونا نزده‌اند در حالی که تکمیل چرخه واکسیناسیون نقش مهمی در کاهش مرگ و میرهای کرونایی دارد و تک رقمی شدن تعداد فوتی‌ها به معنای پایان کرونانیست.»

کارگری

سه ماه اعتراض برای التزام دولت به قانون نتیجه داد

مصوبه افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی در دولت تصویب شد

گروه اجتماعی | بعد از سه ماه اعتراض و توسل به هر ابزاری که می‌توانست صدای ۱۲ میلیون بازنشسته تامین اجتماعی را به گوش دولت برساند تا دولت بشنود و باور کند که با این گرانی‌های روزانه و آزادسازی قیمت کالاهای اساسی، زندگی با مزد سال ۱۴۰۰ امکان‌پذیر نیست، بالاخره مصوبه شورای عالی کار درباره افزایش ۵۷،۴ درصدی مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی در هیات دولت تصویب شد. با این تصویب که البته همان تاکید قانون کار بود و بنابراین، دولت هم چندان اقدام خاص و قابل تحسینی بابت رعایت قانون کار به خرج نداد، بلکه به وظیفه ذاتی و قانونی و تکلیف خود در التزام به این قانون عمل کرد، براساس مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تامین اجتماعی، طبق مصوبه هیات وزیران، حداقل دریافتی مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی، امسال همچون سال‌های گذشته از حداقل حقوق مصوب کارگران کمتر نخواهد بود. البته هیات دولت در مصوبه خود اعلام کرد که «باتوجه به حکم قانون بودجه سال ۱۴۰۱ (مصوب مجلس شورای اسلامی) در خصوص صندوق‌های مختلف بازنشستگی (مبنی بر رشد ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان) و در راستای هماهنگ‌سازی پرداخت حقوق در کلیه صندوق‌های بازنشستگی، برای این دسته از مشمولین که دارای دریافتی بیش از حداقل باشند، افزایش ۱۰ درصدی اعمال می‌شود. همچنین به منظور کمک به معیشت مستمری‌بگیران بالاتر از حداقل، علاوه بر ۱۰ درصد مذکور، مبلغ ۶۵۰ هزار تومان (تا سقف دریافتی ماهانه ۱۰ میلیون تومان) به‌صورت ماهانه پرداخت خواهد شد.» به دنبال این مصوبه، وزیر تعاون در توضیح اعمال و زمان پرداخت افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی گفت: «خرداد ماه احکام جدید صادر می‌شود و در تیر ماه معوقه فروردین و در مرداد ماه معوقه اردیبهشت پرداخت خواهد شد.» حجت عبدالملکی در توضیح تاخیر سه ماهه دولت برای عمل به قانون، به جای آنکه با صراحت بگوید که علت این تاخیر، تلاش دولت برای دور زدن قانون و بدعت‌گذاری جدید برای رعایت نکردن مصوبه شورای عالی کار و تحمیل و تسری مصوبه ۱۵ اردیبهشت ماه هیات وزیران درباره افزایش ۱۰ درصدی مزد کارگران و مستخدمان و کارمندان دولت به مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی هم بوده چون جیب و خزانه دولت خالی است، این گونه توجیه کرد که «یک علت تاخیر این بود که دولت درگیر طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها بود و دستور جلسات بسیاری داشت. معیار و مبنای اصلی دولت، خدمات‌رسانی به مردم و افزایش رفاه توده مردم با رویکرد عدالت است و در ادامه افزایش بی‌سابقه حقوق کارگران و مردمی‌سازی یارانه‌ها، مصوبه افزایش مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی هم صادر شد. برای حقوق سایر سطوح درآمدی، قرار شد همه صندوق‌ها یک هماهنگی داشته باشند. بر این اساس برای آن دسته از بازنشستگان تامین اجتماعی که بیش از حداقل حقوق دریافت می‌کنند، ۱۰ درصد افزایش خواهیم داشت که البته اگر حقوق‌شان تا سقف ۱۰ میلیون تومان باشد یک مبلغ ثابت ۶۵۰ هزار تومان نیز دریافت خواهند کرد. امسال کسانی که حقوق‌شان کمتر است افزایش بیشتری در حقوق خواهند داشت. به عنوان مثال اگر شخصی در سال ۱۴۰۰، سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کرده، امسال حقوقش به شش میلیون تومان خواهد رسید و دو میلیون و ۳۰۰ هزار تومان افزایش خواهد داشت یا مثلا شخصی که سال گذشته ۹ میلیون تومان دریافتی داشته به حقوقش یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان افزوده خواهد شد. همچنین کسی که ۲۰ میلیون تومان دریافتی داشته دو میلیون تومان یعنی همان ۱۰ درصد به حقوقش افزوده خواهد شد.» آنچه از دیده‌ها پنهان نماند، این بود که این مصوبه هیات وزیران هم به این سادگی‌ها به امضا نرسید. سه ماه تمام، بازنشستگان و نمایندگان صندوق‌های بازنشستگی وابسته به تامین اجتماعی با زبان فریاد و استغاثه و خواهش و التماس و تهدید، از دولت می‌خواستند که به بازنشستگان تامین اجتماعی که حداقلی بگیران این کشور محسوب می‌شوند رحمی روا داشته و متوجه باشد که در کشور از سر تا پا در فساد شبکه‌های دلالی و رانت‌خواری غرق شده، زندگی با مستمری معادل دریافتی سال قبل امکان‌پذیر نیست. توجیه وزیر تعاون بابت سرشلوغی دولت برای اصلاح و سراسری کردن هدفمندی یارانه‌ها از این بابت یک توجیه غیر قابل پذیرش است که اصلا دولت نیازی به مصوبه جدید نداشت، چون مصوبه شورای عالی کار و قانون تامین اجتماعی حجت را بر تمام دولت‌ها تمام کرده بود که هر سال حقوق و مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی به چه نحو و با چه درصدی باید افزایش یابد. بنابراین قانون وجود داشت و بسیار آسان بود که دولت با تاسی به قانونی که وجود داشته، برای اجرای یک روال عادی و معمول، سنگ‌اندازی نکند که کرد. مصوبه مورد نظر وزیر تعاون هم به نظر می‌رسد در تنگنای حاصل از افزایش مکاتبات اعتراض‌آمیز از سوی نمایندگان صندوق‌های بازنشستگی، به امضای هیات وزیران رسید چنانکه غیر از اعتراضات گسترده‌ای که طی سه ماه گذشته توسط بازنشستگان و مستمری‌بگیران تامین اجتماعی شاهد بودیم و بسیاری از آنها، به سطح خیابان‌ها هم رسید، حداقل طی ۴ روز اخیر و پیش از اعلام وزیر تعاون درباره این مصوبه، مشاهده می‌شود که کانون کارگران بازنشسته شهرستان ری با جمعیت مشمول حدود ۴ میلیون نفر، اعضای کانون کارگران بازنشسته و مستمری‌بگیران شهرستان تبریز و حومه، اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، بازرس کانون بازنشستگان تامین اجتماعی شیراز و در نهایت، رییس کمیسیون اجتماعی مجلس در نامه‌های جداگانه به رییس جمهور و وزیر تعاون و مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی رییس کانون عالی بازنشستگان تامین اجتماعی و کانون‌های بازنشستگی، خواستار اصلاح هر چه سریع‌تر پرداختی بازنشستگان تامین اجتماعی مطابق با تاکیدات قانون کار شده‌اند.

محیط زیست

نگاهی به علت طوفان‌های گرد و غبار در ایران

معمای ریزگرد

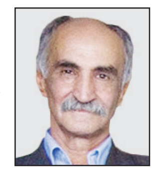

اسماعیل کهرم

ریزگرد چیست؟ چرا به وجود می‌آید؟ کجا به وجود می‌آید؟ چندنوع دارد؟ خطرناک‌ترین کدام است؟

چه تاثیری بر محیط زیست می‌گذارد؟

ریزگرد چیست؟

ریزگردها، ذرات بسیار کوچک معلق در هوا هستند که به خاطر ابعاد بسیار کوچک از جاذبه زمین (تا حدود زیادی) می‌گریزند و همراه با گردش جریان هوا (باد) جابه‌جا می‌شوند. این ذرات به تناسب جهت جریان هوا در هر مسیری حرکت می‌کنند و نیز به تناسب شدت جریان هوا تا مسافات بعید طی مسیر می‌کنند. مثلا ماهواره‌ها نشان داده‌اند که ریزگردها از شرق آفریقا به پرواز درآمده و به صورت غبارهای صورتی و سرخ‌رنگ تا ایران و فراتر به سمت شرق طی طریق کرده‌اند. رصد ماهواره‌ای این غبارها نشان می‌دهد که این ذرات تا اقیانوس کبیر کشیده شده موجب باروری اقیانوس می‌شود. بنابراین ریزگردها دارای خاصیت فراوان لااقل برای باروری اقیانوس‌ها هستند. ریزگردها مانند کود طبیعی کوچک‌ترین موجودات دریاها را مثل گیاهان و جانوران تغذیه می‌کنند و به این ترتیب کوچک‌ترین موجودات مانند کفزی‌ها تا بزرگ‌ترین آنها مانند ماهی‌ها و نهنگ‌ها را تقویت می‌کنند. به این نحو دریاها بر اثر ورود میلیون‌ها تن ریزگرد، هر روز غنی‌تر و اکوسیستم آنها پیچیده‌تر می‌شود. ریزگردها موجب ورود عناصر گوناگون به آب می‌شوند و یک سوپ مغذی را تشکیل می‌دهند که گیاه و جانور در آن رشد می‌کنند و در نهایت انسان هم از غنای این محیط‌های آبی استفاده می‌کند.

چرا ریزگردها به وجود می‌آیند؟

تالاب، دریاچه یا باتلاقی یا رودخانه‌ای را تصور کنید که انواع موجودات زنده یا پس از مرگ در آنها می‌افتند و مراحل فساد را طی می‌کنند. مراحل فساد صرفا برای موجودات آلی (زنده) اتفاق می‌افتد. صرفا گیاهان و جانوران در این مراحل گرفتار می‌شوند. یک علف، بوته، درخت یا بدن یک جانور این مراحل را طی می‌کند تا اثری از آن باقی نماند. یک درخت تناور یا یک جانور بزرگ (مانند فیل) را تصور کنید که پس از مرگ، طبیعت برای آنکه اجزای آن را مجددا تصاحب و به خود جذب کند باید آنها را به قطعات بسیار کوچک‌تر تجزیه کند. اگر این گیاه و جانور در داخل آب افتاده باشد مراحل فساد کندتر و به آهستگی صورت می‌پذیرد، زیرا آب موجب می‌شود که لایه‌ای سطح گیاه یا جانور را بپوشاند (مانند مومیایی کردن که این غلاف فساد را به تاخیر می‌اندازد) ولی بعد از مدتی، با از بین رفتن این لایه فساد آغاز می‌شود. پس از مدتی اگر گیاه یا جانور کماکان در آب باشد، اجزای آن تجزیه شده و توسط جریان آب پراکنده می‌شود ولی اگر دریاچه یا رودخانه و تالاب خشک شود، آن وقت گیاه یا جانور در معرض عوامل فرسایشی مانند نور آفتاب، سرما، گرما، باران و برف قرار گرفته و به تدریج تجزیه می‌شود و حالا منتظر باد و توفان می‌ماند تا با جریان‌های هوا به اقصی نقاط منتقل شود! قدرت وزش باد تعیین می‌کند که تا کجا برود و جهت جریان هوا نیز تعیین‌کننده جهت عبور این ریزگردهاست. بنابراین یکی از دلایل به وجود آمدن ریزگرد، خشک شدن رودخانه، تالاب یا دریاچه و بیرون افتادن محتویات آنهاست. ولی چرا باید یک تالاب یا دریاچه و رودخانه خشک شود که ریزگرد تولید کند، یک دلیل آنکه قبل از انقلاب در ایران وسیع ما ۱۳ بند سد وجود داشت اکنون چند سد داریم؟ بیش از ۶۵۰ بند! هر سدی جلوی عبور آب رودخانه را می‌بندد بنابراین در پایین دست رودخانه یا خشک می‌شود یا آب آن کاهش می‌یابد در هر صورت محتویات بستر رودخانه از آب بیرون آمده و در معرض عوامل فرسایش قرار گرفته و ریزگرد تولید می‌کنند. بنابراین هر جا که سدی روی رودخانه بسته می‌شود، پایین دست رودخانه مستعد تولید ریزگرد می‌شود. ما در ایران، حدود ۴ برابر ظرفیت مراتع‌مان گوسفند و چراکننده دیگر داریم. چرای بیش از حد موجب لخت شدن زمین شده و زمین عریان موجب پیدایش ریزگرد می‌شود که منتظر حرکت باد است تا از زمین کنده شود و صدها و هزارها کیلومتر را درنوردد! بنابراین ما در ایران ریزگردهایی داریم که خودمان در ایران تولید کرده‌ایم، سدسازی، چرای بی‌حد، مصرف بیش از حد سفره‌های آب‌های زیرزمینی، کشاورزی ناپایدار که آب‌های این سرزمین را هدر می‌دهد همه این عوامل موجب هدر رفتن آب و تولید ریزگرد می‌شود.

آبی که به صورت برف و باران از آسمان فرو می‌ریزد در لایه‌های زمین فرو می‌رود تا به سفره‌های آب‌های زیرزمینی می‌پیوندد. بنابراین ستونی از قطرات آب از سطح خاک، سفره آب‌های زیرزمینی در عمق وجود دارد، با برداشت آب این ستون کوتاه‌تر می‌شود تا جایی که دشت‌های ایران فرو می‌نشیند. در برخی موارد نشست زمین در یک ناحیه کوچک اتفاق می‌افتد که به آن فروچاله می‌گویند مانند کبوترآهنگ همدان و میناب بندرعباس. در این شرایط باز هم خاک که آب خود را از دست داده ایجاد ریزگرد می‌کند.

کجا ریزگردها به وجود می‌آیند؟

احتمال بروز ریزگرد در مکان‌های طبیعی که به دست بشر دستخوش تغییرات شده‌اند مانند محل‌های اطراف سدها، رودخانه‌های خشک شده، تالاب‌هایی که به دست ما خشک شده‌اند، محل‌های احداث جاده به خصوص مراتعی که تبدیل به جاده شده‌اند و بالاخره مکان‌های جنگلی که برای کشاورزی و ساخت و ساز تراشیده شده‌اند. همین جا ذکر کنم که هر هکتار از جنگل می‌تواند ۷/۵ تن ریزگرد را جذب کند و به همین دلیل ارتفاعات اطراف تهران، بالای ۱۸۰۰ متر ساخت و ساز را ممنوع کرده‌اند و البته دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات را غیر قانونی ساخته‌اند و نیز قبرستان شهدا نیز در این ارتفاع غیر مجاز است. اگر این فضا حفظ می‌شد قطعا ریزگرد کمتری به تهران می‌رسید. شهر اهواز در استان خوزستان چنان مورد هجوم ریزگرد قرار گرفته که در کتاب‌های دانشگاهی در جهان به عنوان نمونه تخریب ریزگردها ذکر شده است؛ دلیل؟ دو مطلب یکی اینکه در گذشته اطراف این شهر زیبا جنگل‌هایی بود که همگی پاکتراشی شد و اهواز در معرض طوفان‌های شدید ریزگرد قرار گرفت. دلیل دوم همسایگی کشور عراق که ریزگرد صادراتی را روانه اهواز می‌کند.

سال‌ها پیش در یک هتل در بیرجند دو، سه شبی را بیتوته کردم. وقتی هنگام خداحافظی رسید در دفتر هتل شعری به دیوار زده بود که به یاد دارم:

دشمن دوست‌نما را نتوان کرد علاج
شاخه را مرغ چه داند که قفس خواهد شد؟

در مورد ریزگرد هم باید ببینیم همسایگان‌مان چه کسانی هستند؟ کما اینکه عراق و هورالعظیم در مجاورت خوزستان و اهواز، این استان زرخیز را مبتلا کرده. در همین موضوع یک متخصص ژنتیک توصیه می‌کرد که نظر به نقش مهم پدر و مادر در سلامت ما باید مواظب باشیم پدر و مادر مناسب و سالم را برای خودمان انتخاب کنیم! مسافت حتی اگر هزاران کیلومتر هم باشد می‌تواند در انتشار ریزگرد تاثیر داشته باشد؛ شرق آفریقا، کشور سوریه، عربستان سعودی، ترکیه و بالاخره عراق همان تاثیری را در خوزستان دارند که سیستان و بلوچستان!

چند نوع ریزگرد وجود دارند؟

۱- ریزگردهای داخلی (که داخل ایران تولید شده‌اند).
۲- ریزگردهایی که منشا خارجی دارند مانند آنها که از شرق آفریقا می‌آیند یا از سوریه و عربستان سعودی. ناگفته نماند که این دو نوع از یکدیگر قابل تمییز نیستند.
۳- ریزگردهایی که منشا گیاهی و جانوری دارند.
۴- ریزگردهایی که منشا معدنی دارند مانند سنگ و خاک.
۵- ریزگردهای درشت‌تر از ۲/۵ میکرون.
۶- ریزگردهای ریزتر از ۲/۵ میکرون (۲/۵ هزار میلیمتر).

ردیف‌های ۵ و ۶ که مربوط به اندازه و بعد ریزگرد است مهم‌ترین نقش را در تاثیر گذاری ریزگردها دارند. به این ترتیب که معمولا ریزگردهای خیلی ریز (کمتر از ۲،۵ هزارم میلیمتر یا ۲،۵ میکرون وخیم‌ترین تاثیر را در سلامت انسان دارند، زیرا این ذرات خیلی ریز پس از آنکه از راه دهان و بینی وارد حنجره شدند در محلی می‌نشینند که محل تبادل دی‌اکسید کربن و اکسیژن است. اگر این تبادل به خوبی صورت نپذیرد، اکسیژن کافی به ریه‌ها و اندام‌ها نمی‌رسد. نفس تنگی، لب‌های کبود، حالت خفگی و نیاز به اکسیژن از عوارض این گونه ریزگردهای خیلی ریز هستند! برای جلوگیری از تاثیر ریزگردها استفاده از ماسک‌های به خصوص توصیه می‌شود. ولی تجربه کووید ۱۹ به ما آموخته که استفاده از ماسک به خصوص آنها که چشمه‌های ریز دارند موجب نفس تنگی می‌شود و به صورت ممتد برای زمان‌های طولانی نمی‌توان از آنها استفاده کرد و حتی‌المقدور بعد از هر نیم ساعت استفاده باید آن را از صورت برداشت و به صورت آزاد نفس کشید. تا به حال از یک نوع ریزگرد که متاسفانه فقط در ایران به کار می‌رود سخن نگفته‌ام و آن ریزگرد حاصل از سوزاندن مازوت در نیروگاه‌هاست. مازوت که به آن نفت کوره یا نفت سیاه می‌گویند در نانوایی‌ها و حمام‌ها به مصرف می‌رسید و تحقیقات نشان داده که به طور صد در صد سرطان‌زا هستند. اگر تصور کنیم نفت استخراج شده را وارد یک لوله تصفیه کنیم در بالای لوله تصفیه سوخت جت، کمی پایین‌تر نفت سفید، بعد گازوییل و پایین‌تر نفت کوره یا نفت سیاه به وجود خواهد آمد. در گذشته نفت سیاه به نام نفت کشتی هم معروف بود و به امارات می‌فروختیم و آنها این سوخت را در کشتی‌هایی که به نقاط دور دست دریاها می‌رفتند، وارد کرده و می‌سوزاندند؛ تلاطم هوا به قدری شدید بود که این سوخت‌ها آلودگی تولید نمی‌کرد. بعدها استانداردهای بین‌المللی میزان کربن را در مازوت حدود نیم درصد تعیین کرد. متاسفانه مازوت ایران ۷۰ برابر بیشتر از این استاندارد بوده (۳،۵ درصد) در نتیجه ایران مجبور شد که این مازوت را که کماکان تولید می‌شود در ایران دپو کند. با افزایش مازوت ذخیره شده و کاهش مخازن ذخیره مازوت ما مجبور به مصرف آنها در نیروگاه‌ها شدیم. به خصوص در زمستان که سوخت برای تولید الکتریسته نداریم، مازوت بیشتری مصرف می‌کنیم. مازوت را نه می‌توان به زمین تزریق کرد، نه می‌توان آن را سوزاند به خاطر آلودگی هوا و نه می‌توان آن را به آب ریخت و کسی هم از ما نمی‌خرد! و لذا مال بد...! چاره‌ای نداریم جز آنکه میزان آلایندگی آن را کاهش دهیم. شاید مشتری برای آن پیدا شود. البته هزینه تصفیه مازوت را باید بپردازیم تا شاید مورد قبول بازار خارج قرار گیرد. به هر حال بهتر از مسموم کردن مردم وطن‌مان است. نیروگاه برق نکا که از مازوت استفاده می‌کند به تنهایی هوای منطقه وسیعی را مسموم کرده و مردمی را که به خاطر هوای پاک به مازندران کوچ کرده‌اند ناامید کرده است؛ حیف.

تاثیر ریزگرد بر محیط زیست!

در ابتدا ذکر یک مطلب لازم است و آن اینکه انسان محور توسعه پایدار و باارزش‌ترین موجودات است و هر چه که برای رضایت اوست، ارزشمند است بنابراین بدون انسان و بدون نگرش او هیچ ارزشی وجود ندارد. بنا بر آنچه گفته شد، عوامل گوناگون وقتی ارزش گذاری می‌شوند که توسط انسان ارزیابی شوند. ریزگردها یا هر عامل تغییر دهنده محیط نیز باید توسط انسان مورد بررسی و مداقه قرار گیرد و اگر مورد سلیقه او بود، ابعاد قابل قبول خواهد داشت. حدود ۲ سال پیش شهر زیبای خوزستان، اهواز زیبای ایرانی موجب هجوم ریزگردها واقع شد. این هجوم کلیه تشکیلات و تاسیسات شهری را از کار انداخت. سیستم اینترنت، سیستم آب شهری، تلفن همه از کار افتادند و کار به تعطیل شدن اداره‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها کشید. تمام اینها تاثیر یک ذراتی است که قابل شناسایی هم نیستند و چنان تاثیری بر یک شهر متمدن امروزی می‌گذارند که زندگی را مختل می‌کنند به طوری که قبل از این حتی این تاثیرات قابل شناسایی نبود. در قسمتی دیگر از این گزارش ذکر کردم که مراکز دانشگاهی تاثیرات ریزگردها را در تاسیسات شهری مورد بحث و بررسی قرار دادند و از آن عبرت گرفتند. همچنین که در حال نگارش این مقاله بودم یکی از خبرنگاران تماس گرفتند و مساله عجیبی را مطرح کردند. ایشان گفتند شایع شده که در عراق دستگاهی را به کار می‌گیرند که گرد و خاک را (ریزگرد) به طرف ایران می‌فرستند و این ذرات تا تهران طی طریق می‌کنند. واقعا که چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند. بنده هیچ دستگاهی را نمی‌شناسم که ریزگرد را از عراق تا تهران بفرستد. اما اگر با واقعیت‌ها سرو کار داشته باشیم قطعا بهتر از شایعات پاسخ می‌گیریم. حقیقت آن است که مساله بغرنج ریزگرد تا آینده قابل پیش‌بینی مهمان ما خواهد بود. تا جایی که کشورهای درگیر متفقا به فکر رفع مشکل باشند و آن وقت شاید تا ۱۰ سال بعد از ریزگردرهایی یابند. زودتر از این امکان ندارد. اصلا اگر چنین اتفاقی بیفتد به طور قطع این مهم‌ترین معاهده بین چند کشور برای بهبود وضع محیط زیست منطقه خواهد بود.

به امید آن روز.

میراث طبیعی

به فاصله ۱۵ سال از رتبه ۵۳ حفاظت محیط زیست به ۱۳۳ افت کردیم

سقوط ۸۰ پله‌ای ایران در جدول جهانی حفظ محیط زیست

گروه اجتماعی | به استناد گزارش ۲۰۲۲ عملکرد محیط زیستی ۱۸۰ کشور که توسط دانشگاه ییل منتشر شده، ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲، در حفاظت از محیط زیست ۸۰ پله سقوط کرده و از رده ۵۳ جدول به رده ۱۳۳ رسیده است. طبق جدول مندرج در این گزارش، همچنین، در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۲، ایران در هیچ سالی بابت حفاظت از محیط زیست، صعود به معنای ارتقای وضعیت نداشته چنانکه در سال ۲۰۰۸، در میان ۱۴۹ کشور جهان، ایران به رده ۶۷ جدول (۱۴ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۶) در سال ۲۰۱۰ در میان ۱۶۳ کشور به رده ۷۸ جدول (۲۵ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۶) در سال ۲۰۱۲ در میان ۱۳۲ کشور به رده ۱۱۴ جدول (۶۱ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۶) سال ۲۰۱۴ در میان ۱۷۸ کشور به رده ۸۳ (۵۰ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۶) در سال ۲۰۱۶ در میان ۱۸۰ کشور به رده ۱۰۵ (۵۲ پله سقوط نسبت به ۲۰۰۶) سال ۲۰۱۸ در میان ۱۸۰ کشور به رده ۸۰ (۲۷ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۶) سال ۲۰۲۰ در میان ۱۸۰ کشور به رده ۶۷ (۱۴ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۶) و در نهایت در سال ۲۰۲۲ در میان ۱۸۰ کشور به رده ۱۳۳ جدول (۸۰ پله سقوط نسبت به سال ۲۰۰۶) رسیده است. بنابراین، شاید بتوان گفت طبق این گزارش، وضعیت حفاظت از محیط زیست کشور صرفا در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰، یک بهبود نسبی داشته اما بدترین وضعیت در سال ۲۰۲۲ اتفاق افتاده که حفاظت از محیط زیست ایران دچار سقوط ۸۰ پله‌ای نسبت به سال ۲۰۰۶ شده است. علاوه بر این، حتی امتیاز ایران در زمینه شاخص‌های حفاظت از محیط زیست هم در این بازه زمانی هر سال نسبت به سال قبل کاهش یافته چنانکه طبق جدول منتشر شده در گزارش دانشگاه ییل، سال ۲۰۰۶ میلادی، ایران از ۱۶ شاخص حفاظت از محیط زیست، ۷۰ امتیاز کسب کرده، سال ۲۰۰۸، امتیاز ایران بابت رعایت ۲۵ شاخص تعیین شده، ۷۶،۹ بوده و در سال ۲۰۱۰ هم از بابت رعایت ۲۵ شاخص، ۶۰ امتیاز داشته اما از سال ۲۰۱۴ به بعد و به دنبال افزایش شاخص‌ها، امتیازهای ایران در زمینه رعایت این شاخص‌ها هم رو به کاهش گذاشته و حالا که شاخص‌های حفاظت از محیط زیست در گزارش این دانشگاه معتبر به ۴۰ رسیده، امتیاز ایران حتی نسبت به سال ۲۰۰۶ به حدود نصف کاهش یافته و به ۳۴،۵۰ تنزل کرده است. به دنبال انتشار این گزارش جهانی، لیلا زمانی؛ مدیرکل دفتر اقتصاد و فناوری محیط زیست سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرد که در این گزارش، ۱۸۰ کشور در ۱۱ طبقه موضوعی با استفاده از ۴۰ شاخص عملکردی در سه حوزه تغییرات آب و هوا، سلامت محیط زیست و سرزندگی اکوسیستم رتبه‌بندی شدند. این مقام مسوول در سازمان حفاظت محیط زیست گفت: «شاخص‌هایی که روند منفی قابل توجهی داشته‌اند عبارتند از: شاخص از دست رفتن مرتع (۳۹.۶۰-)، شاخص انتشار منوکسید کربن (۲۰.۸۰-) و روند شدت گازهای گلخانه‌ای (۲۴.۴۰-) البته گزارش‌ها از اطلاعات چند سال اخیر استفاده می‌کنند و اطلاعات صرفا مربوط به سالی که گزارش تهیه شده، نیست اما شاخص عملکرد محیط زیست، داده‌های خود را از منابع شخص ثالث قابل اعتماد مانند نهادهای حاکم بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و مراکز تحقیقاتی آکادمیک (مقالات دانشگاهی) تهیه کرده است.» شاید یکی از مصداق‌هایی که می‌توان با علت سقوط ۸۰ پله‌ای ایران در گزارش دانشگاه ییل مرتبط دانست، افزایش وسعت بیابان‌های کشور به دلیل سوءمدیریت در حفظ منابع آبی باشد. چند روز قبل، معاون سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری از افزایش ۲.۵ میلیون هکتاری بیابان‌های کشور در دهه اخیر خبر داد. پرویز گرشاسبی افزود: «اگر بخواهیم جلوی روند بیابان‌زایی را بگیریم باید سالانه یک میلیون هکتار بیابان‌زدایی داشته باشیم در حالی که ما توانستیم به یک سوم این عدد (۳۵۰ هزار هکتار) برسیم.» علی سلاجقه؛ رییس سازمان حفاظت محیط زیست هم چند روز قبل اعلام کرده بود: «در کشور حدود ۳۴ میلیون هکتار بیابان داریم که از این میزان پنج میلیون هکتار در شرایط بحرانی قرار دارد. این بیابان‌ها در استان‌های کرمان، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، سمنان، یزد و اصفهان قرار گرفته که البته استان کرمان بیشترین سطح بیابان در شرایط بحرانی را به خود اختصاص داده و خوزستان هم وضع نامناسبی دارد.» ابتدای این ماه و همزمان با روز جهانی گونه‌های در معرض انقراض هم، سرپرست معاونت محیط زیست طبیعی و تنوع زیستی سازمان حفاظت محیط زیست، با آمارهای تکان‌دهنده‌ای از تلف شدن گونه‌های جانوری و نابودی گونه‌های گیاهی و از دست رفتن زیستگاه‌ها و عرصه‌های طبیعی کشور، بابت وخامت شرایط محیط زیست کشور هشدار داد. حسن اکبری در گزارش خود اعلام کرد: «حدود ۱۲۸ گونه جانوری و مهره‌دار کشور در معرض خطر انقراض هستند که برخی وضع خوبی ندارند و بیشترین آسیب‌پذیری ما در این زمینه مربوط به دوزیستان است، برای این ۱۲۸ گونه جانوری ۱۹ برنامه عمل داریم اما پیشرفت این برنامه‌ها عمدتا کمتر از ۱۰ درصد است، چرا که مشکل اصلی، بودجه است و بودجه این اقدامات هم بسیار ناچیز است. پایش سالانه پنج گونه شاخص کشور شامل قوچ و میش، کل و بز، آهو، جبیر و گورخر نشان می‌دهد که حدود ۲۱۵ هزار راس از این پنج گونه شاخص در مناطق حفاظت شده کشور داریم که البته این آمار کمتر از ۱۰ درصد آمار اواخر دهه ۴۰ برای این پنج گونه است به این معنا که طی این مدت، تنوع ژنتیکی این گونه‌های شاخص را از دست داده‌ایم. امروزه چون زیستگاهی برای ما باقی نمانده است، تلاش‌ها برای پیشگیری از انقراض یوز به نتیجه نرسیده است. در بسیاری از مناطق بکر دسترسی‌هایی نظیر جاده ایجاد شده و بسیاری از گونه‌هایی که به حضور انسان حساس بودند از همین رو آسیب دیده‌اند، یکی از مهم‌ترین مشکلات ما تغییر اقلیم و خشکسالی‌های مستمر است که در کنار آن شاهد تخریب گسترده نیز هستیم. به جرات می‌توان گفت امروزه در مناطق آزاد چیزی به اسم زیستگاه نداریم و زیستگاه مناسب گونه آهو دیگر در کشور وجود ندارد چرا که جاده‌سازی زیاد باعث شده زیستگاه دشتی مناسب برای این گونه‌ها نداشته باشیم. بیماری‌های حیات وحش در حال افزایش است که بخشی از داشته‌های زیستی کشور از طریق همین بیماری‌های حیات وحش از بین می‌روند. سال گذشته ۱۰ کانون طاعون نشخوار کنندگان کوچک در کشور داشتیم و هم‌اکنون حیات وحش استان هرمزگان و استان‌های همجوار آن، درگیر آبله هستند چون هنوز زیستگاه و آب شرب مشترک داریم و واکسیناسیون ما در این زمینه کامل نیست. شناسنامه‌دار کردن دام در برنامه ششم توسعه تکلیف شده اما اجرایی نشده است.»

پیشخوان Pishkhan.com

تئاتر-۱

نگاهی به نمایش «میز» به نویسندگی و کارگردانی شایان شهرابی

در مسیر فشردگی تمام‌عیار

محمدحسن خدایی

نمایش «میز» بازتابی است از فشردگی فضا در یک زیستگاه خانوادگی. این فشردگی در طول اجرا چنان در حال تزاید است که بدن‌ها در یک وضعیت پرتنش همیشگی نسبت به اشیا و آدم‌ها باشد. اگر این نکته را مفروض بگیریم که اثر فشردگی در نهایت می‌تواند به برهم‌ریختن توالی‌های زمانی منتهی شود و از دست رفتن فضامندی را دامن بزند، در نمایش «میز» این فشردگی به متراکم شدن زمان، مکان و فضا شدت خواهد بخشید. شایان شهرابی در مقام نویسنده و کارگردان با نگاهی به نمایشنامه «میز» بهار کاتوزی، تلاش دارد با کاستن از متن و گفت‌وگوهای بی‌سروته خانوادگی، با رویکردی کمینه‌گرایانه به فرمی از اجرا دست یابد که گویا استعاره‌ای است از آن آینده‌ای که از دل بورژوازی مستغلات در حال پدیدار شدن است و بالطبع مشغول بلعیدن تمامی عرصه‌های زیستن بشر امروزی. بنابراین به شکل هوشمندانه‌ای این به تاراج‌رفتگی و غارت فضاهای خصوصی افراد در خانه‌های جدید به نمایش گذاشته می‌شود. اگر مفهوم فضا را با توجه به گفتار فوکو مبتنی بر «بدن، سکسوالیته، خشونت و امر تراژیک» بدانیم، فضای فشرده و در حال انقباض «میز» از دل برهم‌کنش این نیروها برساخته می‌شود و به‌تدریج اضمحلال می‌یابد. «میز» در رابطه با خانواده‌ای است مشتمل بر پدر و مادر، دختر و پسر، یک عمو و مردی کمابیش غریبه که در گوشه‌ای از این خانه، مشغول خیاطی است. این ترکیب نامتعارف انسانی در فضای تنگ یک خانه، نشانه‌ای است از اجبار به گذران زندگی. کوچک‌ترین جابه‌جایی‌هایی مانند داستان‌های کافکایی، مشمول مشقت، مراقبت و هراس از برخورد با دیگری است. پس بی‌جهت نیست که بدن‌ها کاریکاتوری و گروتسک هستند و تمنای گریز از نگاه خیره دیگران و یافتن ماوا و ملجایی برای اندکی خلوت و کناره‌گیری از هیاهوی جهان اطراف از اصلی‌ترین نیازهای این افراد اما فضای داخلی این خانه چنان تنگ و فشرده است که فی‌المثل شخصیت دختر برای یافتن فضایی مناسب برای درس خواندن، مجبور است به داخل کمد چوبی برود یا زیر میز پناه بگیرد تا شاید دقایقی از این شلوغی تمام‌عیار خلاص شود و چیزی بیاموزد.

نمایش «میز» این نکته را عیان می‌کند که چگونه در یک وضعیت غیرانسانی، «زندگی روزمره» بدل به امری هولناک و کسالت‌بار می‌شود. اگر «امر روزمره» را میانجی زندگی فردی با تاریخ کلی جهان فرض بگیریم، این واقعیت غیرقابل چشم‌پوشی است که بدون داشتن یک «زیستگاه» مناسب، اصولا «زیستن» ناممکن خواهد بود و امر روزمره به محاق خواهد رفت. دیالکتیک «زیستگاه» با «زیستن» یکی از مولفه‌های برسازنده مناسبات درونی نمایش «میز» است. خانه‌ای که در اینجا بازنمایی می‌شود، فاقد امکانات اولیه برای یک زیستن انسانی است. سرمایه‌داری مستغلات در شهرهای کوچک و بزرگ برای انباشت بیشتر پول، این مصیبت‌ها را بر سر آحاد مردم آورده و آنان را در فضاهای تنگ و تاریک، به دام انداخته تا توهمی از داشتن سرپناه و سکونت را در ذهن خویش بپرورانند؛ اما آن چشم‌اندازی که «میز» ترسیم کرده مانند نقاشی‌های فرانسیس بیکن، هولناک است و در چنبره تمام‌عیار خشونت نمادین. به عنوان مثال فیگور پدر را به یاد آوریم که چگونه در جایگاه اقتدار نشسته و بی‌وقفه دستوراتی در باب زمانِ شام خوردن و دور یک میز نشستن صادر می‌کند. اینجا هم با همان کلیشه تاریخی «خانواده موفق بر گرد یک میز غذاخوری» مواجه هستیم که قرار است نشانه‌ای باشد از امکان تداوم یافتن نهاد خانواده در جهان معاصر. کلیشه‌ای که در این اجرا هر بار تلاش شده با دفعه قبل تفاوت‌هایی داشته باشد و مثلا فرم قرار گرفتن میز و طرز نشستن افراد را بر گرد آن، واجد تلاطم و خلاقیت کند اما مناسبات پدرسالارانه همچنان در این خانه بازتولید می‌شود؛ هر چند مقاومت‌های کوچک اعضای خانواده در مقابل این میل فزاینده پدر به فرمان دادن و به انقیاد کشاندن گاهی نمود یابد.

بهار کاتوزی در نمایشنامه «میز» خانواده‌ای را روایت می‌کند که خانه‌شان در معرض خرابی است و به هنگام باد و باران، بی‌پناه در مقابل رطوبت و قطرات آب. اعضای خانواده هم فهم مشترکی از منافع جمعی خویش ندارند و مدام بر سر مالکیت خانه و اینکه چه کسی سازنده این ساختمان در حال ویرانی است، جدل می‌کنند. واقعیت این است که برای در امان ماندن خانه و خانواده از گزند مشکلات، باید دست به ساختار خانه زد و آن را تعمیر کرد. جالب آنکه دختر این خانواده تحصیلاتی در زمینه معماری و عمران دارد و از جانب پدر و پدربزرگ به هیچ انگاشته می‌شود، چراکه پذیرفتن خطای آغازین در ساختن خانه امری خطرناک و نابخشودنی است. شخصیت‌های نمایش «میز» نامتعارف هستند اما شاید عجیب‌ترین آنان «عمو» باشد. مردی که مدام با گفتارهای به نسبت طولانی در مقایسه با دیگران، جملاتی حکمت‌آمیز در باب زندگی بیان می‌کند. شایان شهرابی در اجرای نمایش «میز» به گفتار «عمو» میدان می‌دهد تا در طول اجرا بیش از دیگران حرف بزند. در نتیجه اغلب گفت‌وگوهای نمایشنامه بهار کاتوزی کنار گذاشته می‌شود. دراماتورژی متن نمایشنامه از کلام می‌کاهد تا آن فضای فشرده و تنگ داخل خانه ساخته شود. نمایش «میز» این حقیقت را بازتاب داده که چگونه کرامت انسانی این روزها با هجوم بورژوازی مستغلات به عرصه‌های مختلف زیست بشری، به مخاطره افتاده است. اجرا تلاش نمی‌کند از این فضای فشرده و ملال‌زده بیرون بیاید؛ چون نیروی چندانی برای مقاومت در مقابل این خوارشدگی در خود نمی‌یابد. بدن‌هایی که در یک «ناوضعیت» گرفتار آمده‌اند و حداکثر کنشی که برای رهایی از خود بروز می‌دهند مانند پسر خانواده چیزی است شبیه خزیدن به فضای کوچک حمام و بالا و پایین پریدن با موسیقی الکترونیک. طنز ماجرا اینجاست که فضای مشترک حمام و سرویس بهداشتی، حتی این خلوت را از پسر دریغ می‌کند چراکه بالاخره یکی از افراد خانه برای قضای حاجت به این مکان مراجعه خواهد کرد.

نمایش «میز» جهان خودبسنده‌ای را می‌سازد یادآور زندگی افراد در حاشیه‌های شهر. زیستگاه‌هایی که در این حاشیه‌ها ساخته شده‌اند تاب مقاومت در مقابل جریان سرمایه را ندارند و روزانه از ابعادشان کاسته می‌شود.

بازیگران نمایش «میز» با آن تقلا کردن‌های بی‌حاصل، به شکل دایمی در معرض هجوم سرمایه‌داری و همچنین بلایای طبیعی چون توفان و سیل هستند. شبیه فیگورهای در حال رنج کشیدن نقاشی‌های بیکن که به گوشه‌ای از جهان حاشیه‌ای پرتاب شده و حتی با فریاد کشیدن‌های مدام کسی قرار نیست صدای‌شان را بشنود. دوزخی این جهانی که هر نوع فردیت را به محاق برده و نیروهای حیاتی بدن را در اصطکاک همیشگی با بدن‌های دیگر، مستحیل می‌کند. از یاد نبریم که سوژه مدرن به حداقلی از خلوت و تنهایی احتیاج دارد تا فردیت خویش را بسازد. نمایش «میز» نشان می‌دهد که این تنهایی و خلوت ناممکن شده است. در مقابل دیرزمانی است که شکاف‌های اجتماعی و سیاسی در جهان معاصر به مرز خطرناکی رسیده و حتی استعاره خانواده موفق و سالم که بر گرد یک «میز» می‌نشستند و در باب علایق‌شان گفت‌وگو می‌کردند به امری دور از دسترس بدل شده است. نهاد خانواده این روزها بحرانی است و محل نزاع والدین و فرزندان. گرچه این نهاد اجتماعی همچنان یکی از آخرین سنگرهای مردمان مستاصل و بی‌پناه است اما زیر هجوم نیروهای ویرانگر، نفسش به شماره افتاده است. در پایان می‌توان این نکته را متذکر شد که اجرای نمایشی چون «میز» را می‌توان صدایی تازه از نسل نورسیده تئاتر این مملکت دانست. بازیگرانی جوان و کم‌تجربه که با تمرین زیاد و طولانی، توانسته‌اند در خدمت اجرا باشند و سیاست‌های اجرایی موردنظر کارگردان را به نمایش بگذارند. نمایش «میز» استعاره‌ای است از آینده‌ای که با سرعت به سمت ما و خانه‌ها و زیست ما می‌آید. در این فشردگی رو به تزاید شاید دیگر جایی برای یک «میز» نباشد و این آغاز به بیرون جهیدن و یافتن یک زیستگاه انسانی‌تر است.

تئاتر-۲

نگاهی به نمایش «هملت پشتکوهی» به کارگردانی ابراهیم پشتکوهی

بارقه نوری که به مقصد نرسید

محسن خیمه‌دوز

هملت پشتکوهی نمایشی از ابراهیم پشتکوهی است که بخشی از زندگی بومی یک خانواده جنوبی را در یک برهه از تاریخ ایران (دهه شصت) بیان می‌کند. هم روایت‌های زیستی و هم روایت‌های فرهنگ جنوبی در یک نمایش در هم تنیده شده و در یک نمایش به یادگار گذاشته شده. این سنت خوبی است اگر دیگر فعالان حوزه نمایش و تئاتر سعی کنند بخشی از فرهنگ بومی خود را در یک یا چند برهه تاریخی ثبت کنند تا از این طریق نسل‌های بعد ارتباط‌شان با گذشته پیوند بخورد. امری که بسیار حساس و واجب است. نمایش «هملت پشتکوهی» در این مسیر گام برداشته که گام مهمی است و موفق هم بوده است.

هملت نامیدن نمایش هم بی‌شباهت به هملت شکسپیر نیست. جدال و خشونت خانوادگی، سرخوشی و سپس ظهور بحران و نهایتا قتل و کشتن در میان اعضای خانواده. پیچیده شدن روابط درون خانوادگی و رو شدن بسیاری از نهان‌شده‌های شخصیتی و زیستی. اینها می‌تواند مشابهت‌های «هملت پشتکوهی» را با هملت شکسپیر توجیه کند، اما چرا هملت با پسوند پشتکوهی؟ و نه هملت با پسوندی دیگر و ارجاعی دیگر؟ پشتکوهی البته فقط نام کارگردان نیست، بلکه نام محلی در جنوب و زادگاه کارگردان هم هست. از این منظر می‌توان آن را هملتی وابسته به محل پشتکوه دانست ولی از منظر نام کارگردان هم می‌توان به نام نمایش نظر کرد. اینکه هملتی که می‌بینید هملتی است که خود پشتکوهی نوشته و تجربه کرده و نه شکسپیر. از این منظر انگار تبی در بین فعالان آثار نمایشی ایجاد شده که تمایل دارند نام خود را بر نمایش یا در نمایش ذکر کنند. شاید در برخی آثار یا در مقطعی از یک اثر بتوان چنین کرد اما تبدیل شدنش به یک سنت به نظر مناسب نیست. بازی‌ها در حد و توان متن خوب اجرا شدند؛ هر چند متن جایی برای بازی‌های بهتر نداشت و از این نظر باید ویرایشی در متن صورت می‌گرفت تا فضا برای بازی‌های بهتر فراهم شود.

فرم اجرای نمایش فاقد نوآوری صحنه‌ای و بیشتر متکی به اتفاقات دراماتیک درون‌متنی بود تا ظهور فرم‌های نمایشی و این مساله جدی این روزهای تئاتر ایران است: فقدان نوآوری‌های فرمال. برخی هم که می‌خواهند در خلق فرم، تجربه‌گرایی پیشه کنند آنقدر افراط می‌کنند که متن را نابود می‌کنند یا نادیده می‌گیرند و متن نمایشی را به «دستور صحنه» تقلیل می‌دهند. با آنکه متن نمایش هملت پشتکوهی یک اتفاق مهم در روایت‌پردازی تاریخی از یک برهه حساس تاریخ ایران است و با آنکه نمایش به لحاظ فرمال حرفی برای گفتن ندارد اما در این میان یک میزانسن و یک تک‌لحظه‌ای وجود دارد که می‌تواند ابتکار فرمال کارگردانی در این نمایش باشد و شاید با همین لحظه درخشان ولی اندک بتوان فقدان نوآوری فرمال در نمایش را بخشید و نادیده گرفت و آن لحظه‌ای است که همه اعضای خانواده در برابر صفحه تلویزیون به یک‌باره فریز می‌شوند و همه محو در تماشای سریال تلویزیونی دهه شصت (احتمالا سریال اوشین). این فریزشدگی، این سکوت چندثانیه‌ای و همگانی، از لحظات بسیار درخشان نمایش است که به‌شدت تاثیر دراماتیک دارد و تا آخر نمایش هم تاثیر آن بر مخاطب باقی می‌ماند. می‌تواند تا مدت‌ها در ذهن باقی بماند و شاید تبدیل به یک نقطه‌عطف فراموش‌نشدنی نمایش شود. اجرای درست و زیبای همین چند ثانیه نشان می‌دهد که نمایش هملت پشتکوهی با قدری دراماتورژی در متن و دراماتورژی در اجرای صحنه‌ای می‌تواند به یک اثر پیشرو در تئاتر ملی ایران تبدیل شود. تئاتری ایرانی با فرمی آوانگارد و زیباشناختی که نیاز تئاتر امروز است.

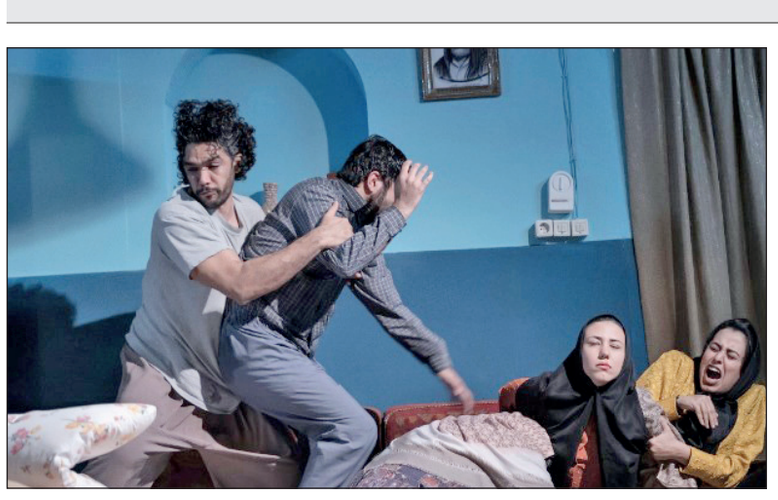

سیاست

پدیده اخلال در سخنرانی‌ها

علی مطهری

اینکه عده‌ای هر سال تلاش می‌کنند که سخنرانی حجت‌الاسلام سید حسن خمینی، نوه امام خمینی(ره) را در سالروز رحلت ایشان و در حضور مقامات کشوری و لشکری و مهمانان خارجی دچار اختلال کنند و خود را در این کار آزاد احساس می‌کنند و خیال‌شان از مواخذه و مجازات راحت است، پدیده‌ای است که مورد سوال مردم است. اینها افراد ثابتی هستند و در این مراسم جای مشخصی دارند و قطعا نهادهای اطلاعاتی و امنیتی این افراد را می‌شناسند ولی شاید فکر می‌کنند که کار آنها در جهت انقلابی‌گری است، لذا این گستاخان را آزاد گذاشته‌اند والا اگر عزمی برای برخورد با آنها بود تاکنون این پدیده خاتمه پیدا کرده بود. جای تاسف بسیار است که حتما باید رهبر انقلاب اظهار مخالفت با این کار کنند تا موضوع پیگیری شود و صدا و سیما هم به خود بیاید که چرا تاکنون از پخش سخنرانی‌های سید حسن خمینی خودداری می‌کرده است. گویی مسوولان مربوط لزوم برخورد با این عناصر را که یک امر بدیهی است درک نمی‌کرده‌اند و حتما اول باید رهبری بگوید تا آنها وارد عمل شوند. البته این قضیه سابقه طولانی دارد. اگر در سال ۹۲ کسانی که در فرودگاه شیراز با آجر و سنگ و گاز فلفل به اینجانب حمله‌ور شدند مجازات می‌شدند، یا کسانی که در حرم حضرت معصومه با مهر و کفش به رییس وقت مجلس هنگام سخنرانی حمله‌ور شدند مورد تعقیب قرار می‌گرفتند یا پس از مناظره ناجوانمردانه انتخابات سال ۸۸ فرد خاطی بلافاصله تشر می‌خورد یا اگر چندین سال قبل که در مراسم بزرگداشت رحلت امام خمینی، رییس جمهور وقت و اذنابش اجازه سخنرانی به سید حسن خمینی ندادند در همان مجلس این کار تقبیح می‌شد، قطعا این گستاخی‌ها ادامه پیدا نمی‌کرد. افرادی که این کارها را برنامه‌ریزی می‌کنند و ادامه می‌دهند احساس‌شان لااقل تاکنون این بوده که کار آنها مورد تایید حکومت و در راستای انقلابی‌گری است، چون همواره با سکوت مسوولان امر و کسانی که باید تشر بزنند مواجه بوده‌اند. امیدوارم اکنون که رهبر انقلاب به صراحت نظر خود را بیان کردند، این افراد که لااقل ادعای ولایتمداری دارند دست از کار زشت خود بردارند و بپذیرند که باید به سخن مخالف خود نیز گوش فرا دهند و آزادی بیان یکی از ارکان و آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛ ضمن آنکه این افراد نباید احتمال نفوذ صهیونیست‌ها یا منافقین در درون خود را منتفی بدانند.

دیدگاه

در مقام استادی

فیاض زاهد

در میانه اخبار دلسردکننده و نومیدی‌افزای کشور، باخبر شدم دکتر نعمت احمدی، استاد فرهیخته گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی را مفتخر به بازنشستگی کرده‌اند! نه آنکه خودش بخواهد، بلکه از بالا! گفته‌اند که قطع همکاری شود. این در حالی است که گروه تاریخ و باستان‌شناسی و دانشکده ادبیات این دانشگاه رسما خواهان همکاری با این استاد برجسته شده‌اند.

نعمت احمدی، متولد زرند کرمان است. کرمانی خوش‌قلب و انسان‌دوستی که در زندگی خود سه کار مهم را همزمان به پیش برده است. او فارغ‌التحصیل رشته حقوق از دانشگاه تهران در مقطع لیسانس و فوق لیسانس است.

ضمنا توفیق تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری در رشته تاریخ را نیز دارد. در کنار این دو وی کشاورزی است که به قول یکی از متهمان پرونده‌ای مشهور که باید از زبان خودش شنید و از خنده روده‌بر شد، او «کشاورز است و یک بیل در دست دارد.» پس ما با یک محقق تاریخ، یک وکیل برجسته دادگستری و یک کشاورز موفق روبه‌رو هستیم. اما این تنها همه ویژگی‌های خوب وی نیست. نعمت احمدی انسانی شریف و عدالتخواهی قابل تکریم هم هست.

من توفیق آشنایی با او را از دهه هشتاد دارم. با هم زندگی کرده و سفرها رفته‌ایم. البته افتخار همکاری با او را نیز داشته‌ام. بدون تردید نام او اعتباری برای دانشگاه و جامعه حقوقی کشور است. نعمت احمدی نه تنها یک استاد، بلکه فراتر از آن یک معلم است. استادها می‌توانند چیزهای خوبی به ما بیاموزند. در حوزه‌های جامع علوم و دانش بشری، درباره فرمول‌ها، رویدادها، قوانین و تحلیل پدیده‌ها. فیزیک و شیمی. با تکیه بر فرمول‌ها اتم را بشکافند و بناهای رفیع بنیان نهند و هزاران اثر هنری را تبیین کنند. اما من مقام معلمی را برتر و والاتر می‌دانم. معلم کارش ساخت و پرداخت مهم‌ترین حلقه آفرینش است. معلمی ادامه کار خداوند است. تکمیل کننده فرآیند خلقت است. برای همین است که انبیا و پیامبران در وصف آنها جملاتی متحیرکننده گفته‌اند. کار معلم ساخت و تربیت انسان است. این کار مقامی پیامبرانه است. همه ارکان و اجزای جهان و عالم را می‌توان با دانش و تکنولوژی تغییر داد؛ اما تغییر انسان بی‌اندازه مشکل است. روزی برای پاسداشت دکتر احسان اشراقی - که هر دوی ما توفیق شاگردی‌اش را داشته‌ایم - نوشته بودم که پس از انقلاب، تلقی ما این بود که می‌توانیم جهان را تغییر دهیم. سپس دریافتیم اگر قرار است جهان را تغییر دهیم باید انسان را تربیت کنیم. آنگاه دریافتم که اصلاح و تربیت یا تغییر جهان کاری بس سترگ است. مارکس گویا متسامحانه به این باور رسیده بود که اینک نوبت تغییر جهان است! مگر می‌شود جهان را به این راحتی تغییر داد. به راستی شما به عمر خویش تغییری در جهان احساس کرده‌اید؟ برای ما که در این چهاردیواری، وضعیت هر روزه بازنمایی خاطرات گذشته است. ما گرفتار خاطرات معکوسی شده‌ایم، گویا هر چه به گذشته می‌نگریم رویای فردای‌مان است. به نظر شما آیا کسی چنین به تاریخ خویش نگریسته بود؟ بگذریم. نعمت احمدی معلمی دانا، مسلط، صادق، اهل گفت‌وگو و مدارا و بسیار باسواد است. هنوز انگیزه دارد و توان. بدون تردید برای بسیاری از همکاران جوان ما مقام استادی تام دارد. همیشه با او شوخی کرده‌ام که من شاید بیشتر از تو کتاب خوانده باشم، اما هیچ‌گاه قدرت حافظه تو را نداشته‌ام. او در همه بخش‌های تاریخ سرک دوانده است. تا زمانی که به درسی تسلط نداشته باشد، از تدریس آن سرباز می‌زند. از تاریخ باستان تا تاریخ میانه را با تسلط می‌شناسد و دارای تحلیلی عمیق از سیر تحول اجتماعی و فرهنگی در ایران است. تجربه حقوقی او به غنای بحث‌هایش کمک می‌کند. دنیادیدگی به او تجربه و قدرت انتقال افزون‌تری می‌دهد. او معلم صفحات تاریخ نیست تنها، او روایتگر صادق و شیرین خود تاریخ زیسته نیز است. از نظر فیزیکی همچنان سالم و استوار است. باید عمری بگذرد تا استادی به دامنه‌های دانش او دست یابد. همه اینها به کنار، نعمت احمدی رابطه‌ای بسیار صمیمی با شاگردانش دارد، حتی دانشجویان ترم‌های اول و دوم. شاید باور کنید، برای ما معلم‌های باسابقه تدریس بالا، کنار آمدن با دانشجویان جدید و نسل جوان ایران کاری بسیار سخت و نفسگیر است. گویا ما و آن بچه‌ها از دو کره دیگر آمده‌ایم. به صراحت می‌گویم که اکثریت همکاران من قدرت ایجاد رابطه با این نسل جدید را ندارند. اما ایشان متفاوت است. دفتر و کتابخانه‌اش در چهارراه ولیعصر که دربردارنده هزاران جلد کتاب است، محل گفت و شنود و بهره‌وری از نظرات استاد است. از سویی تهاجم فرهنگی چه در نتیجه نادانی متولیان خودی و چه توفان ویرانگر هدم ارزش‌های دینی و ملی که از بیرون مرزها وزیدن گرفته و دریای مواج اندیشگی را پرتلاطم کرده، به ما دیکته می‌کند که ما به ناخداهایی از جنس نعمت احمدی نیاز داریم. به معلم‌هایی که مرعوب هیمنه داده‌های غربی نشوند و بتوانند در بعد داخلی هم در برابر جعلیات و خرافات و دروغ‌های بزرگ فرزندان‌مان را واکسینه کنند. این را هم بگویم که این مزیت بزرگ روشنفکران و اساتید برجسته دنیاست که جدا از دانشگاه قدرت رابطه با افکار عمومی را نیز دارند. هرچند این مزیت جهانی در ایران به دردسری برای همه ما بدل شده، اما یک مزیت بین‌المللی است. عمده اساتید بزرگ دنیا که می‌توانند در جراید و رسانه‌های با اهمیت قلم بزنند موجب تکریم بیشتری نیز هستند. شما روزی نیست که صفحه روزنامه‌ای را باز نکنید و نوشته‌ای نغز از او را نبینید. من امیدوارم که متولیان دانشگاه آزاد اسلامی، از دکتر علی‌اکبر ولایتی، دکتر تهرانچی و دکتر آقامیری به این موضوع ورود کنند. فرزندان ما نیازمند بزرگانی چون ایشان هستند. برای آشنایی با تاریخ ایران، برای حس افتخار وطن‌پرستی، برای نعمت زیست در این سرزمین اهورایی و دریافت بارقه‌های امید در شرایطی که از هر سو در معرض سم‌های مهلک هستند. نمی‌خواهم بگویم عمدی در این تصمیم است. کار من قضاوت در این باره نیست. اما انتظار دارم مقامات مذکور به این داستان ورود کرده و جلوی این بی‌سلیقگی را بگیرند. بگذارید فرزندان‌مان از نعمت بهره‌وری از دانش محروم نشوند. این به صواب نزدیک‌تر است.

ادامه از صفحه اول

فقط یک زمین...(۱)

مانند آنچه در کشورهای اطراف خودمان که سال‌ها درگیر جنگ بوده‌اند، مشاهده می‌شود. همچنین اقدامات زورمدارانه یک‌جانبه که به آن Unilateral coercive sanctions می‌گویند. این اقدامات هم مانند جنگ است؛ یک جنگ اقتصادی مثل تحریم‌ها که این هم کشورها را به نوعی ویران می‌کند و آسیب می‌زند. اینها مسائلی است که جوامع بشری را تهدید می‌کند و فرق هم ندارد که در یمن باشد یا در افغانستان یا اوکراین؛ در قاره آفریقا باشد یا اروپا یا آسیا که در هر صورت آثار و عوارض آن برای جوامع بشری سنگین بوده و درد و رنج زیادی را تحمیل می‌کند. اما در کنار اینها، تهدید دیگری داریم که تخریب محیط زیست و نابودی طبیعت است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که زمین را مهد انسان و محل رشد و پرورش و تعالی مادی و معنوی او قرار داده‌ایم. این در حالی است که بشریت به شدت در حال آسیب زدن به زمین است. چگونه؟ با بهره‌برداری بیش از ظرفیت زیستی آن؛ یعنی از منابع آب و خاک، جنگل‌ها، معادن، تنوع زیستی آن بی‌رویه برداشت و به جای آن آلودگی‌های فراوانی را به زمین تحمیل کرده‌ایم. مانند آلاینده‌های پایداری که سال‌ها باقی می‌ماند و به صورت طبیعی تجزیه نمی‌شوند و قدرت خودپالایی آب و هوا را کاهش می‌دهند. بنابراین شکل‌گیری اجماع جهانی به نام کنوانسیون‌هایی مانند کنوانسیون تغییر اقلیم، کنوانسیون تنوع زیستی، کنوانسیون حفظ تالاب‌ها یا رامسر که ایران بنیانگذار آن بوده، کنوانسیون استکهلم برای مقابله با مواد آلاینده پایدار، کنوانسیون روتردام در مقابله با مخاطرات سموم یا کنوانسیون وین و پروتکل مونترال در برابر تخریب لایه اوزون و کنوانسیون‌های دیگر و پروتکل‌های مرتبط با آنها مهم است، چراکه همکاری جهانی را می‌طلبد و می‌تواند با چندجانبه‌گرایی در مقابل زورگویی قدرت‌های زورگو، موازنه‌ای را برقرار کند؛ البته اگر با همکاری کشورها تقویت شوند، اما متاسفانه نتایج این تلاش‌ها و معاهدات آنچنان که انتظار می‌رفت قابل توجه نبوده و از بین همه اینها پروتکل مونترال برای حفظ لایه اوزون موفق‌ترین معاهدات ارزیابی می‌شد و بقیه جای بحث و سوال دارد. آنچه در مورد ایران به مناسبت روز جهانی محیط زیست می‌شود گفت، چیست؟ گفتیم کنوانسیون‌های جهانی از این جهت که یک اجماع جهانی را به وجود می‌آورند، اراده‌ای مشترک را به نمایش می‌گذارند و اعلام چندجانبه‌گرایی در برابر اقدامات یک‌جانبه قدرت‌های زورگو اتفاق خوبی است که می‌توان در چارچوب آن نقش‌آفرینی مثبتی داشت، ولی میزان کارایی و نتیجه و میزان تاثیرگذاری این کنوانسیون‌ها در برابر ابربحران‌های موجود که همه دنیا را تحت تاثیر قرار داده به هیچ عنوان به اندازه کافی نبوده است.

پیشخوان
Pishkhan.com

خبرخوان

شرایط زندگی در استانبول سخت شد

مرکز آمار ترکیه روز جمعه اعلام کرد که تورم در این کشور در ماه مه با ۲.۹۸ درصد افزایش نسبت به ماه قبل به ۳۹.۳۳ درصد رسید و نسبت به سال گذشته میلادی نیز تورم یک‌ساله به ۷۳.۵ درصد رسیده است. تورم پوشاک و لباس در این ماه ۲۹.۸۰ درصد، تورم بهداشت و سلامت ۳۷.۷ درصد، تورم حمل و نقل ۱۰۷.۶ درصد، تورم مواد غذایی و نوشیدنی‌های غیرالکلی ۹۱.۶ درصد و تورم لوازم خانگی نیز ۸۲ درصد ذکر شده است. این بالاترین نرخ تورم در ترکیه طی ۲ دهه گذشته است. وضعیت اقتصادی در ترکیه و به خصوص استانبول برای مردم آن بسیار سخت شده به گونه‌ای که اجاره خانه در استانبول از میانگین کف حقوق در این کشور بیشتر شده است. همچنین بخشی از مردم ترکیه به دلیل افزایش چند باره هزینه قبض برق و گاز قادر به پرداخت آنها نبوده و با قطعی برق و گاز در زمستان روبه‌رو شدند.

اطلاعیه جدید سازمان مالیاتی درباره مالیات مشاغل ۱۴۰۰

در بخشی از اطلاعیه سازمان مالیاتی آمده است؛ با هدف افزایش دامنه شمول تبصره ماده ۱۰۰، با اخذ موافقت مرجع قانونی ذی‌ربط مقرر شد سقف فروش کالا و خدمت مشمول این تبصره به ۱۰۰ برابر معافیت موضوع ماده ۸۴ قانون مالیات‌های مستقیم یعنی ۴۸ میلیارد ریال افزایش یابد. بدین ترتیب، کلیه اصحاب کسب و کار که در سال ۱۴۰۰ فروش آنها کمتر از این میزان باشد، می‌توانند از تسهیلات تبصره بهره‌مند شوند. لازم به ذکر است سقف تبصره ماده ۱۰۰ در سال گذشته حدود ۱۶ میلیارد ریال بود. بالطبع مودیانی که میزان فروش آنها بر اساس پایگاه اطلاعات سازمان امور مالیاتی بیش از ۴۸ میلیارد ریال باشد، امکان استفاده از این تسهیلات را نخواهند داشت و باید نسبت به ارایه اظهارنامه اقدام کنند.

تلاش برای افزایش قیمت مواد شوینده با کاهش عرضه در بازار

در حالی که وزارت صمت با افزایش قیمت مواد شوینده مخالفت کرده است، اما به گفته دست‌اندرکاران صنفی، برخی تولیدکنندگان با کاهش عرضه مواد شوینده به بازار تلاش می‌کنند تا موافقت وزارت صمت برای افزایش قیمت مواد شوینده را کسب کنند.

بررسی وضعیت عرضه یکی از فروشگاه‌های اینترنتی حاکی از آن است که این فروشگاه در بخش پودرهای شوینده تمام برندها را ناموجود اعلام و یکی دیگر از این فروشگاه‌ها قیمت یک پاکت ۵۰۰ گرمی پودر ماشین لباسشویی را حدود ۳۰ هزار تومان درج کرده است، البته ذکر این نکته نیز لازم است که رصد بازار نشان می‌دهد، پودر ماشین لباسشویی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای موجود است و مشکلی برای تامین آن وجود ندارد، اما به هر حال برخی فروشگاه‌های اینترنتی وضعیت عرضه این کالا را ناموجود اعلام کرده‌اند.

گزارش

سران سه قوه به بانک مرکزی اختیار کامل دادند

کنترل قیمت دلار با کدام ابزار؟

یک اقتصاددان: بانک مرکزی اراده‌ای در ثبات نرخ ارز ندارد

گروه اقتصادی

همزمان با افزایش نرخ دلار در بازار آزاد (تا مرز ۳۲ هزار تومان) سران قوا به بانک مرکزی اختیاراتی ویژه دادند تا در بازار ارز به صورت نامحدود مداخله کند. سران قوا تصمیم گرفتند علاوه بر افزایش اختیارات بانک مرکزی، معاملات آتی یا «فردایی» طلا و سکه را نیز ممنوع کنند. همزمان با این جلسه، تعدادی از صرافی‌های منتخب در ساختمان بانک مرکزی با مدیران ارزی این بانک جلسه داشتند و خبرگزاری فارس نیز به نقل از منبعی که نامش فاش نشده گزارش داد که صبح پنجشنبه، «دو نفر از دلال‌های بزرگ طلا و ارز» به دلیل آنچه معاملات غیرقانونی و گسترده طلا و ارز خوانده شده، دستگیر شده‌اند. در نبود قیمت واقعی دلار در بازار آزاد و سکوت رسانه‌ها در این باره خبرگزاری فارس تنها رسانه نزدیک به دولت بود که روز پنجشنبه تایید کرد قیمت دلار از مرز ۳۱ هزار تومان فراتر رفته است. علی صالح‌آبادی، رییس کل بانک مرکزی نیز چند روز قبل در حاشیه جلسه هیات دولت در این باره گفته بود با پوشش کاملی که در بازارها انجام می‌دهیم، قطعا آرامش در بازار ارز ایجاد می‌شود؛ البته بانک مرکزی از ظرفیت قوانین موجود استفاده می‌کند و به زودی اختیارات ویژه‌ای هم برای بانک مرکزی اضافه می‌شود و می‌تواند به تعادل در بازار کمک زیادی کند. اما کارشناسان حوزه اقتصادی بر این باورند که هر زمان بحث مداخله بانک مرکزی در بازار ارز مطرح شده هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد کلان وارد کرده است.

مقصود از مداخله بانک مرکزی چیست؟

آلبرت بغوزیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه در مورد مجوز اخیر سران قوا به بانک مرکزی برای مداخله در بازار ارز معتقد است؛ در ابتدا باید مشخص شود منظور از مداخله بانک مرکزی در بازار ارز چیست، آیا منظور این است که بانک مرکزی باید بگیر و ببند در بازار ارز راه بیندازد یا اینکه به میزان کافی ارز در بازار تزریق کند تا نرخ ارز به نرخ‌های قبلی برگردد؟

او در ادامه به «اعتماد» گفت: سوال اصلی اینجاست که آیا نرخ قبلی دلار نرخ مناسبی بوده و آیا با مجوز سران قوا نرخ ارز را به ۲۷ هزار تومان بازمی‌گردانند یا اینکه با این مجوز قصد تثبیت قیمت‌ها را دارند؟

بغوزیان گفت: در گذشته نیز با افزایش نرخ ارز بانک مرکزی و دولت بازار ارز را پلیسی کرده بودند و بستن صرافی‌ها و عدم اعلام نرخ ارز در سایت‌ها یا استقرار پلیس در خیابان فردوسی از جمله اقدامات این بانک بود و به نوعی سعی داشتند تا معاملات خارج از سیستم رسمی را کنترل کنند. اما آنچه رخ داد این بود که تا یک مدتی بازار به صورت نامرئی اداره می‌شد و پس از آن هم نه نرخی پایین آمد و نه عوامل مداخله‌گر در بازار از بین رفتند و مجددا بازار ارز به روال قبلی بازگشت و صرافی‌ها بعد از آن باز هم باج دادند و سایت‌ها هم نرخ‌ها را مجددا اعلام کردند و آن گونه که شاهد بودیم در نرخ‌هایی بالاتر از قیمت‌های قبلی قیمت دلار اعلام شد. این اقتصاددان در ادامه گفت: این تجربه‌ها نشان می‌دهد که بانک مرکزی اراده‌ای برای حفظ نرخ‌ها و ثبات آن ندارد و اگر قرار بر این است تا بانک مرکزی در بازار ارز مداخله‌ای داشته باشد مستلزم این است تا ارز کافی برای مداخله در بازار ارز داشته باشد، اما به دلیل اینکه به هر کسی در نرخ رسمی ارز فروخته نمی‌شود یا اینکه خریدها به ۲ هزار دلار در سال محدود شده است مسلما یک بازار موازی نیز تشکیل می‌شود.

بغوزیان ادامه داد: البته این موضوع برای همه بازارها صدق می‌کند و هر بازاری را که محدود به یک قیمت کنند و شرایط احراز برای آن تعیین شود در کنار آن بازار دومی شکل خواهد گرفت که نه شرایط احراز می‌خواهد و نه محدودیتی برای آن وجود دارد شبیه همین قیمتی که در حال حاضر برای قیمت دلار وجود دارد که در بازار رسمی ۲۶ هزار تومان است اما با قیمت ۳۲ هزار تومان هر میزان دلاری که بخواهید به راحتی می‌توانید تهیه کنید.

نرخ بهینه دلار حایز اهمیت است نه نرخ تعادلی

این کارشناس ارشد اقتصادی با بیان اینکه بانک مرکزی در ابتدا باید تکلیف خود را با نرخ بهینه ارز مشخص کند، تصریح کرد: آیا تقاضای ارز در بازار به گونه‌ای هست که بتواند از سوی بانک مرکزی پاسخ داده شود یا اینکه تنها بحث سوداگری در این بازار مطرح است؟ و آیا بانک مرکزی با دریافت این اختیار از سوی سران قوا خواهد توانست هر میزان ارزی که نرخ‌ها را بهینه می‌کند در بازار ارز عرضه کند؟ او افزود: بانک مرکزی ابتدا باید اعلام کند اختیار نامحدودی که از سوی سران قوا به این نهاد داده شده به چه معنی است و دوم اینکه برنامه بانک مرکزی برای این اختیارات چیست؟ آیا این اختیارات در جهت کاهش نرخ ارز است؟ و اینکه چقدر توان خرید مردم را افزایش خواهد داد؟ بغوزیان با بیان اینکه بنده معتقدم بانک مرکزی نرخ ارز را متلاطم می‌کند، خاطرنشان کرد: بانک مرکزی در کل دنیا تنها نهادی است که در تئوری و در عمل اقتدار این را دارد تا بازار ارز را مدیریت کند این در حالی است که بانک مرکزی ما در ایران ثابت کرده است که در جهت افزایش نرخ خیلی راحت می‌تواند اقدام کند اما در جهت کاهش نرخ‌ها بسیار ناتوان است. این اقتصاددان در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود اینکه بانک مرکزی اعلام می‌کند بازار اسکناس دلار در کشور بازاری کوچک است باز هم این بازار نوسان قیمتی دارد، افزود: در بازار ارز نیز بحث عرضه و تقاضا حاکم است و این دو هستند که نرخ ارز را مشخص می‌کنند بانک‌های مرکزی در دنیا این اختیار را دارند که نرخ ارز را به سمت نرخ بهینه هدایت کنند که اصطلاحا به آن مدیریت نرخ ارز می‌گویند یا رژیم ارزی که رژیم نرخ ارز مدیریت شده است اما متاسفانه بانک مرکزی کشور ما مدیریتی ندارد و نمی‌داند چه نرخی را باید برقرار کند. بغوزیان افزود: زمانی که قیمت دلار از ۲۷ هزار تومان به ۳۲ هزار تومان رسیده است به این معنی است که مدیریتی در بازار وجود ندارد. این در حالی است که با عرضه ارز نرخ‌ها را می‌توانند پایین آورند یا با کاهش عرضه نرخ‌ها را بالا ببرند و در یک محدوده‌ای نگه دارند که سه شاخصه اقتصاد کلان را بهبود بخشند (ثبات قیمت‌ها، رشد اقتصادی و اشتغال) اما متاسفانه هیچگاه از زبان روسای بانک مرکزی نشنیده‌ایم که هدف بانک مرکزی از دخالت در بازار این سه متغیر کلان باشد. او ادامه داد: هر زمان که بانک مرکزی در بازار ارز دخالت کرده از یک تا دو هفته قیمت‌ها ثابت بوده اما پس از آن قیمت کالاها بر اساس نرخ‌های جدید تعیین شده و پس از دو هفته‌ای که نرخ ارز را کاهش داده دیگر هیچ کالایی نرخش به قیمت‌های قبلی برنگشته است.

در دو دولت نرخ دلار ۳۰ هزار تومان شد اما قیمت پراید فرق داشت

بغوزیان خاطرنشان کرد: یکی از ملموس‌ترین مثال‌ها نرخ خودروی پراید است آن گونه که شاهد بودیم در دولت آقای روحانی هم نرخ دلار به ۳۰ هزار تومان رسید اما قیمت پراید بسیار پایین‌تر از نرخی بود که امروز مجددا بهای دلار در کانال ۳۰ هزار تومان قرار گرفته است و این سوال پیش می‌آید که آیا نرخ ارز اگر ثباتی داشته باشد دیگر تورمی نخواهیم داشت و قیمت‌ها آرام خواهند گرفت؟

او افزود: اگر بانک مرکزی نرخ‌ها را مدیریت نکند علاوه بر آنچه امروز بر سر قیمت لبنیات و تخم‌مرغ و... آمد و با رشد قیمتی مواجه بودیم باز هم به دلیل موج دیگر افزایش نرخ ارز بهانه‌ای جدید برای رشد قیمت این کالاها پیش می‌آید. بغوزیان گفت: بانک مرکزی به عنوان یک نهاد سیاست‌گذار پولی و ارزی باید نقش خود را به خوبی ایفا کند و بنده معتقدم این نهاد نباید به فکر سود و زیان خود باشد و در ترازنامه خود سود را نشان دهد بلکه خروجی بانک مرکزی نیز شبیه یک وزارتخانه باید باشد و تنها حفظ متغیرهای کلان اقتصادی در یک محدوده مطلوب را مدنظر قرار دهد، اما متاسفانه بانک مرکزی تنها جایی برای فروش ارز و درآمدزایی برای دولت شده است و اگر هم ارزی داشته در نرخی بالاتر فروخته است و همین است که بازار متشکل ارزی ما هم نمی‌تواند بازار ارز را مدیریت کند.

خبرخوان

تکذیب اخذ مالیات از سپرده‌های بانکی

مهدی محمدی، رییس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی خبر «شمول مالیات بر سود سپرده بانکی برای اشخاص حقیقی» را نادرست دانست و آن را تکذیب کرد. در چند روز گذشته در برخی محافل خبری شایعه شده بود که دولت قصد دارد از سپرده‌های بانکی اشخاص حقیقی ۱۰ درصد مالیات بگیرد؛ منشا این شایعات یکی از احکام پیشنهادی در پیش‌نویس لایحه مرسوم به «مالیات مجموع درآمد» است که هم‌اکنون در مراحل اولیه کارشناسی قرار دارد. این در حالی است که طبق بند ۲ ماده ۱۴۵ قانون مالیات‌های مستقیم، سود سپرده بانکی اشخاص حقیقی از پرداخت مالیات معاف است.

مقام دولتی: کارت سوخت جایگاهداران جمع نمی‌شود

علی‌اکبر نژادعلی، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران گفت: شایعاتی که در فضای مجازی منتشر شده صحت ندارد و روال مانند گذشته بوده و هیچ تغییری در شرایط ایجاد نشده است. قرار نیست از تیرماه، کارت سوخت جایگاهداران برای سوخت‌گیری با نرخ آزاد حذف شود. وی با تاکید بر اینکه هیچ تصمیمی در مورد نرخ بنزین گرفته نشده و اخبار منتشر شده در فضای مجازی و رسانه‌ای کشور در این خصوص تکذیب می‌شود، تصریح کرد: تغییری در نحوه توزیع بنزین در جایگاه‌های عرضه سوخت ایجاد نمی‌شود و قیمت بنزین یارانه‌ای ۱۵۰۰ تومان و بنزین آزاد نیز همچنان ۳۰۰۰ تومان خواهد بود.

افزایش تلاش برای بازگشت اعتماد مردم به بازار سهام

محسن خدابخش، نایب رییس هیات مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار با بیان اینکه مشکلات موجود صنایع مختلف در بورس با نامه‌نگاری‌ها از سوی رییس سازمان بورس پیگیری می‌شود، گفت: تلاش مسوولان برای بازگرداندن اعتمادهای از دست رفته در بورس دوچندان شده است. خدابخش در مورد این سوال که اکنون زمان مناسبی برای ورود سرمایه‌گذاران به بازار سهام است یا خیر، پاسخ داد: اظهارنظر سازمان بورس برای ورود یا خروج سهامداران از بازار درست نیست، اما ارایه آمار از میزان بازدهی بورس و دیگر بازارها برای بازه زمانی مشخص و در دوران تورمی بلامانع است.

پارسال چقدر وام تولیدی داده شد؟

آمار سالانه منتشر شده از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) نشان می‌دهد سال قبل بیش از ۲۴ هزار میلیارد تومان تسهیلات رونق تولید به واحدهای تولیدی پرداخت شده و ۳۱.۵ درصد از متقاضیان این تسهیلات موفق به دریافت آن شدند. البته با این وجود آماری از میزان پرداخت تسهیلات تولید و استغال در کل سال ۱۴۰۰ در دسترس نیست. در این مدت ۱۷ هزار و ۱۵۸ مورد ثبت‌نام برای استفاده از تسهیلات رونق تولید انجام شده که ۹۵۰۰ مورد برای دریافت بیش از ۵۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بانک‌ها معرفی شدند و در نهایت ۵۴۱۰ فقره تسهیلات به ارزش بیش از ۲۴ هزار میلیارد تومان پرداخت شده است؛ یعنی حدود ۳۱.۵ درصد از کل ثبت‌نام کنندگان سال قبل موفق به دریافت این تسهیلات شدند.

نوبت دوم
شناسه آگهی: ۱۳۲۶۵۶۶

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان کردستان (سهامی خاص)

فراخوان ارزیابی کیفی (شماره 5-1401)
جهت برگزاری یک مورد مناقصه عمومی جهت خرید کالا

شرکت گاز استان کردستان (مناقصه گزار) در نظر دارد به استناد قانون برگزاری مناقصات فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی پروژه‌های ذیل را طبق شرایط و مشخصات مندرج در اسناد از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) برگزار نماید.

۱- نام ونشانی دستگاه مناقصه گزار: شرکت گاز استان کردستان واقع در: سنندج - میدان جهاد - ساختمان مرکزی شرکت گاز استان کردستان

۲- موضوع مناقصه:

ردیف	موضوع مناقصه	مدت زمان تحویل (ماه)	تعداد	شماره فراخوان در سامانه ستاد
۱	خرید دستگاه جوش فلزی اینورتر تک فاز	دو(۲)ماه	یازده (۱۱) دستگاه	۲۰۰۱۰۹۱۶۸۸۰۰۰۰۲۲

۳- تولید کننده / تامین کنندگانی که دارای شرایط لازم بوده و آمادگی تامین کالای مناقصه فوق را دارند می توانند جهت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) بشرح ذیل مراجعه نمایند.

۴- شرایط اولیه متقاضیان:
۴-۱- ارائه صورت های مالی حسابرسی شده جهت مناقصات با برآورد بیش از ده برابر نصاب معاملات بزرگ
۴-۲- داشتن دانش و تجربه در زمینه مورد نظر
۴-۳- حسن سابقه
۴-۴- توان مالی و پشتیبانی

۵- نحوه دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران: کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

۶- مهلت دریافت و پاسخ اسناد استعلام ارزیابی کیفی مناقصه گران از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد):
۶-۱- تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ستاد روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ ساعت ۸ می باشد.
۶-۲- مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۳ ساعت ۱۹ می باشد.
۶-۳- مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۶ ساعت ۱۹ می باشد.

۷- اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرایند کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران واجد شرایط که امتیاز مناسب را در ارزیابی کسب نموده اند ارسال خواهد شد. بدیهی است دریافت اسناد و پاسخ استعلام ارزیابی کیفی هیچگونه حقی برای متقاضیان جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

۸- جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص موضوع کار مناقصه با تلفن ۹-۳۳۷۸۳۶۲۵-۰۸۷ امور قراردادها تماس حاصل فرمایید.

۹- داشتن کد شناسه ملی اشخاص حقوقی و ایران کد

توضیح: این آگهی در سایتهای www.nigc-kd.ir، www.shana.ir، http://iets.mporg.ir، www.setadiran.ir قابل رؤیت می باشد.

روابط عمومی شرکت گاز استان کردستان

نوبت اول

اداره کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای (ردیف ۹ و ۱۰ همراه با ارزیابی کیفی)

۱- دستگاه مناقصه گزار: اداره کل نوسازی مدارس استان کرمانشاه
نشانی: کرمانشاه- خیابان عشایر- خیابان نهضت- اداره کل نوسازی مدارس استان شماره تلفن ۹-۳۸۲۱۰۶۳۶-۰۸۳
۲- موضوع مناقصه:

ردیف	عنوان پروژه	مرتبه فراخوان	شماره فراخوان درج شده در سامانه ستاد	مبلغ برآورد اولیه براساس فهرست بهای سال ۱۴۰۱ (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	مدت انجام کار (ماه)	رشته و رتبه پیمانکاران دارای گواهی نامه صلاحیت از سازمان مدیریت و برنامه ریزی
۱	تکمیل مدارس ۲ کلاسه روستاهای دنگی و دواله ثلاث	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۲۷	۱۵.۱۰۱.۸۵۷.۷۷۲	۸۵۶.۰۰۰.۰۰۰	۳	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه شخص حقیقی: حداقل رتبه ۲ رشته ابنیه
۲	احداث مدرسه ۳ کلاسه روستای تین باینگان	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۲۸	۱۵.۶۴۹.۲۵۶.۲۵۲	۷۸۳.۰۰۰.۰۰۰	۵	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه شخص حقیقی: حداقل رتبه ۱ رشته ابنیه
۳	احداث مدارس ۲ کلاسه روستاهای سرزل جلالوند و کریان و دره بادام ناحیه ۲ کرمانشاه	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۲۹	۲۷.۲۰۵.۴۲۹.۹۲۶	۱.۳۶۱.۰۰۰.۰۰۰	۸	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه
۴	احداث سرویس بهداشتی ۲ چشمه مدارس طلسم و آسیاب موسی و... دالاهو	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۳۰	۶.۹۸۲.۹۷۹.۹۵۲	۳۵۰.۰۰۰.۰۰۰	۲	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه شخص حقیقی: حداقل رتبه ۳ رشته ابنیه
۵	احداث مدارس یک کلاسه روستاهای اکبر آباد مجرولان و دنگی عباس... سرپل ذهاب	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۳۱	۳۲.۸۱۱.۶۲۰.۶۴۸	۱.۶۴۱.۰۰۰.۰۰۰	۸	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه
۶	احداث مدارس ۲ کلاسه روستاهای دیون و توه لطیف وانارک ناحیه ۲ کرمانشاه	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۳۲	۲۷.۲۰۵.۴۲۹.۹۲۶	۱.۳۶۱.۰۰۰.۰۰۰	۸	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه
۷	احداث سرویس بهداشتی ۲ چشمه بنایی بان بید، بانسولاب، کچگ بل، کامران، تختگاه، کلینه پایدار، گل انجیر منطقه گهواره	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۳۳	۸.۹۲۷.۱۷۸.۲۰۴	۴۴۷.۰۰۰.۰۰۰	۲	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه شخص حقیقی: حداقل رتبه ۳ رشته ابنیه
۸	تکمیل مدرسه ۱۵ کلاسه تلاش ۲ ناحیه ۳	اول	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۳۴	۹.۷۳۹.۲۹۴.۳۷۲	۴۸۷.۰۰۰.۰۰۰	۳	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه شخص حقیقی: حداقل رتبه ۳ رشته ابنیه
۹	تهیه و اجرای آسفالت محوطه مدارس سطح استان کرمانشاه	دوم	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۳۵	۲۰۶.۰۳۷.۹۹۷.۱۹۲	۱.۰۳۲.۰۰۰.۰۰۰	۳	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه
۱۰	تکمیل استخر دانش آموزی روانسر	اول	۲۰۰۱۰۰۳۳۸۴۰۰۰۱۳۶	۴۹.۸۷۰.۵۵۴.۰۱۰	۲.۴۹۴.۰۰۰.۰۰۰	۶	شخص حقوقی: حداقل رتبه ۵ رشته ابنیه و تاسیسات

۳- تضمین قابل قبول شرکت در مناقصه: مطابق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ و فقط به صورت ضمانتنامه معتبر بانکی می باشد.
۴- محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، تحویل و گشایش پیشنهادها:

مهلت دانلود اسناد از سامانه ستاد	مهلت بارگذاری اسناد در سامانه ستاد و تحویل فیزیکی پاکت الف	گشایش پاکتها و پیشنهاد قیمت
مهلت دانلود اسناد از سامانه ستاد تا ساعت ۱۹ روز ۱۴۰۱/۰۳/۱۹	تا ساعت ۱۳ روز ۱۴۰۱/۰۴/۰۵	ساعت ۸:۳۰ روز ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

توضیحات: ۱- مناقصه گران بایستی علاوه بر ارائه پیشنهاد قیمت و بارگذاری اسناد و ضمانت نامه در سامانه ستاد (setadiran.ir)، پاکت الف (تضمین) را که در پاکت محافظ قرار داده می شود، بصورت فیزیکی تحویل دبیرخانه اداره نمایند. مدت اعتبار پیشنهاد حداقل ۳ ماه پس از تاریخ جلسه گشایش پیشنهادهای مالی می باشد.
۲- منبع اعتباری پروژه: ۱- کلیه ردیف های ۱ الی ۸ و ردیف ۱۰ جدول فوق: نقدی و اسناد خزانه
۲- تهیه و اجرای آسفالت محوطه مدارس: معادل صورت وضعیت حواله قیر بر اساس نمونه قرارداد
۳- مناقصه گران بایستی در سامانه Sajar.mporg.ir و setadiran.ir ثبت نام کرده باشند.

درنگ

جامعیت امام خمینی (ره)

سیدعطاءالله مهاجرانی

نهضت امام خمینی در پانزدهم خردادماه سال ۱۳۴۲ شکوفا شد. این نهضت در بهمن ماه ۱۳۵۷، یعنی پانزده سال بعد به ثمر رسید. یاران امام خمینی که در خرداد ۱۳۴۲ به تعبیر ایشان در گهواره‌ها بودند، در بهمن ۱۳۵۷ نوجوانانی شده بودند، که نام امام را در خیابان‌ها و میدان‌ها زمزمه می‌کردند. آن نوجوانان و نسل ما و نسل‌های پیش و پس از ما، افزون بر استقبال شگفت‌انگیز از امام خمینی در ۱۲ بهمن‌ماه، از فرودگاه مهرآباد تا بهشت زهرا، بار دیگر به بزرگ‌ترین بدرقه تاریخ تشییع در ایران دست زدند. از جماران تا بهشت زهراء. جمعی با پای برهنه این راه طولانی را روی آسفالت داغ، اشک ریزان و زمزمه‌کنان، طی کردند. نشانه‌ها، حاکی است که امام خمینی، در مقطعی از تاریخ ایران و اسلام، در پیچ بزرگ تاریخ یا نقطه عطف تاریخ معاصر ایران، نماد ملت ایران شده بود. بدیهی است که نمی‌خواهم نقش و حضور، پیروان دیگر ادیان توحیدی یا حتی خداناباوران را در انقلاب نادیده بگیرم. مرادم همان جریان عمومی و غالب است. جریانی که نشانه هویت جمعی ملت ایران بود. زمان و زمین و مختصات تاریخی و موقعیت انقلابی، در چهره امام خمینی خلاصه شده بود. شاید بهتر از هر کسی ابوالعلاء معرّی چنین تابلویی را برای همیشه تاریخ ترسیم کرده است. پس از ملاقات ابوالعلاء با شریف مرتضی (برادر سید رضی) هنگامی که از ابوالعلاء پرسیده بودند، سید مرتضي را چگونه یافتی؟ سروده بود:

یا سائلی عنه لمّا جئتُ أمدحُه
هذا هو الرّجُلُ العاری من العارِ
لقیتُه فرأیتُ النّاس فی رجُلٍ
والدّهر فی ساعةٍ والأرض فیٌ دار

(بحارالانوار، ج ۱۰ ص ۴۰۸) البته این شعر را به ارجانی نیز نسبت داده‌اند. مقصودم جامعیت شخصیت است. می گوید: «ای که از من می‌پرسی، هنگامی که او را دیدم، گویی همه انسان‌ها در یک شخص و همه زمانه در ساعتی و همه زمین در خانه‌ای فشرده شده بود.»

گاه شخصیتی نماد آرمان و امید و عاطفه و پویایی تاریخی یک ملت می‌شود. انقلابی بزرگ مانند انقلاب اسلامی شکل می گیرد. دهه فجر انقلاب، از ۱۲ بهمن که امام خمینی وارد ایران می‌شود، تا ۲۲ بهمن، تحقق همان انتظار و امید و آرمان است. یک دهه امام خمینی فرصت ساماندهی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی را یافت. هر چند مخالفت‌ها و مقاومت‌ها و جنگ همه‌جانبه علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی شکل می گیرد و تقریبا تمام دهه نخست انقلاب را می‌پوشاند، برای نخستین‌بار ناتو و ورشو، امریکا و شوروی با هم‌پیمانان خود و نیز تقریبا تمام کشورهای عربی منطقه به استثنای سوریه و لیبی و الجزایر و عمان، در این جنگ بین‌المللی علیه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی شرکت می کنند. گروه‌های مسلح در غرب و جنوب، و حتی در شمال و شرق کشور فعال بودند. اما نگاه امام خمینی، سخن او، صدای او، احساس و عاطفه و ایمان و خردمندی و اعتماد مردم و استقلال‌طلبی یک ملت را معماری می کند. جوانان و میان‌سالان و حتا بزرگسالان، به جبهه روی آوردند، و کلمه طیبه انقلاب و ایران، زخمی اما مقاوم بر جای ماند. امروزه شاهدیم که در جنگ اوکراین، ناتو و امریکا و اروپا در یک سویند و روسیه در سویی دیگر. کمک‌های انبوه پیدا و پنهان تسلیحاتی و نیروهای ویژه و میلیاردها دلار به سوی اوکراین سرازیر است. در جنگ علیه انقلاب و نظام و ایران، همه اینان هم‌پیمان و در یک صف بودند.

انقلاب متوقف نشد؛ نظام جمهوری اسلامی آسیب ندید، خدشه‌ای بر وحدت سرزمینی و ملی ایران وارد نیامد. اما تحریف شخصت امام، پررنگ‌تر و پیچیده‌تر ادامه یافت. تحریف ابعاد مختلفی داشته و دارد. در این نوشته تنها به یک مورد اشاره می کنم. درباره تحریف شخصیت امام خمینی و آغازگری جنگ عراق و ایران به تفصیل، در کتاب: «نقد تحریف مدرن امام خمینی، جنگ ایران و عراق» توضیح داده‌ام. تحریف دیگری که نه از سوی دشمنان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، بلکه از سوی دوستان ناخواسته، دامن زده شده است، عادی‌سازی شخصیت امام خمینی است. مرام از عادی‌سازی این نیست که امام خمینی شخصیتی فرابشری بوده است. ما پیامبر اسلام، محمد مصطفی (ص) را نیز به استناد قرآن مجید، «شخصیتی بشری» می‌دانیم. مرادم کسانی‌اند که، ابتدا به جای امام خمینی، گفتند، آیت‌الله خمینی؛ در مرحله دوم گفتند: آقای خمینی! و در مرحله سوم گهگاه می گویند: خمینی! بیشتر توجهم به لحن قول است.

بدیهی است که امام خمینی در جایگاهی در تاریخ ایران و اسلام قرار گرفته است که عنوان‌ها به او اعتبار نمی‌دهد. امام خمینی خود با صراحت گفت: «به من خدمتگزار بگویید بهتر از رهبر است.» اما اگر این آقایان و خانم‌ها، گمان می کنند می‌توانند با «آقای خمینی!» گفتن بر اعتبار خود بیفزایند یا از اعتبار امام خمینی بکاهند، راه‌شان به سوی شن‌زار روان است، به تعبیر حسان بن ثابت:

«فقولا له لیس الطریق هنالک!»

به آنان بگویید راه این نیست! به ویژه آنانی که تمام اعتبار و حیثیت و شخصیت خود را از انقلاب و امام گرفته‌اند. به روایت شاعرانه طاهره صفارزاده:

این داوران دودی شکل/ بیهوده سنگ/ بیهوده گِل/ به ساحت مهتاب می‌زنند.

حمل‌ونقل

ارزیابی موافقتنامه تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی در آسیا و اقیانوسیه

تجاری‌سازی ترانزیت ایران

الناز میاندوآبچی | زهرا آقاجانی

تسهیل تجارت فرامرزی، همواره به عنوان رویکردی برای کاهش موانع و هزینه‌های مترتب بر تجارت خارجی، بهبود رویه‌ها و حذف کنترل‌های غیرضروری بر سر راه عبور کالا از مرزها، مورد تاکید سازمان‌های بین‌المللی قرار دارد. همگام با تحولات دیجیتالی در حوزه تجارت بین‌الملل، به‌کارگیری فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی مدرن برای ساده‌سازی و اتوماسیون فرآیندهای تجاری به منظور کاهش هر چه بیشتر هزینه‌های مبادله و اخیرا نیز به عنوان راهکار موثری برای مقابله با اختلالات و محدودیت‌های ناشی از اپیدمی کووید-۱۹ در سطح جهان مورد توجه قرار گرفته است. براساس نتایج جدیدترین پیمایش سالانه تسهیل تجارت دیجیتال و پایدار سازمان ملل (۲۰۲۱)، ایران موفق به کسب امتیاز ۷۷،۴۲ درصد شده است که علاوه بر بالاتر بودن آن نسبت به متوسط منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (۵۳،۵۳)، در مقایسه با امتیاز ۶۴،۵۲ درصد آن در سال ۲۰۱۹ نیز پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشته است. درصدهای اخذ شده برای هر یک از ارکان این شاخص در سال ۲۰۲۱ به ترتیب عبارتند از: ترتیبات و همکاری‌های نهادی (۱۰۰ درصد)، شفافیت (۸۰ درصد)، تشریفات اداری (۶۶،۶۷ درصد)، تجارت بدون کاغذ (۹۶،۳ درصد) و تجارت بدون کاغذ فرامرزی (۵۰ درصد). لازم به ذکر است که اگر چه در گزارش سال ۲۰۲۱ وضعیت ایران بهبود قابل ملاحظه‌ای در برخی معیارها داشته است، اما ارزیابی‌های این گزارش اساسا مبتنی بر پرسشنامه‌های خوداظهاری شده توسط تیم منتخب ارزیابی بوده و درک و استنباط صحیح افراد از وضعیت اجرای معیارها تاثیر مستقیمی بر عملکرد نشان داده شده دارد. لذا به نظر می‌رسد در برخی حوزه‌ها، درصد پیشرفت درج شده تفاوت آشکاری با واقعیت‌های میدانی دارد. سازمان ملل، تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی را بالاترین سطح تسهیل تجارت در مسیر تحقق زنجیره‌های تامین بین‌المللی یکپارچه در سطح جهان می‌داند. به اعتقاد این سازمان، به‌رغم استفاده روزافزون از اسناد الکترونیکی در مرزها، اجرای فرآیندهای تجارت فرامرزی بدون کاغذ عملا محدود بوده و دولت‌ها در سراسر آسیا و اقیانوسیه باید از فرآیندهای مبتنی بر کاغذ به رویه‌های الکترونیکی با قابلیت ردیابی گذر کنند. این موضوع در کنار امتیاز ۵۰ درصدی کشورمان در شاخص تجارت بدون کاغذ فرامرزی، نشانگر لزوم توجه جدی سیاستگذاران و متولیان به این مهم است.

در این رابطه، موافقتنامه تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی در آسیا و اقیانوسیه در سال ۲۰۱۶ با تمرکز بر موضوع تسهیل و تسریع تبادل الکترونیکی اطلاعات تجاری (و حمل‌ونقل) بین کشورهای عضو شکل گرفته است. این موافقتنامه چارچوبی را ارایه می‌دهد که هدف آن تسهیل مبادلات فرامرزی به واسطه ایجاد محیط نهادی و قانونی مناسب و استفاده از سیستم‌های نرم‌افزاری نظیر سیستم‌های گمرک دیجیتال، پنجره واحد تجارت و سیستم‌های الکترونیک مدیریت بندری است. این چارچوب علاوه بر توسعه این توانمندی‌ها در داخل کشورهای عضو، بر شکل‌گیری همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه به منظور تبادل الکترونیکی اطلاعات تجارت فرامرزی تاکید دارد. این موافقتنامه پس از به حد نصاب رسیدن اعضای آن (عضویت آذربایجان، فیلیپین، ایران، بنگلادش و چین) در ۲۰ فوریه ۲۰۲۱ رسمیت یافت. چندین عضو دیگر اسکاپ نیز در حال پیوستن به آن هستند، اما اجرای جدی آن از سال ۲۰۲۲ خواهد بود.

در ارتباط با بحث ترانزیت، این موافقتنامه موضوعات زیر را مورد توجه قرار داده است:

■ لزوم آگاهی اعضای موافقتنامه نسبت به اهمیت به رسمیت شناختن و مبادله متقابل الکترونیکی داده‌ها و اسناد، مخصوصا بین کشورهای فاقد دسترسی به دریا و کشورهای ترانزیتی و تاثیر آن بر کاهش زمان و هزینه ترانزیت از این کشورها؛

■ تبادل داده فرامرزی برای اسناد الکترونیکی ترانزیت بین کشورهای عضو موافقتنامه، به‌طوری که در کل مسیر جابه‌جایی از کشور مبدا تا کشور مقصد، تنها یک‌بار اظهار گمرکی انجام شده و از یک ضمانتنامه ترانزیت واحد استفاده شود؛

■ تاثیر عضویت کشورها در سایر معاهدات مرتبط با حمل‌ونقل و ترانزیت که به کارگیری اسناد الکترونیکی معادل اسناد کاغذی را در بین اعضای خود به رسمیت بشناسند؛

■ اهمیت پیاده‌سازی سیستم‌های پنجره واحد تجاری در کشورهای عضو به منظور تسهیل فرآیندهای واردات، صادرات و ترانزیت و اتصال این سیستم‌ها به یکدیگر در قالب سامانه‌های تجارت بدون کاغذ در سطوح دوجانبه، چندجانبه و منطقه‌ای: براساس گزارش تسهیل تجارت دیجیتال و پایدار (۲۰۱۹)، با وجود اینکه نزدیک به ۷۰ درصد اقتصادهای آسیا و اقیانوسیه در حال کار روی سیستم‌های پنجره واحد خود هستند، اما حداقل یک‌سوم از این سیستم‌ها هنوز در مرحله طراحی و اجرای آزمایشی قرار دارند. اتصال پنجره‌های واحد تجاری کشورها با یکدیگر نیز اغلب در مرحله آزمایشی بوده و تنها استثنا مربوط به پنجره واحد آسه‌آن است که از سال ۲۰۱۸ فعالیت می‌کند. بر اساس توضیحات فوق، این موافقتنامه از ظرفیت‌های قابل توجهی برای تسهیل ترانزیت برخوردار است و در صورت عضویت کشورهای واقع‌شده در مسیر کریدورهای عبوری از ایران و همکاری نزدیک آنها با یکدیگر می‌تواند نقش موثری را در کمک به تحقق تجاری‌سازی ترانزیت ایفا کند. البته باید خاطرنشان شود که دامنه اعضای این موافقتنامه در مقایسه با موافقتنامه تسهیل تجاری سازمان جهانی تجارت که بیش از ۱۵۰ کشور عضو آن هستند، بسیار محدود است. لذا ضرورت دارد معیارهای جهانشمول موافقتنامه تسهیل تجاری به منظور بهبود محیط کسب‌وکار، کاهش هزینه‌های مبادله و توسعه صادرات، به‌طور جدی در دستور کار متولیان امر قرار گیرد.

نکات کلیدی:

■ شکل‌گیری همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین ایران و دیگر کشورها در قالب این موافقتنامه: ماده ۱۳ قانون موافقتنامه چارچوب تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی (مصوب ۱۳۹۸)، به ارتقا و تسهیل تجارت به واسطه اجرای برنامه‌های آزمایشی مبادله داده‌های تجارت فرامرزی و به اشتراک‌گذاری دروس آموخته شده از اجرای آنها با دیگر اعضا می‌پردازد. تحقق این بند به واسطه انعقاد موافقتنامه‌ها و تفاهمنامه‌هایی برای مبادله دوجانبه و چندجانبه این داده‌ها بین کشورهای عضو صورت می‌گیرد. شکل‌گیری چنین همکاری‌هایی از سوی ایران، پیش از هر چیز نیازمند ترغیب کشورهای منطقه و دیگر اعضای کریدورهای ترانزیتی عبوری از کشور برای پیوستن به موافقتنامه تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی است، چرا که در حال حاضر در منطقه جز ایران، تنها آذربایجان عضو رسمی موافقتنامه بوده و ارمنستان نیز آن را امضا کرده است.

■ ارتباط اجرای موافقتنامه تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی با پروژه تیر الکترونیک: پروژه تیر الکترونیک به منظور ایجاد بستری برای مبادله داده‌ها بین ذی‌نفعان سیستم در کشورهای عضو کنوانسیون تیر به عنوان مهم‌ترین مقررات بین‌المللی حمل‌ونقل جاده‌ای در دست انجام است و تعدادی از اعضای علاقه‌مند این کنوانسیون در حال اتصال سامانه‌های گمرکی خود به این سیستم هستند. اجرای این پروژه که خود بخشی از تجاری‌سازی ترانزیت محسوب می‌شود، از مصادیق تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی است که البته دامنه شمول اعضای آن با موافقتنامه مزبور متفاوت است.

■ تسریع در تکمیل و استقرار سامانه جامع تجارت ایران و پیوستن دستگاه‌های اجرایی اصلی به آن: مواد ۷ و ۸ قانون موافقتنامه تسهیل تجارت بدون کاغذ فرامرزی، به تسهیل تجارت به کمک سامانه‌های تجارت بدون کاغذ (نظیر سیستم پنجره واحد) در سطح ملی توسط کشورهای عضو و سپس اتصال آنها به یکدیگر در سطح جهانی پرداخته است. بنابراین تسریع در تکمیل نواقص سامانه جامع تجارت و زیرسامانه‌های آن به خصوص در حوزه تجارت فرامرزی مانند گمرک جهت تسهیل فرآیندهای ترانزیتی ضروری است.

■ لزوم تدوین سند راهبردی و نقشه راه تجارت الکترونیک: ماده ۶ قانون چارچوب موافقتنامه مذکور، به تدوین چارچوب سیاست ملی تجارت بدون کاغذ توسط کشورهای عضو اشاره کرده است که نشان از اهمیت آن دارد. با توجه به عدم وجود سند راهبردی در حوزه تجارت الکترونیک کشور، ضروری است نسبت به تدوین چنین سندی اقدام شود. لازم به ذکر است که کارگروه فنی موافقتنامه در حال تهیه الگویی برای تدوین این چارچوب توسط کشورهای عضو است که در همین ارتباط در دسامبر ۲۰۲۰، مطالعه اولیه‌ای مشتمل بر بررسی تجربیات کشورهای آسیا و اقیانوسیه، ارایه چارچوب پیشنهادی برای سیاست ملی تجارت بدون کاغذ و خطوط راهنما و مراحل تدوین آن منتشر شد.

اعضای هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

مسکن

جزییات طرح دوفوریتی مجلس برای کنترل اجاره‌بها

تنبیه و تشویق مالیاتی صاحبخانه‌ها

نمایندگان مجلس به‌منظور کنترل و ساماندهی اجاره‌بهای املاک مسکونی به دنبال تصویب طرح دوفوریتی هستند که براساس آن موجرانی که از قانون پیروی کنند تسهیلات مسکن با بازپرداخت آسان‌تر و موجرانی که سقف افزایش اجاره را رعایت نکنند با مالیات مضاعف روبه‌رو خواهند شد. دوفوریت این طرح به تصویب مجلس رسیده و هم‌اکنون در حال بررسی در کمیسیون مربوطه است.

بنابر گزارش‌های بانک مرکزی از تحولات بازار مسکن، نرخ تورم ماهانه این بخش در حال افزایش است به‌طوری که نرخ تورم ماهانه بخش اجاره مسکن از ۲ درصد در فروردین ماه به ۲،۵ درصد در اردیبهشت ماه رسیده است. بازار مسکن مانند سایر بازارهای خودرو و ارز هدف اقدامات گسترده کنترلی از سوی دولت و مجلس قرار گرفت، اما بررسی‌های میدانی حاکی از آن است که هیچ یک از این اقدامات در افسار گسیختگی نرخ اجاره‌بها کارساز واقع نشد.

در اواخر اردیبهشت ماه ستاد تنظیم بازار سقف افزایش اجاره‌بها در تهران و شهرستان‌ها را تعیین کرد؛ در این جلسه که به ریاست معاون اول رییس جمهور برگزار شد، سقف افزایش اجاره‌بهای مسکن نسبت به اجاره‌بهای سال ۱۴۰۰، در تهران حداکثر ۲۵ درصد، کلانشهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت ۲۰ درصد و سایر شهرها ۱۵ درصد به تصویب رسید.

به گفته مشاوران املاک اما دور زدن این مصوبه به راحتی و در بین مالکان و مستاجران اتفاق می‌افتد به این شکل که مستاجران برای اجاره قراردادی را با مالک و از سوی دیگر نیز قراردادی را با مشاوران املاک می‌بندند و در قراردادی که با مالک بسته می‌شود افزایش اجاره‌بها از سقف ۲۵ درصدی گذر کرده است. براساس این مصوبه، سازمان تعزیرات حکومتی مکلف شد تا با مشاوران املاک متخلف که این سقف افزایش را رعایت نکنند، برخورد کند.

به گفته مشاوران املاک اما بیش از نیمی از مالکان اجاره‌بهای خود را در سال ۱۴۰۱ تا دو برابر افزایش داده‌اند و در این بین مبلغ رهن را افزایش نداده‌اند و گویا به این نتیجه رسیده‌اند که از ارزش مبلغ رهن تا پایان قرارداد به دلیل فشارهای تورمی کاسته خواهد شد و در این بین اقبال برای اخذ اجاره ماهانه افزایش پیدا کرده است.

از سوی دیگر دولت و مجلس برای کنترل بازار مسکن اقدامات مالیاتی گسترده‌ای انجام دادند؛ این اقدامات مالیاتی از مالیات‌دهی مالکان خانه‌های خالی آغاز شد که فهرست نهایی این خانه‌ها در زمستان سال ۱۴۰۰ به سازمان امور مالیاتی ارسال شد. براساس قانون مالیات خانه‌های خالی مصوب آذرماه سال ۱۳۹۹، اگر واحد مسکونی در شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر بیش از ۱۲۰ روز خالی از سکنه باشد، مشمول مالیات می‌شود و به‌ازای هر ماه بیش از زمان مذکور، ماهانه مشمول مالیاتی بر مبنای مالیات بر درآمد اجاره به شرح ضرایب سال اول معادل ۶ برابر مالیات متعلقه، سال دوم معادل ۱۲ برابر مالیات متعلقه و سال سوم به بعد معادل ۱۸ برابر مالیات متعلقه خواهد شد.

نمایندگان مجلس در حالی با طرحی دوفوریتی درصدد دخالت در بازار اجاره مسکن هستند که مطابق اصول حقوقی (اصل آزادی قراردادها) و فقهی (اصل تسلیط ۱) مداخله اشخاص ثالث از جمله حاکمیت در حوزه توافقات خصوصی افراد از قبیل تعیین میزان ثمن معامله، میزان اجاره‌بها، میزان مهریه و نحوه پرداخت آنها ممنوع شمرده می‌شود. لذا دخالت قانونگذار یا دولت در زمینه تعیین موارد مذکور و نحوه توافقات اشخاص در عقود و معاملات خصوصی، از نظر شرع و قانون اساسی مورد ایراد شورای محترم نگهبان واقع خواهد شد.

به اینکه وصول اجاره‌بها توسط موجران، یکی از راه‌های درآمدزایی توسط آنان محسوب می‌شود، حاکمیت می‌تواند در راستای ساماندهی و تنسیق این موضوع، مبادرت به اتخاذ سیاست‌های تشویقی و تنبیهی کند تا بدین ترتیب موجران به اخذ اجاره‌بهای کمتر تشویق و از دریافت اجاره‌بهای غیرمتعارف بر حذر داشته شوند.

در این راستا در طرح مجلس پیشنهاد شده که آن دسته از موجران که قرارداد اجاره خود را در دفتر اسناد رسمی یا در سامانه املاک و اسکان موضوع ماده (۱۸) قانون جهش تولید مسکن ثبت کرده و میزان اجاره‌بهای آنها به میزان افزایش شاخص سالانه کالاها اعلامی از سوی بانک مرکزی به ترتیب مذکور در ماده (۵۲۲) قانون آیین دادرسی مدنی باشد، از امتیاز دریافت تسهیلات خرید و بازسازی مسکن به صورت خارج از نوبت و با تضامین و نحوه بازپرداخت آسان‌تر از سایر داوطلبان بهره‌مند شده و عوارض و مالیات وصولی از آنها کاهش یابد.

در نقطه مقابل، موجرانی که در قرارداد اجاره خود، اجاره‌بها را به میزان بیش از شاخص فوق‌الذکر افزایش داده باشند، در خصوص مبلغ مازاد، مکلف به پرداخت مالیات بر درآمد اجاره به نحو مضاعف شوند. بدین ترتیب می‌توان راهکاری در نظر گرفت که بدون دخالت مستقیم در توافقات خصوصی اشخاص در معاملات و ایراد حقوقی و شرعی مترتب بر آن و در عین حال، با تنظیم‌گری و سیاستگذاری، افراد به تعیین اجاره‌بهای متعارف سوق داده شوند.

همچنین با پیش‌بینی برخی سازوکارهای غیر کیفری ضمانت اجراهای مناسبی را برای الزام موجرین به ثبت قرارداد خود در سامانه‌های مربوط پیش‌بینی کرد که این سازوکارها می‌تواند از باب تعزیر پیش‌بینی شود.

باید توجه داشت که کارشناسان همواره بر نقش مالیات به عنوان ابزار تنظیم‌گری دولت تاکید دارند. در این طرح نیز بر نقش مالیات در این حوزه تاکید شده است، چرا که حاکمیت نمی‌تواند به صورت مستقیم در بحث اجاره وارد شود. در نتیجه از مالیات به عنوان یک ابزار تنبیهی برای موجرانی که اجاره را از سقف تعیین شده بالاتر ببرند، استفاده خواهد شد.

قانون

نظم و انتظام اجتماعات

محمدجلیلیان

دیروز ۱۴/ خرداد/۱۴۰۱ در مراسم شکوهمند سالگرد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و هنگام سخنرانی آیت‌الله سید حسن خمینی در جمع حاضرین، تعدادی اندک با فریاد و هیاهو در میان حاضرین و در مرقد امام خمینی(ره) با برنامه‌ریزی قبلی و به قصد اغتشاش در صوت و تصویر سخنران خاص مراسم، اقدام به برهم زدن نظم موجود را داشته و بدین گونه در مراسمی در تراز ملی و با انعکاس جهانی که به صورت مستقیم از ده‌ها شبکه داخلی و خارجی رصد می‌شد، اخلال کردند. نکاتی چند در این خصوص قابل تامل است:

۱) همان‌گونه که تصاویر نشان می‌دهد مخلان این اجتماع، تعداد اندکی از انبوه جمعیت حاضر با فغان و ارتعاشات صوتی و هماهنگی قبلی اقدام به این ناهنجاری کردند.

۲-این حرکت مسبوق به سابقه بوده، سالانه وارثان این تفکر جنجالی در همین مکان آن را تکرار و درصدد هتک حرمت رجال خاص انقلاب از میان سخنرانان، از قبیل مرحوم هاشمی‌رفسنجانی؛ علی لاریجانی و سید حسن خمینی بر آمده‌اند.

۳- جنجال‌گران، ویترینی از آمرانی هستند که در ورای این صحنه‌آرایی، منافع سیاسی خود را جست‌وجو می‌کنند، غافل از اینکه با دست‌یازی‌های کوتاه‌مدت به این اهداف به ستون‌های کشور و انقلاب آسیب رسانده و خواهند رساند.

۴- منافع آمران در چیست؟ صدای سخنران به جمع حضار نرسد؟! در انعکاس داخلی سخنران را بی‌ارج و منزلت جلوه دهند؟! و آیا پیامی خاص برای جهانیان از این تریبون جهانی را دارند که خوب دیده شوند؟! یا آیا همه گزینه‌ها را با هم جست‌وجو و تعقیب می‌کنند؟!

۵- سخنران اصلی مراسم رهبری انقلاب بود که هنگام ایراد سخنرانی معترضین ساکت و آرام شده و به مستمعینی منظم تبدیل می‌شوند که این عملکرد جنجالیون خود همراه با پیامی خاص است که با اخذ تاییدیه ضمنی، جلوه‌گری در دوئیت و چندگانگی جمع حاضر بنماید که با تعریض رهبری معظم به جنجالیون موضع روشن و شفاف شد.

۶) آمران و مجریان این هیاهو را در صفوف و دسته‌بندی‌های سیاسی داخلی باید جست‌وجو کرد و یافت، آیا این حرکت، پیام خاص داخلی، مبنی بر تبعیت تام از رهبری انقلاب و اعلام انزجار از خطیب خاص را دارد؟!

۷) همه می‌دانیم انقلاب با انسجام و استحکام داخلی و رهبری بی‌نظیر به پیروزی و استحکام رسید، استمرار و قوام یافت، نمایان ساختن هرج و مرج داخلی و دوئیت‌نمایی، دوگانگی و افتراق در یک مراسم ملی و آن هم در حضور همه مسوولان نظام، سفرا و دیپلمات‌های خارجی و درمرأي و منظر جهانیان بر خلاف منظور حاکمیت که قصد رونمایی از وحدت در عین تکثرات فکری و جناح‌بندی‌های سیاسی دارد، جرمی مشدد و عقوبتی نابخشودنی همراه خواهد داشت.

۸) اعلام موضع رسمی، علنی و شرعی مقام معظم رهبری در پایان سخنرانی مبنی بر مخالفت آشکار با این جنجال‌آفرینی، قلم قرمز کشیدن بر این گونه اقدامات سخیف، سطحی و جنجال‌آفرینی‌های بی‌محتوا و نامعقول است.

۹) آقای سید حسن خمینی در شب همان روز و در شبکه سراسری سیمای ایران در مقام تبیین اوصاف بنیانگذار انقلاب، علت و مبانی و استمرار انقلاب بر آمدند، قدرت تحلیل و استدلال، روشن ضمیری و نزهت فکری و باطنی را با بیان رسا، قوی و پرمغز و نغز ارایه داد و مخاطبین را مجذوب و یکی دیگر از اهداف آمران که خاموش کردن این جلوه‌های نورانی است، ابتر ساخت.

۱۰) آمران این جنجال مدت‌های مدیدی است درصدد تنزیل اعتبار این سخنران خاص با اقداماتی نظیر؛ بسترسازی رد صلاحیت و ممانعت از ورود به رقابت‌های انتخاباتی، هیاهو در مراسمات و نشانه‌گذاری بر اعقاب و نیاکان و تبار وی بر آمده‌اند، که انتساب دو سر به سلسله سادات و مرجعیت تاریخی، خلق و منش جوانمردانه و مهربانی‌های فردی، مواضع اصولی و چارچوبه‌دار سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، تاییدات بی‌شمار مراجع تقلید که در مقام استادی وی بوده‌اند، انبوه شاگردان مستعد، تالیفات بی‌شمار در حوزه فقهی، تاریخی، فقاهت و...، نویدبخش رویش جدید جوان اول دهه پنجاهی در حوزه فقاهت با انتاج و امتزاج نسل پرافتخار خمینی؛ طباطبایی و صدر، در آینده تاریخ تشییع خواهد داد. این وعده الهی تخلف‌ناپذیر بر باورمندان مسلمان تحقق‌پذیر است؛ (یُرِیدُون لِیُطفِئُوا نُورَالله بِأفْواهِهِم والله مُتِمُّ نُورِهِ ولوْ کرِهَ الکافِرُون (۸) می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گرچه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید. سوره الصف آیه۸)

۱۱) با توجه به تکرر این اقدامات در مراسم سالانه مرقد امام خمینی و ریشه‌دار بودن و عمق داشتن این اقدامات توسط بانیان و مجریان آن، تعقیب قضایی به منظور مجازات و شناسایی عقبه آنان مورد انتظار است.

دوره کوتاه سکانداری عدلیه توسط جناب آقای محسنی‌اژه‌ای که الحمدلله مستظهر به بی‌طرفی، تعقل، تدبر و راهبرد رفتاری که همراه با حلم و سلوک عادلانه بوده است، انتظار می‌رود ضمن شناسایی عقبه این جنجال‌آفرینان، تعقیبات قانونی و قضایی صورت گیرد و ملت بزرگ ایران شاهد و ناظر محاکمات آنان به صورت علنی که از مطالبات رهبری معظم است، باشند.

پشخوان
Pishkhan.com

گزارش

روزانه بیش از سه هزار هکتار از عرصه‌های طبیعی ایران تخریب می‌شود

یک زمین و یک ایران بیشتر نداریم

مژگان جمشیدی

همزمان با روز جهانی محیط زیست و برگزاری جشن این روز در بسیاری از کشورهای جهان با شعار «یک زمین بیشتر نداریم» در سال ۲۰۲۲ میلادی، نگرانی از وضعیت محیط زیست و حافظان آن در ایران و اعمال سیاست‌های منجر به ناپایداری سرزمین و تخریب محیط زیست بیش از پیش شدت گرفته است.

کشور ایران که زمانی نه چندان دور، پایه گذار نخستین کنوانسیون محیط زیستی جهان برای حفاظت از تالاب‌های جهان بود اکنون بیش از دو دهه است از شرم آنچه بر سر تالاب‌های ملی و بین‌المللی مان آمده، عملا سر به زیر افکنده است.

از هامون و بختگان و پریشان و شادگان و هورالعظیم بگیر تا ارومیه و گاوخونی و جازموریان، پهنه‌های آبی ایران یکی پس از دیگری در دو دهه اخیر به بیابان‌هایی چند صد هزار هکتاری تبدیل شده‌اند و انگشت‌شمار تالاب‌هایی هم که هنوز نفس‌های آخر را می‌کشند یا مانند تالاب انزلی به محل تخلیه فاضلاب و پسماند بدل شده، یا مانند میانکاله، در حالی که هر سال از وسعت آن کاسته می‌شود و پرندگانش چند سالیست به دلایل نامعلوم به صورت فله‌ای می‌میرند و جنگل‌هایش نیز پیوسته در آتش می‌سوزند، هم اکنون با دستور صریح رییس دولت سیزدهم برای اجرای طرح گردشگری و توسعه صنایع نفتی و پتروشیمی در حاشیه خزر در مواجهه با پتروشیمی، جاده سازی، لایروبی پرحاشیه و بدون مجوز سازمان محیط زیست و ساخت و ساز در جزیره آشوراده، در معرض نابودی قطعی قرار گرفته است.

اما اوضاع جنگل‌ها و مراتع ایران، سواحل، حیات وحش، منابع آب، خاک و هوای ایران نیز بهتر از اوضاع تالاب‌ها نیست! چه بسا بدتر هم باشد. با این حال و در شرایطی که انتظار می‌رفت بعد از گذشت بیش از نیم قرن از تاسیس سازمان حفاظت محیط زیست در ایران و تلاش برای ایجاد شبکه مناطق حفاظت شده در همان نخستین سال‌های تاسیس سازمان حفاظت محیط زیست، وضعیت طبیعت ایران از یک پایداری نسبی برخوردار باشد اما اکنون اوضاع محیط زیست ایران به گواه مشاهدات عینی و آمارهای موجود در حوزه آب و خاک و هوا، اکوسیستم‌ها و حیات وحش بسیار بحرانی است. اینقدر که نسل بسیاری از گونه‌های جانوری و گیاهی ایران در معرض انقراض قرار دارد، فرسایش خاک به دلیل تخریب گسترده جنگل‌ها و مراتع و چرای بی رویه دام، توسعه بی ضابطه معادن و کشاورزی و تغییر کاربری اراضی شدت گرفته، بیلان آب‌های زیرزمینی به‌طور چشمگیری کاهش یافته به‌طوری که اکثر قریب به اتفاق دشت‌های ایران به عنوان مناطق ممنوعه و دشت‌های بحرانی معرفی شده است و فرونشست زمین نیز، دیگر نه فقط در دشت‌ها و مناطق روستایی که حتی به داخل شهرهایی چون تهران و اصفهان و ... هم گسترش یافته است.

با این وجود و در حالی که شاید دهه ۹۰ آخرین فرصت‌ها برای تدوین سیاست‌ها و اتخاذ راهکارهای مقابله با تخریب محیط زیست کشور بود، اما این فرصت هم عملا از دست رفت و نه تنها تغییر مثبتی در سیاست‌ها و برنامه‌ها و بهبود حکمرانی سرزمین ایجاد نشد، بلکه تخریب محیط زیست کشور با اعمال سیاست‌هایی که منجر به تشدید ناپایداری سرزمین می‌شد، شدت یافت.

زنگ خطر چه زمانی به صدا در آمد؟

با پایان یافتن جنگ ۸ ساله ایران و عراق و آغاز دوران سازندگی، موج تازه‌ای از تخریب محیط زیست ایران در میانه دهه ۷۰ آغاز شد. رشد جمعیت در دهه ۶۰ و تخریب‌های به جامانده از دوران جنگ و به حاشیه رانده شدن محیط زیست در این دهه با آغاز دوره سازندگی پس جنگ و گسترش راه‌ها و صنایع و بنادر و اسکله‌ها بدون توجه به ملاحظات محیط زیستی ادامه یافت. در همین حال وقوع سیل‌های ویرانگر ناشی از تخریب جنگل‌ها و مراتع نیز به تدریج آغاز شد و با شکل گیری تشکل‌های محیط زیستی غیردولتی در نیمه دهه ۷۰ و افزایش میل به مشارکت در کارهای مدنی از جمله محیط زیست از سوی جوانان موجب جلب توجه بیشتر رسانه‌ها به محیط زیست شد. اما دو دهه اعمال سیاست‌های غلط بهره کشی از منابع آب به بهانه توسعه کشاورزی در کشور که منجر به وقوع پدیده خشکیدگی بسیاری از تالاب‌ها و دشت‌ها و نابودی جنگل‌ها و مراتع در نتیجه گسترش شهرک‌های مسکونی و باغ ویلاها شده بود در دهه ۸۰ نیز با توسعه صنایع آب بر در اصفهان و یزد و کرمان و گسترش معادن در این دهه ادامه یافت. اوضاع وخیم محیط زیست ایران که از اواخر دهه ۷۰ کم کم در حال آشکار شدن بود و کمتر کسی از مقامات آن را باور می‌کرد مرتبا هشدار داده می‌شد اما گاه برخی از این هشدارها با واکنش مسوولان کشوری مواجه می‌شد اینقدر که اواخر دولت هشتم و در حالی که سازمان محیط زیست نسبت به خشک شدن دریاچه ارومیه هشدار می‌داد اما جمعه ارومیه با بیان اینکه نباید به بهانه حفظ ۴ تا پرنده در دریاچه، مانع توسعه کشاورزی شد به این هشدارها واکنش نشان داد. اما یا گذشت کمتر از یک دهه از سخنان امام جمعه و خشکیدگی ارومیه در نتیجه ساخت بیش از ۴۰ سد در حوضه آبریز دریاچه برای توسعه کشاورزی، و شدت گرفتن توفان‌های نمکی و خطر نابودی باغات و زمین‌های کشاورزی، یک موضوع محیط زیستی برای نخستین بار به موضوعی اجتماعی و امنیتی و سیاسی بدل شد به‌طوری که برخی از معترضان به خشک شدن دریاچه به خیابان‌ها آمدند.

تبدیل بحران‌های محیط زیستی به بحران‌های سیاسی و اجتماعی بعد از سال ۱۳۸۹ و اعتراضات مردمی در ارومیه و تبریز در شهرهای دیگر کشورمان در خوزستان و چهارمحال و بختیاری هم ادامه یافت و معترضان به کمبود آب و وقوع گرد و غبار و طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای اعتراض کردند.

اما گسترش پیامدهای نابودی محیط زیست با اینکه از سال ۱۳۹۶ منجر به اعتراضات گسترده‌تری در برخی شهرها شد اما باز هم منجر به اتخاذ سیاست‌های بازدارنده تخریب محیط زیست نشد. آغاز دوره جدیدی از طرح‌های توسعه‌ای با محوریت آب و زمین، توسعه معادن و صنایع پتروشیمی و فولاد، طرح توسعه ۵۵۰ هزار هکتاری کشاورزی خوزستان، تلاش برای استحصال آب‌های ژرف و آغاز موج جدیدی از طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای و امنیتی کردن موضوع محیط زیست با بازداشت چند تن از فعالان محیط زیست که منجر به توقف بسیاری از طرح‌های حفاظتی در حوزه حیات وحش کشور شد، عملا نشان داد که قرار نیست بازنگری در سیاست‌های توسعه‌ای کشور متناسب با اقلیم و منابع موجود اتخاذ شود.

موتور تخریب طبیعت ایران سرعت گرفته است

برای اینکه دریابید طبیعت ایران با چه سرعتی در حال تخریب است، بیایید نفس خود را برای ۱۰ ثانیه در سینه حبس کنید! بله! در همین زمان کوتاه، سه‌هزار و ۵۰۰ متر مربع از جنگل‌ها و مراتع کشورمان تخریب شد. حالا به عقربه ثانیه‌شمار ساعت‌تان نگاه کنید، وقتی یک دقیقه کامل شود، حجم تخریب جنگل‌ها و مراتع کشورمان به ۲۱ هزار متر مربع می‌رسد! درست به همین سادگی، هرروز حدود ۳۰ میلیون متر مربع (معادل ۳ هزار و ۲۰۴ هکتار) از زیستگاه‌های ایران به دلایل گوناگون نابود می‌شود. به این ترتیب تا پایان هر سال رقمی معادل یک میلیون و ۱۰۴ هزار هکتار (معادل ۱۱ میلیارد و ۴۰ میلیون متر مربع) از جنگل‌ها و مراتع کشور تخریب می‌شود.

اعلام این حجم عظیم از تخریب سرزمین، یک توهم یا بزرگ‌نمایی رسانه‌ای نیست! بلکه این مدیر کل دفتر زیستگاه‌ها و امور مناطق سازمان حفاظت محیط زیست ایران بود که ۷ سال پیش روزشمار تخریب طبیعت ایران را افشا کرد. اما مساله این است که از نیمه دهه ۹۰ عملا تخریب محیط زیست ایران با اعمال برخی سیاست‌های مرتبط با توسعه صنایع و معادن، افزایش سطح زیر کشت و رشد جمعیت شدت هم گرفت و چه بسا اگر داده‌های مربوط به تخریب محیط زیست را در ۷ سال اخیر مجددا بازنگری کنیم دریابیم در همان زمان ۱۰ ثانیه‌ای که شما نفس تان را در سینه حبس می‌کنید معادل یک دقیقه در ۷ سال گذشته، سطح جنگل‌ها و مراتع کشور نابود می‌شود.

وضعیت بحرانی جنگل‌های زاگرس

فقط کافیست سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، آمار مساحت جنگل‌های سوخته و مراتع خاکستر شده زاگرس در ۷ سال گذشته را افشا کند. در همین حال بد نیست به این نکته هم توجه داشته باشید که به گفته یکی از مسوولان وزارت جهاد کشاورزی در ۴ سال گذشته، بیش از ۵ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی زیر طرح‌های توسعه معدن رفته در حالی که متولیان معدن کشور برای بیش از نیمی از خاک کشور، یعنی بیش از ۸۰ میلیون هکتار از وسعت کشور درخواست صدور مجوز معدنکاوی کرده بودند که سازمان جنگل‌ها و مراتع فقط با حدود ۵ میلیون هکتار آن موافقت کرده است! در حال حاضر از ۶ میلیون هکتار جنگل‌های بلوط غرب نیز قریب به یک میلیون و ۲۰۰ هزار هکتار آن به دلیل خشکیدگی کامل تنها از سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ از دست رفته و مابقی نیز به کشتزار بدل شده است. آتش‌سوزی نیز خود حکایت دیگری دارد و اگر نباشد انگار اصلا جنگل معنا ندارد! از شمال و غرب، جنگل‌های ایران پیوسته در آتش ناآگاهی مردم، بی تدبیری متولیان و تنگ نظری دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند و نمی‌کنند می‌سوزند و خاکستر می‌شوند، بی آنکه آبی بر آتش پاشیده شده یا بالگردی برای اطفای آن از جا برخیزد. تنها در همین ۶-۵ سال گذشته که حریق در جنگل‌های زاگرس شدت گرفته نزدیک به ۲۰ نفر از فعالان محیط زیست و مردم بومی که برای اطفای حریق رفته بودند در آتش سوختند. تنها در یک حادثه در سال ۱۳۹۷، ۴ نفر از اعضای انجمن سبز چیا مریوان در اثر وقوع حریق و انفجار مین در مناطق مرزی جان باختند، در حادثه‌ای دیگر سه تن از اعضای یک تشکل زیست محیطی در پاوه کرمانشاه در سال ۱۳۹۹ حریق سوختند و در حادثه دیگری در سال گذشته ۴ نفر از اعضای یک خانواده عشایر حین اطفای حریق زاگرس در استان فارس در محاصره آتش گیر افتاده و جان باختند.

وضعیت کل جنگلهای ایران چگونه است؟

اگر آمار فائو از مساحت ۱۱ میلیون هکتاری جنگل‌های ایران را مبنا قرار دهیم، باید بگوییم که ما ایرانیان در کمتر از نیم قرن حدود هفت میلیون هکتار از مساحت ۱۸ میلیون هکتاری جنگل هایمان را از دست داده‌ایم و همین عرصه باقیمانده نیز، اکنون به لحاظ کیفی بسیار آسیب دیده و تقریبا جنگل مخروبه به شمار می‌رود. با این حال جای شگفتی دارد که با وجود شعارهای متعدد مسوولان دولتی در توقف بهره‌برداری از جنگل‌های شمال، با گذشت بیش از ۷ سال از مطرح شدن این طرح، هنوز هم خبری از توقف کامل بهره‌برداری از جنگلهای شمال نیست. آیا به راستی از کشوری که روی دریایی از ذخایر عظیم نفت و گاز نشسته، رواست که گنجینه‌های ارزشمند ژنی‌اش را به بهانه‌های گوناگون اعم از وقف و قاچاق چوب و تهیه زغال و توسعه صنایع و راه‌ها و سدها اینگونه نابود کند؟ بهره‌برداری از جنگل‌هایی که به‌طور خاص در شمال ایران، موزه زنده تنوع زیستی جهان محسوب می‌شوند چه هیچ توجیهی ندارد. اساسا چرا باید سهم دو سازمان متولی محیط زیست از بودجه‌های دولتی برای حفظ و حراست از ۱۴۷ میلیون هکتار از خاک کشور از گزند مخربان حتی به اندازه یک سوم بودجه یک سد کوچک هم نباشد؟

۳۰ درصد گونه‌های گیاهی ایران در معرض نابودی

به موازات همین حجم گسترده تخریب رویشگاه‌های جنگلی، اکنون نزدیک به ۳۰ درصد گونه‌های گیاهی کشورمان در معرض تهدید و نابودی قرار دارد. به گزارش دفتر موزه تاریخ طبیعی و ذخایر ژنتیک سازمان محیط زیست، از مجموع هشت‌هزار گونه گیاهی در کشور، دوهزار و ۴۰۵ گونه در معرض تهدید قرار دارند که بخش اعظمی از این گیاهان گونه‌های اندمیک و بومی این سرزمین است که اگر منقرض شوند، برای همیشه از روی زمین پاک خواهند شد. امروز دیگر کمتر منطقه بکری در این سرزمین باقیمانده به‌طوری که حتی کم‌نظیرترین پارک‌های ملی کشورمان هم با وجود اهرم‌های محکم قانونی در سال‌های اخیر دستخوش تخریب جدی شده است. در تازه‌ترین رخداد غمبار، وقتی قدیمی‌ترین مناطق حفاظت شده تالابی، کوهستانی و جنگلی ایران همچون گلستان و میانکاله و ارومیه و انزلی، البرز مرکزی و البرز شمالی و چهارباغ پیوسته زیر بار فشار صنایع، معادن، سدسازی، حریق جنگل و توسعه کشاورزی و دامپروری و ویلاسازی و شهرک سازی کمر خم کرده و همچنان در حال نابودی هستند دیگر چه انتظاری از مناطق حفاظت شده کویری کشورمان می‌توان داشت که زیستگاه گورخر و یوز پلنگ آسیایی هستند؟ اوضاع گونه‌های جانوری کشورمان نیز متاسفانه بهتر از گیاهان نیست و همین هفته گذشته بود که خبر انقراض یک گونه ماهی بومی ایران که زیستگاهش تالاب مهارلو شیراز بوده منتشر شد. اوضاع یوز پلنگ ایرانی و گورخر آسیایی و پلنگ و آهوی ایرانی نیز نگران کننده است، اکثریت قریب به اتفاق زیستگاه‌های تاریخی حیات وحش ایران حالا دیگر امنیت لازم برای حیات وحش را ندارد. بیش از دو و نیم میلیون سلاح شکاری مجاز و غیر مجاز حیات وحش ایران را نشانه گرفته است، خشکسالی و تغییر اقلیم و تخریب زیستگاه‌ها به دلیل گسترش معادن و توسعه کشاورزی بسیاری از گونه‌های جانوری را از زیستگاه‌های اصلی خود رانده و به حاشیه شهرها و روستاها کشانده و تعارض بین مردم و حیات وحش نیز شدت گرفته است.

اوضاع بحرانی آب ایران

در حالی که میزان منابع آب تجدیدپذیر سرانه در وضعیت پایدار باید ۱۸۵۰ مترمکعب باشد، در حال حاضر سرانه منابع تجدیدپذیر برابر ۱۳۰۰ مترمکعب است. به‌عبارت دیگر با سرانه مصرف خانگی فعلی در ایران، سرانه منابع آب کمتر از حالت بهینه است. از این رو انتظار می‌رفت با اصلاح مصرف و ارایه راهکارهای سیاستی، در یک افق بلندمدت بتوان به تعادل پایدار دست یافت. محصولات کشاورزی با مصرف زیاد آب، سیاست رایج کشور است و عملا اقدامات ترویجی برای کاهش محصولات آب بر در دست اجرا نیست.

در همین حال وجود بیش از ۸۰۰ هزار حلقه چاه در کشور که بیش از نیمی از آنها در زمره چاه‌های غیر مجاز هستند، منجر به فرونشست بسیاری از دشت‌های ایران و افت شدید سفره‌های آب زیرزمینی و نابودی پوشش گیاهی حتی در مناطق زاگرس شده است. تداوم این امر می‌تواند منجر به نابودی بسیاری از حشرات گرده‌افشان و دامپروری و حتی کشاورزی شود که این امر امنیت غذایی کشور را بیش از پیش در مخاطره قرار خواهد داد.

از این رو آنچه در حال حاضر نگرانی از وضعیت محیط زیست ایران را دوچندان می‌کند تشدید بحران‌های اقلیمی در مقیاس جهانی و منطقه‌ای و عدم سیاست گذاری درست و علمی در حوزه حکمرانی سرزمین است، به نحوی که همچنان طرح‌های توسعه‌ای کشور مبتنی بر بهره کشی بیشتر از آب و زمین است و عملا خبری از سیاست‌های سازگار با اقلیم و ظرفیت موجود منابع به چشم نمی‌خورد. شعارهای بلندپروازانه برای تامین غذای ایران و کشورهای منطقه تا ۵۰۰ میلیون نفر، طرح‌های خودکفایی اقلام کشاورزی و توسعه بی ضابطه صنایع آب بر و گسترش پهنه‌های معدن کاوی برای خام‌فروشی به قیمت‌های ارزان ایران را در محاصره بیابانی شدن و تشدید گرد و غبار و پیامدهای اجتماعی و سیاسی و امنیتی ناشی از تخریب محیط زیست قرار داده است که انتظار می‌رود دست کم به مناسبت روز جهانی محیط زیست، یک نفر در دولت به این مهم توجه کند!

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد او ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوبه ۱۳۹۰/۹/۲۰ و برابر رأی شماره ۱۴۰۰/۴۵۶۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ هیات مستقر در واحد ثبتی جویبار به کلاسه پرونده شماره ۱۴۰۰/۲۹۷ ماده یک قانون مذکور، تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی مهدی چینی ساز جویباری نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۶۶/۸۲ متر مربع پلاک فرعی از ۱۰ اصلی بخش ۷ خریداری شده بدون واسطه از نورالله جویباری محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید در غیر اینصورت اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد. م/الف ۱۳۲۰۲۶۶

تاریخ انتشار اول: ۱۴۰۱/۳/۲ تاریخ انتشار دوم: ۱۴۰۱/۳/۱۶

مرتضی قاسم پور - رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان جویبار

نظرات خود را برای ما پیامک کنید

۳۰۰۰۴۷۵۳

نگاه

جین گودال، از برجسته‌ترین زیست‌شناسان دنیا خواستار شد

آزادی زندانیان محیط زیستی و حفاظت از پلنگ ایرانی

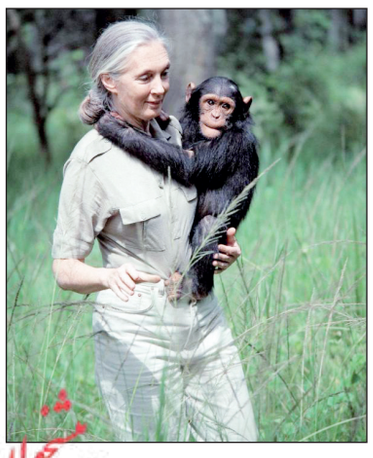

اعتماد | همزمان با ۵ ژوئن، روز جهانی محیط زیست، جین گودال، زیست‌شناس و دانشمند سرشناس حوزه جانورشناسی، خواستار حفاظت از گربه‌سانان بزرگ جهان و آزادی ۷ کارشناس محیط زیست ایران که همچنان در زندان به سر می‌برند، شد. جین گودال به همراه هدیه تهرانی بازیگر و فعال محیط زیست ایرانی و نیز ۴۸ متخصص و حفاظت‌گرای دیگر از ایران و افغانستان، امریکا، قزاقستان، انگلیس و ... در بیانیه‌ای، بر تاثیر درگیری‌ها، تحریم‌ها و تنش‌های سیاسی کنونی بر روند حفاظت از پلنگ ایرانی و حافظان آن تاکید کردند. جین گودال و امضاکنندگان این بیانیه، خواستار اقداماتی برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی فراتر از شرایط سیاسی اخیر و لغو تحریم‌های اقتصادی، تخصیص بودجه و همکاری‌های فنی محیط زیستی و نیز آزادی متخصصان حیات وحش ایران از زندان شدند. آنها در بیانیه خود یادآور شدند: در مواقع ناراحتی و سردرگمی، به طبیعت روی می‌آوریم تا ذهن را آرام کرده و شفا پیدا کنیم. ما برای بقای معجزه‌آسای حیات وحش و اکوسیستم‌ها صبور هستیم و همچنان به تلاش در این راه و مواجهه با مشکلاتی که هیچ کنترلی روی آنها نداریم، ادامه می‌دهیم، اگرچه این موضوع، ما را خسته و ناامید هم می‌کند. برای ما یکی از این معجزه‌ها، گربه‌سان زیبایی به نام پلنگ ایرانی است که در مناطق کوهستانی و بیابان‌های سردرمستانی آسیای مرکزی و خاورمیانه زندگی می‌کند. قلمرو زیستی پلنگ ایرانی در ۱۱ کشور ایران، عراق، ترکیه، آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، روسیه، ترکمنستان، قزاقستان، افغانستان و پاکستان است. تاجیکستان و ازبکستان نیز بخشی از این قلمرو زیستی بودند، اما اکنون چند سالی است که نسل پلنگ در آنجا منقرض شده است. تقریبا ۸۰ درصد از این پلنگ‌ها در ایران و پس از آن در ترکمنستان یافت می‌شوند. بر اساس اطلاعات منتشره توسط «گروه کاری پلنگ ایرانی» در سال ۲۰۲۲ در منطقه قفقاز، تلاش‌های طولانی‌مدت حفاظتی منجر به بازیابی جمعیت کوچکی از پلنگ‌ها در منطقه زنگزور، از جمله جنوب ارمنستان و جنوب شرق جمهوری خودمختار نخجوان آذربایجان شده است. نویسندگان این بیانیه تاکید می‌کنند: در تابستان ۲۰۲۱، یک پلنگ ایرانی پس از ۱۲ سال غیبت در مناطق حفاظت شده توشتی در گرجستان توسط دوربین‌های تله‌ای عکسبرداری شد. پس از آن، پلنگ‌های ایرانی در منطقه کاباردینو-بالکاریای روسیه، چچن و داغستان مشاهده شدند. در قزاقستان، پلنگ ایرانی در سال ۲۰۱۸ مجددا مشاهده شد، اما متاسفانه تنها پلنگ مشاهده شده، در سال ۲۰۲۱ مرده یافت شد. اما اخیرا در کشور ترکیه، پلنگ در ۴ منطقه مختلف ثبت شده که برخی از آنها همان نرهای جمعیت‌های اصلی در قفقاز کوچکند که در حال پراکنش هستند. در عراق نیز، در سال ۲۰۱۱، حدود ۹ پلنگ نر و یک پلنگ ماده در اقلیم کردستان در ۸ مکان مختلف شناسایی شدند، اما در ۵ سال گذشته حداقل ۳ پلنگ در این منطقه کشته شده‌اند. تحقیقات و فعالیت‌های مرتبط با حفاظت از پلنگ ایرانی باعث حمایت از این گربه‌سان و شناسایی تهدیدات آنها (از جمله شکار غیرقانونی، از دست دادن زیستگاه و طعمه و درگیری بین انسان و حیات وحش) شده است، این امر منجر به افزایش آگاهی عمومی در کشورهایی که پلنگ در آنجا زندگی می‌کند، شده و اهمیت حفظ ارتباط اکولوژیکی پلنگ‌ها را بین کشورهای منطقه افزایش داده است. اما برخی کشورهای محل زیست پلنگ ایرانی با چالش‌های سیاسی متفاوتی روبه‌رو هستند. در قفقاز، بین آذربایجان و ارمنستان، پلنگ‌ها در محدوده‌ای از مناطق مین‌گذاری شده و تنش‌های ناشی از مناقشه قره‌باغ حرکت می‌کنند. عملیات نظامی در امتداد مرزهای عراق-ایران و عراق-ترکیه همچنان به آوارگی مردم و سوختن جنگل‌های طبیعی باقیمانده در عراق منجر شده است. از زمان ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ نیز، تنش‌های سیاسی و رکود اقتصادی، تنوع زیستی و حفاظت از گونه‌ها را به انتهای فهرست اولویت‌ها در این کشور رسانده است، بدون اینکه بودجه‌ای برای حمایت از پروژه‌های حفاظت محلی در دسترس باشد. از سوی دیگر، تغییر در رهبری ایالات متحده در سال ۲۰۱۶ منجر به خروج ایالات متحده از برنامه جامع اقدام «توافق هسته‌ای ایران» و تحریم‌های «حداکثری» شد که نه تنها به مردم ایران صدمه زد، بلکه به‌طور غیرمستقیم به فعالیت‌های مرتبط با حفاظت از محیط زیست نیز لطمه زد. در ژانویه ۲۰۱۸ میلادی نیز، ۹ نفر از حفاظت‌گراها و کارشناسان حیات وحش مرتبط با موسسه حیات وحش میراث پارسیان دستگیر شدند، از جمله کاووس سید امامی که در فوریه سال ۲۰۱۸ در زندان درگذشت. آنها به جاسوسی متهم شدند، زیرا از دوربین‌های تله‌ای استفاده می‌کردند که این وسیله به عنوان یکی از ابزارهای مهم حفاظتی شناخته می‌شود. اکنون بعد از گذشت ۴ سال و ۴ ماه، همچنان ۷ نفر از آنها در زندان هستند. در آگوست ۲۰۲۱ نیز، طالبان در افغانستان دوباره به قدرت رسیدند و بسیاری از حافظان محیط زیست را به تبعید فرستادند و آژانس ملی محیط زیست در این کشور دچار آشفتگی شد. توقیف مستمر بودجه‌های افغانستان، یک بحران انسانی وخیم را در این کشور تشدید کرد که اکنون طبیعت و حیات وحش افغانستان هزینه آن را می‌پردازند. از این رو تعداد بسیار کمی از پلنگ‌ها در افغانستان در حال حاضر شانس زنده ماندن دارند. در نهایت، در فوریه ۲۰۲۲، بعد از تهاجم روسیه به اوکراین، اقدامات بین‌المللی برای منزوی کردن روسیه و شهروندانش آغاز شد و عملا همکاری بین‌المللی در زمینه محیط زیست را متوقف کرد. مایه تاسف است، زیرا آینده پلنگ ایرانی در قفقاز بزرگ در گرجستان از چنین همکاری‌هایی سود می‌برد.

چه تضمینی برای امنیت حافظان حیات وحش وجود دارد؟

هم‌اکنون کنوانسیون گونه‌های مهاجر و آژانس حفاظت از طبیعت آلمان در نظر دارند، نشست کشورهای منطقه جهت اتخاذ یک استراتژی منطقه‌ای برای حفاظت از پلنگ ایرانی را برگزار کنند. در سال گذشته، گروهی از کارشناسان از سراسر کشورهایی که زیستگاه پلنگ ایرانی است به رهبری اتحادیه جهانی حفاظت، برای تدوین این استراتژی کار کردند. این نشست قرار است در سپتامبر ۲۰۲۲ در تفلیس گرجستان برگزار شود. اجرای این برنامه، نیازمند همکاری و بودجه بین‌المللی و همچنین حفظ امنیت حافظان محیط زیست برای انجام کارهای لازم برای حفاظت از پلنگ ایرانی است و دوربین‌های تله‌ای نیز برای نظارت بر حیات وحش نیز ضروری هستند. بنابراین مانیاز مند اقداماتی برای تسهیل همکاری‌های بین‌المللی فراتر از اوضاع سیاسی، از طریق رفع تحریم‌های اقتصادی و رفع موانع همکاری‌های بین‌المللی حفاظتی و توسعه‌ای در ایران هستیم. ما خواهان ایجاد معیارهای روشن و شفاف در مورد تامین مالی و همکاری فنی هستیم برای اطمینان از اینکه حافظان محیط زیست به دلیل همکاری با کارشناسان و سازمان‌های بین‌المللی تحت تعقیب قرار نگیرند. ما خواهان مشارکت مستمر از طریق حمایت فنی و مالی پروژه در افغانستان، برای اطمینان از نتایج پایدار حفاظت هستیم. ما خواهان آزادی نیلوفر بیانی، سپیده کاشانی، امیرحسین خالقی، طاهر قدیریان، سام رجبی، هومن جوکار و مراد طاهباز هستیم. ادامه بازداشت آنها برای همه ما سنگین است، زیرا نگرانیم که سرنوشت پلنگ در ایران تا مدت‌ها به خطر بیفتد، چون آنها در زندان هستند و امیدواریم به زودی جامعه جهانی متوجه شود که حفاظت از پلنگ ایرانی و جان مدافعان آن در هم تنیده شده است و همه کشورهای زیست پلنگ ایرانی را تشویق می‌کنیم که پشت این اقدام مهم خود بایستند.

منبع: news.mongabay.com

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان

شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله‌ای، به شرح جدول زیر را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

ردیف	موضوع	شماره مناقصه	مبلغ تضمین (ریال)	شماره سامانه تدارکات الکترونیکی دولت
۱	خرید لوله چدن داکتیل در قطرهای ۵۰۰ و ۶۰۰ میلی متر جهت منطقه سه شهر اصفهان	۱۲۸-۱-۴۰۱	۴،۳۹۱،۰۰۰،۰۰۰	۲۰۰۱۰۰۱۴۳۴۰۰۰۰۸۷

۲- کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: تاریخ ۱۴۰۱/۳/۱۱ می باشد.

عنوان	ساعت	روز	تاریخ
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه	۱۳:۰۰	چهارشنبه	۱۴۰۱/۳/۱۸
مهلت زمانی ارسال پیشنهاد	۱۳:۰۰	شنبه	۱۴۰۱/۳/۲۸
زمان بازگشائی پاکتها	۸:۰۰	یکشنبه	۱۴۰۱/۳/۲۹

۳- اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکتهای الف:

۳-۱- آدرس: اصفهان، خیابان شیخ کلینی، خیابان جابر ابن حیان، دبیرخانه معاملات شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان، تلفن: ۸-۳۶۶۸۰۰۳۰-۰۳۱، اتاق (۲۹۲)

۴- اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:

۴-۱- مرکز تماس: ۱۴۵۶

۴-۲- دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸

۵- اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استانها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش ثبت نام / پروفایل / تامین کننده / مناقصه گر موجود است.

یاد-۱

صاحبِ قلمِ خوب و نثرِ پاکیزه

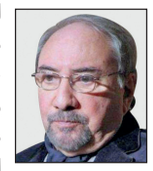
محمدعلی همایون کاتوزیان

استاد محمدعلی اسلامی ندوشن دانشمند و ناقد ادبی بسیار خوبی خصوصا در آثار کلاسیک بود. قلم بسیار خوب و نثر بسیار پاکیزه‌ای داشت که حتی نمونه بود. ایران دوست بود و فراوان به ایران و ترقی ایران علاقه‌مند بود. مرحوم دکتر اسلامی ندوشن البته سخت دوراندیش بود و به آینده ایران و پیشرفت این سرزمین امید داشت.

استاد دانشکده مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد انگلیس

یاد-۲

به یاد محمدعلی اسلامی ندوشن

در اوجِ محبوبیت

مرحوم سیدمحمود دعایی

در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب، تنها شخصیتی که از جشن‌های دو هزار و پانصد ساله حمایت نکرد، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن بود. پس از انقلاب، به یاد دارم وقتی در سال ۱۳۷۶، سیدمحمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسید، یادداشتی خطاب به او نوشت و حمایتش کرد. روزنامه کیهان اما ایشان را مورد هجمه و حمله قرار داد، اما ایشان به سبب شخصیت وارسته‌ای که داشت بسیار ناراحت شد. کیهان از انتشار جوابیه ایشان امتناع کرد اما اطلاعات مفتخر به انتشار آن مطلب شد. دکتر اسلامی ندوشن، شخصیت رقیق‌القلبی بود و در آن سال‌ها و تا پایان عمر، در اوج محبوبیت. شخصیتی ارجمند، فرهیخته و بسیار مورد احترام که ایران را نه مرزهای جغرافیایی فعلی که یک ارزش و تمدن می‌دانست و گستره آن را خیلی گسترده‌تر از مرزهای ایرانِ کنونی و در قالب زبان و ادب و تاریخ و فرهنگ و هنر چند هزار ساله این سرزمین می‌دید و معتقد بود باید در ترویج آن همت گماشت. افتخاری بود برای بنده که در این سال‌ها، مقالات استاد را در روزنامه اطلاعات منتشر کردم. مردی که فقدانش برای مردم ایران و فرهنگ سرزمین‌مان بسیار دردناک است.

مدیر مسوول روزنامه اطلاعات

یاد-۳

به مناسبت چهلمین روز درگذشت محمدعلی اسلامی ندوشن

روشنفکر بی‌هیاهو

محسن آزموده

یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های روشنفکر که او را از اهل دانش و تحقیق متمایز می‌سازد، بیان حقیقت در عرصه عمومی است، بدون لکنت و بی‌تعارف به ارباب قدرت از سویی و به مردمان کوچه و بازار از سوی دیگر، خواه خوشایند ایشان باشد، خواه نه. یک فرد دانشگاهی، اگرچه به لحاظ اخلاقی ملزم است که آنچه را حقیقت می‌پندارد و با کار علمی بدان دست یافته، در گستره همگانی یا لااقل در میان جامعه علمی عرضه کند، اما انواع و اقسام ملاحظات مثل نگرانی‌های سیاسی یا دغدغه‌های اجتماعی یا هراس به خاطر از دست دادن محبوبیت سبب می‌شود که همیشه چنین نکند. اما روشنفکر، تا جایی که روشنفکر تلقی می‌شود، متعهد است که آنچه را حقیقت می‌داند، با بیانی رسا و واضح و آشکارا بیان کند. این خصلت کار روشنفکری سبب می‌شود که گاهی روشنفکران در میان دیگر اهالی دانش و فرهنگ، افرادی شلوغ کار، پرسر و صدا به نظر آیند و بسیاری از نوشته‌ها و گفتارهای‌شان عامه‌پسند و پرهیاهو باشد یا دست کم این چنین به چشم آید. به عبارت دیگر، کار روشنفکری تا جایی که به این صفت موصوف است، در مقایسه با کار علمی یا دانشگاهی یا پروژه‌های تحقیقاتی، زبان و بیانی ساده‌تر دارد و گاه در آنها، در عرضه یافته‌ها، اغراق و بزرگنمایی صورت می‌پذیرد. البته ویژگی‌های شخصیتی فرد روشنفکر نیز در کم و زیاد شدن این خصلت دخیل است، تا جایی که به خصوص در روزگار گسترش فضای مجازی و دسترس‌پذیری شبکه‌های اجتماعی، بعضی روشنفکران، در عرصه عمومی «سلبریتی» می‌شوند و هزاران هزار طرفدار و پیرو می‌یابند و هر گفته یا نوشته‌شان واکنش‌های احساسی مثبت و منفی بی‌شماری پدید می‌آورد. شکی نیست عامه‌پسندی روشنفکر و کار او، تا جایی که قوت استدلال‌ها و پشتوانه‌های فکری و علمی کارش ضربه نزند، اشکالی ندارد و اتفاقا موجب می‌شود که سخن دانشورانه و مستدل او، مخاطبان بیشتری بیابد. اما متاسفانه همیشه چنین نیست و همگان شاهد بوده‌ایم که این همگانی شدن سبب شده که روشنفکر خود گرفتار این فضا شود و بیش از حد به ساده‌سازی امور بپردازد، از بیان همه حقیقت به علت نگرانی از رنجیدن افکار عمومی سر باز بزند یا برای یافتن طرفداران و مخاطبان بیشتر در حوزه عمومی، بنا به سلیقه روز سخنانی بدون پشتوانه و همه‌پسند بگوید و بنویسد و بعضا در همه حوزه‌ها اظهارنظر کند. بنابراین پرهیز از هیاهو، حفظ متانت و آرامش و رعایت معیارهای فرهیختگی از خصائل نیکویی است که معدودی از روشنفکران به آن آراسته‌اند. محمدعلی اسلامی ندوشن، نماد و نمونه بارز چنین روشنفکرانی بود. او به گواه آثار فراوان و پرخواننده‌اش، روشنفکری بود که برای عموم مخاطبان می‌نوشت، با نثری شیوا، استوار و خواندنی و از بیان حقیقتی که با تحقیق به آن رسیده بود، در عرصه عمومی ابایی نداشت. اما هیچگاه اهل شلوغ کاری و هیاهو نبود و همواره با وقار و طمأنینه سخن می‌گفت و می‌نوشت. محمدعلی اسلامی ندوشن، شناخت و آگاهی عمیق و گسترده‌ای از فرهنگ و تاریخ ایران داشت و اگرچه با اندیشه‌های جدید و نویسندگان و متفکران معاصر غربی آشنایی داشت، اما سخنان پرطمطراق بی‌مایه نمی‌گفت و نمی‌نوشت و به جای گندم‌نمایی و جوفروشی، به زبانی محکم و پاکیزه، به بسط میراث غنی فرهنگی و ادبی ایران می‌پرداخت. این آرامش و متانت او سبب شده آثارش به سلیقه و «مدروز» وابسته نباشد و خوانندگانی از نسل‌های بعدی نیز به آنها مراجعه کنند و ضمن لذت بردن از خواندن نثری شیرین و شیوا، درباره حافظ و فردوسی و خیام و مولوی نکاتی عمیق و ماندگار یاد بگیرند و بهره‌مند شوند.

اندیشه ایرانی

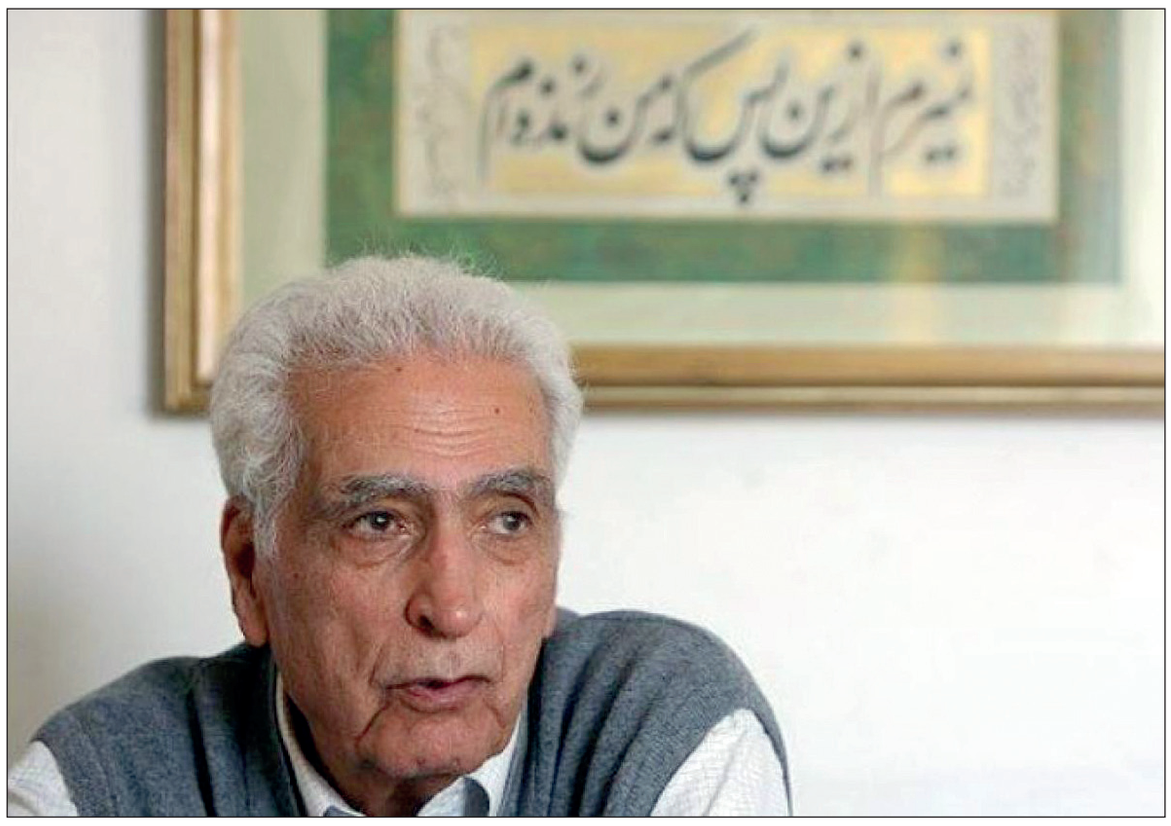

اشاره‌ای درباره اندیشه‌های «محمدعلی اسلامی نُدوشن» به مناسبت چهلمین روز درگذشت

نقد و جامعه سالم

محمد صادقی

وقتی بدون شناخت کافی و سخن مستدل به اظهارنظر بپردازیم، وقتی به جای نقد به دیگری توهین و حمله کنیم، وقتی خودمان را با باورهای‌مان گره بزنیم، وقتی به نام احترام به دیگری نظر او را بی‌چون‌وچرا بپذیریم و... فقط و فقط روندی ناسودمند و فرساینده تقویت می‌شود. این گونه رفتارها مجالی برای نقد باقی نمی‌گذارند و اگر جامعه را به خانه‌ای شبیه بدانیم که مدام نیاز به بازسازی و تعمیر دارد، وقتی نقد در کار نباشد، جامعه فرسوده می‌شود. در میان نویسندگان و روشنفکران ما نیز کم و بیش در گفت‌وگو یا نقد و بررسی یک اثر چنین رفتارهایی دیده می‌شود و در نتیجه، مجال نقد و نقادی که می‌تواند به پرورش اندیشه و طراوت در فضای فکری و فرهنگی بینجامد، از میان می‌رود. در نظر داشته باشیم که نقد به معنای بیان نقاط ضعف و قوت در یک اثر، انگشت گذاشتن روی مطالب جاافتاده یا نادیده گرفته‌شده در یک اثر، نشان دادنِ وجود تناقض‌هایی در یک اثر و بررسی ادعاهای مطرح‌شده و راه‌حل‌های پیشنهادشده در یک اثر است. محمدعلی اسلامی ندوشن، در پاسخ به نظرخواهی مجله «راهنمای کتاب» درباره شیوه و آیین انتقاد کتاب، در اسفند ۱۳۳۹ مشکل نقد کتاب را برآمده از مشکل بزرگ‌تری یعنی سرگردانی و رخوت در عالم فکر دیده و می‌نویسد: «نقد مستلزم آزادی اندیشه و بی‌پروایی ادراک است. ما چون قلم به دست می‌گیریم تا درباره کتابی حرف بزنیم، چه بنویسیم؟ در یک آن فوجی از ملاحظه‌ها و وسواس‌ها و نگرانی‌ها راه را بر قلم ما می‌بندد. به خود می‌گوییم: چرا حرفی بزنیم که به گوشه ابرویی بر بخورد، چرا بیهوده برای خود دشمن بتراشیم؟ و همین دست ما را سست می‌کند... باید بگوییم که هنوز انتقاد نتوانسته است از همزاد زشت خود که «تبلیغ» نام دارد، جدایی گزیند. نقد منزه و خالص را که برای عشق به زیبایی و حقیقت نوشته شده باشد، بسیار اندک می‌یابیم. کسانی که این را باور نمی‌دارند یکی از این دو راه را بیازمایند: کتابی بنویسید که شاهکار باشد، آن را به در خانه این و آن نبرید، از هیچ دوستی خواهش نکنید تا درباره آن چیزی بنویسد. از هیچ روزنامه‌نگاری تقاضای «صله» تقریظی نکنید، سیل تلفن و پیغام به دنبال آن جاری نسازید، فقط کتاب را انتشار دهید و کنج خانه خود بنشینید. مگر آنکه حسن اتفاقی به شما کمک کند، وگرنه احتمال زیاد خواهد بود که شاهکار شما در سکوتی سنگین فرو رود. یا آنکه چند ده ورق بی‌معنی و مبتذل به چاپ زنید، به شرط آنکه صاحب نفوذ و مقامی باشید یا راه و چاه کار را بشناسید، بی‌درنگ کسانی را خواهید یافت که ترشحات قلمی شما را شاهکار معرفی کنند. شاید عده‌ای به شما پوزخند بزنند، ولی چه باک؟ شما سندهای متعدد از مطبوعات بزرگ و کوچک در دست خواهید داشت، حاکی از آنکه نویسنده یا متفکر یا مترجم بی‌نظیری هستید. اگر اعضای آکادمی نوبل به نبوغ شما پی نمی‌برند، از کوردلی آنهاست.» همچنین در تیر ۱۳۴۸ و در گفت‌وگویی با نام «ادبیات امروز ایران، غوغای نقد» که در مجله «نگین» منتشر شده، می‌نویسد: «بین آثار ادبی‌ای که امروز داریم، نقد از همه فقیرتر است... آنچه امروز در مطبوعات خود می‌بینیم، یا تعارف و رفیق‌بازی است یا فحش... در بسیاری از موارد هم خودنویسندگان کتاب درباره خود می‌نویسند و به روزنامه‌ها می‌دهند. در کنار اینها، باید از باندهای ادبی یاد کرد. هر چندنفری دور هم جمع می‌شوند و به اصطلاح همدیگر را «می‌پایند» و مخالفین یا کسانی را که خارج از باند باشند «می‌کوبند». این اشخاص واقعا گاهی شاهکار می‌کنند، بدین‌معنی که راجع به کتاب یا مقاله کسی که عضو «باند» است و معلوم نیست که سراپایش چقدر ارزش دارد، چندین مقاله مسلسل نشر می‌دهند و آن را در تطبیق با تئوری‌های فلسفی و روانکاوی و اگزیستانسیالیستی و نظریات «سارتر» و «الیوت» و «برشت» و «مارکوزه» و غیره، به تحلیل و تفسیر می‌گذارند و موضوع را به قدری مرموز و عمیق و مهیب جلوه می‌دهند که آدم حیرت می‌کند که چرا دنیا آن قدر نسبت به این گونه شاهکارهای کشور مادر خواب غفلت است.»

اگر به آنچه اسلامی ندوشن در آن سال‌ها نوشته دقت کنیم، می‌بینیم مسائلی که همواره بر آنها تاکید داشته است، همچنان پابرجا هستند و این نشان می‌دهد که ما در زمینه فرهنگی و اخلاقی دچار ضعف‌ها و نقص‌های فراوانی هستیم ولی چندان به آنها نمی‌پردازیم.

اگر به آنچه اسلامی ندوشن در آن سال‌ها نوشته دقت کنیم، می‌بینیم مسائلی که همواره بر آنها تاکید داشته است، همچنان پابرجا هستند و این نشان می‌دهد که ما در زمینه فرهنگی و اخلاقی دچار ضعف‌ها و نقص‌های فراوانی هستیم ولی چندان به آنها نمی‌پردازیم. اما پرسش این است که ریشه این ضعف‌ها و نقص‌ها را در کجا باید جست‌وجو کنیم؟ به نظر او و روشنفکرانی که بر اصلاح فرهنگ تکیه دارند، بیش از هر جای دیگر اینها برآمده از نظام آموزش و پرورش ما هستند. توجه داشته باشیم، افرادی که سال‌ها و بهتر است بگوییم بهترین سال‌های عمر خود را در مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها طی می‌کنند، یا شنونده و بیننده رسانه‌های مختلفی هستند که مدام در حال برنامه‌سازی و ارایه نقد و تحلیل و تفسیر هستند، شوربختانه روش نقد و روش استدلال را نیاموخته و نمی‌آموزند و این در نگاهی به آنچه در محافل دوستانه و خانوادگی تا محافل فرهنگی و روشنفکری می‌گذرد چنان آشکار است که نیاز به توضیح ندارد. در غیبتِ درس‌هایی که به کار زندگی می‌آیند، کیفیت زندگی و کیفیت روابط اجتماعی پایین می‌آید و در نتیجه، فضای نقد و گفت‌وگو به جای آنکه روشنایی‌بخش و آگاهی‌بخش باشد و ذهن مخاطبان را به اندیشیدن وادارد، به فضای جنگ شبیه می‌شود. افراد فضای نقد را با فضای جنگ اشتباه می‌گیرند و شکل‌های مختلفی از بداخلاقی و حملات لفظی و قلمی نمایان می‌شوند. پرویز رجبی هم در اشاره به چنین واقعیتی بود که می‌گفت: «ما هیچ‌وقت با نقد میانه خوبی نداشته‌ایم و پنداشته‌ایم که مدعی می‌خواهد از بیخ کند ریشه ما. و کوچک‌ترین نقد را با برانداری یکی می‌دانیم و می‌خواهیم، در عین گرفتاری و ناله‌های زار، بلبلی باشیم که برگ گلی خوشرنگ در منقار دارد! همین است که بیشتر وقت شریف ما صرف این می‌شود که چه بگوییم که طرف نرنجد! همین است که هنوز برای کودکانه‌ترین درماندگی‌های‌مان راه‌حل نیافته‌ایم و به هر حرکتی جامه‌ای می‌پوشانیم که چرکتاب باشد و همین است که گاهی می‌زنیم توخال! یا مشت را چنان گره می‌کنیم که طرف ببُرد! یا کاری می‌کنیم که طرف زمین‌گیر شود و از جایش برنخیزد و پیش زن و بچه‌اش نرود.»

به هر حال، ما اگر بخواهیم وضعیت تلخی که از گذشته تاکنون وجود داشته را دگرگون کنیم و از زیر آوارِ این همه ابتذال و پلشتی رهایی یابیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه به اصلاح فرهنگ بپردازیم و از یاد نبریم که این وضعیت را جهل و تنبلی ایجاد کرده و برای اصلاح آن کار فراوانی لازم است. مصطفی ملکیان که همواره بر اصلاح فرهنگی تاکید داشته و باور دارد تا در درون ما دگرگونی پایداری رخ ندهد در بیرون دگرگونی پایداری رخ نخواهد داد و اصلاح فرهنگی را مقدم بر اصلاح سیاسی و اقتصادی می‌داند، به پنج نقص اصلی در نهاد آموزش و پرورش ما (شامل وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خطیبان، واعظان و سخنرانان، صدا و سیما و همه آنهایی که آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته در حال تربیت ما هستند) می‌پردازد که عبارت هستند از: ۱. تاکید بر حافظه نه فهم، ۲. غیبتِ استدلال‌گرایی ۳. ایدئولوژیک‌اندیشی ۴. ظاهرگرایی و ۵. غیبتِ درس‌های زندگی. از این رو تا زمانی که آموزش و پرورشِ ما اصلاح نشود و نهادها و وزارتخانه‌هایی که مسوولیت امور فرهنگی و آموزشی را برعهده دارند، نویسندگان و روشنفکران ما، رسانه‌های ما و... در برچیدن این مشکلات کوشا نباشند، ما همچنان با یک جامعه سالم (که رونقِ نقد و نقادی از نشانه‌های آن است) فاصله خواهیم داشت.

روزنامه‌نگار

ما اگر بخواهیم وضعیت تلخی که از گذشته تاکنون وجود داشته را دگرگون کنیم و از زیر آوارِ این همه ابتذال و پلشتی رهایی یابیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه به اصلاح فرهنگ بپردازیم و از یاد نبریم که این وضعیت را جهل و تنبلی ایجاد کرده و برای اصلاح آن کار فراوانی لازم است.

نگاه

نکته‌ای درباره یکی از ترجمه‌های «محمدعلی اسلامی نُدوشن»

سازگاری ذهنی با دموکراسی

سینا علیپور

محمدعلی اسلامی ندوشن آدم شگفت‌انگیزی بود. از نگاهی نوستالوژیک، خوانندگان کتاب‌های او آدم‌های مختلف بودند. خوانندگان کتاب‌های درسی تا خوانندگان کتاب‌هایی مانند «روزها»، «ایران چه حرفی برای گفتن دارد» و «پیروزی آینده دموکراسی». او البته به جز نویسندگی و پژوهشگری در ادبیات کلاسیک و فرهنگ ایران، روشنفکری بود که دوره طولانی تاریخ معاصر ایران را تجربه کرد. تجربه دوره‌ای همراه با فراز و فرود زیاد و سرانجام آنچه روشنفکران و البته او که در آن تحولات به سهم خود نقش داشتند. او شاهد عینی بزرگ‌ترین دگرگونی در قرن گذشته بود؛ آنچه حاصل کار انقلابی‌های چپ، مذهبی و روشنفکران بود.

آوردن نام کتاب «پیروزی آینده دموکراسی» در آغاز این نوشته و از میان کتاب‌های پرمخاطب زیادی که از وی به جای مانده است علت اصلی این نوشته است؛ یعنی اولین اثر و ترجمه او در سال ۱۳۲۸ که از توماس مان، نویسنده آلمانی است. نویسنده‌ای که با کتاب‌های پرخواننده داستانی‌اش در دنیا شناخته می‌شود. این کتاب سخنرانی توماس مان ۱۰ سال پیش‌تر از آن است که اسلامی ندوشن در ایران به فارسی ترجمه‌اش کند. سخنرانی توماس مان درباره دموکراسی و آینده آن است. دوره سربرآوردن هیتلر و نازی‌ها است که از راه انتخابات و دموکراسی به قدرت رسیده‌اند؛ سال‌ها پیش از جنگ جهانی دوم. توماس مان با نگرش‌های فاشیستی و نژادپرستانه آنها ناسازگار بود، از این رو تابعیت آلمانی‌اش را از او گرفتند و مجبور به ترک کشور شد و به امریکا رفت.

اهمیت ترجمه کتاب «پیروزی آینده دموکراسی» به جز محتوای آن و خطراتی که به واسطه سربرآوردن حکومت‌های تمامیت‌خواه و خودکامه دموکراسی را تهدید می‌کند، در زمان ترجمه این کتاب نهفته است. زمانی که در ایران هم کمتر چنین دغدغه‌ای دیده می‌شود. نه روشنفکران و نه افراد و گروه‌های چپ. مذهبی‌ها هم که چنین دغدغه‌ای نداشتند و خواسته و هدف مبارزه آنها حکومت دینی بود، اگر هم دموکراسی برای رسیدن به هدف تسهیل‌گر بود به آن توجه نشان داده می‌شد. می‌توان گفت مشروطه مهم‌ترین سرمایه تاریخی و فکری ما در زمینه دموکراسی‌خواهی است.

در واقع محمدعلی اسلامی ندوشن اهمیت آن را در دوره‌ای مورد توجه قرار داد که کسانی که در قله روشنفکری ایران بودند حتی با بدبینی به دموکراسی می‌نگریستند. یا از دموکراسی هدایت‌شده که یک چیز من‌درآوردی بود، سخن می‌گفتند. همان‌ها که پیشقراولان دگرگونی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بودند. حتی اسلامی ندوشن خود از پیامدهای این بدبینی به دموکراسی تاثیرپذیر بود و این را سال‌ها بعد در جلد سوم کتاب «روزها» اعتراف می‌کند و می‌نویسد: «پیروزی آینده دموکراسی گذشته از اعتباری که نویسنده‌اش داشت، موضوع آن نیز که از نظام آزاد در مقابل وابستگی و استبداد دفاع می‌کرد، برای من کشش داشت. به عنوان یک جوان آرمان‌جوی که بویی از چپ نیز به مشامش خورده، آنچه در گرداگردم در جهان می‌گذشت سری به نارضایی داشت. توماس مان، نمونه برجسته دموکراسی را امریکا قرار داده بود و من با این نظر موافق نبودم. اعتراف می‌کنم که تبلیغ‌های چپ نیز در اتخاذ این بدبینی موثر بود. از حکومت وقت ایران نیز که تزویر و تبعیض و تقلب را در صحنه سیاسی جریان می‌داد، ناخشنود بودم. از این رو برای آنکه خود را به عنوان مترجم، موافق با همه محتوای کتاب نشناسانم، موخره‌ای در شانزده صفحه تحت عنوان «نامه‌ای از مترجم به خوانندگان» نوشتم که خود مقاله‌ای بود.» علاقه و میل اسلامی ندوشن در کتاب «پیروزی آینده دموکراسی» برای ترجمه این کتاب روشن است. او در سرآغاز چاپ کتاب در سال ۱۳۲۸ به این نکته اشاره می‌کند: «بسیاری از مطالب آن درباره روزگار ما و مسائل و مشکلاتی که با آن روبه‌روییم صدق می‌کند.» وی در سال ۱۳۹۴ یعنی ۶۶ سال بعد در گفت‌وگویی که در کتاب «سیمای یک فرهنگ‌مدار» آمده، هم‌چنان برای ترجمه این کتاب ابراز خوشحالی می‌کند و می‌گوید: «از آن خوشوقتم که نخستین نوشته خود را با موضوع دموکراسی شروع کردم.» این سخن از این رو دارای اهمیت است که او نویسنده و پژوهشگر ادبیات کلاسیک ایران است و کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته است.

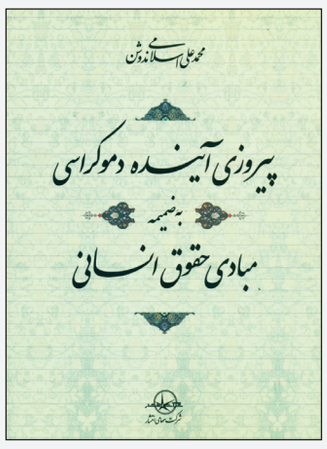

محمدعلی اسلامی ندوشن اهمیت آن را در دوره‌ای مورد توجه قرار داد که کسانی که در قله روشنفکری ایران بودند حتی با بدبینی به دموکراسی می‌نگریستند. یا از دموکراسی هدایت‌شده که یک چیز من‌درآوردی بود، سخن می‌گفتند.

او به این مساله توجه می‌کند که برای روشن نگه‌داشتن چراغ فرهنگ و ادبیات کلاسیک ایران با رویکرد به حکمرانی کارآمد و البته دموکراتیک می‌توان این سرمایه را در دنیای نو و امروزی بهتر پاس داشت. چراکه فرهنگ و اندیشه‌ای که حرفی برای گفتن در این جهان پرشتاب رو به دانش دارد، در چنین بستری خود را بهتر در معرض داوری و شناخت قرار خواهد داد. به ویژه ادبیات و فرهنگی که بن‌مایه زیست انسانی داشته باشد. در واقع زبان و فرهنگ بدون توجه به معنا و کاربست زندگی امروزی آن به انزوا خواهد رفت و البته اگر کلیدی‌ترین کارکرد زبان ارتباط است این ارتباط در یک جامعه گفت‌وگو محور و دموکراتیک سرانجامی درست و دارای نفع همگانی می‌یابد. در حالی که در یک جامعه بسته که دهان منتقدان و مخالفان بسته می‌شود، تیرگی در پیش رو تنها یک پیشگویی نیست. تجربه زیسته نویسنده کتاب، توماس مان، در آلمان نازی همین بود و آنچه بعدها با تلخی و رنج و دهشتناکی بر مردم آلمان و دیگران در دنیا رفت. توماس مان وقتی که نازی‌ها در آلمان به قدرت رسیدند، بیش از دیگر نویسندگان و روشنفکران به این موضوع حساسیت نشان داد و صدای خودش را در برابر جریانی ستمگر بلند کرد. او به خوبی به ماهیت نازی‌ها پی برده بود که از راه انتخابات روی کار آمدند ولی پس از اینکه به قدرت رسیدند، ساز و کار دموکراتیک را کنار گذاشتند و سلطه خودشان را گسترش دادند. نازی‌ها تمامی مخالفان خودشان را منزوی یا حذف کردند و با خشونت‌ورزی کارشان را پیش بردند و سرانجام هم دنیا را درگیر جنگی ویرانگر کردند. توماس مان که به آلمانِ دموکراتیک چشم دوخته بود، به ماهیت نازی‌ها پی برد و سکوت نکرد و به افشای اعمال وحشیانه آنها پرداخت و هزینه سنگینی هم پرداخت، با این حال امروز که ما تاریخ خونین جنگ جهانی دوم را مرور می‌کنیم، اردوگاه‌های کار اجباری را به یاد می‌آوریم و از چند و چون حکومت نازی‌ها بیشتر آگاهی می‌یابیم، شهامت توماس مان بیشتر در ذهن ما می‌درخشد. اسلامی ندوشن نیز با انتخاب کتابی مهم از او پیرامون دموکراسی، نشان می‌دهد که در واقع با دموکراسی سازگاری ذهنی داشته و در آن روزگار جلوتر از دیگر نویسندگان و روشنفکران می‌اندیشیده است.

اکنون و پس از گذشت سالیانی این تجربه پیش روی ماست. جامعه دموکراتیک از طریق گفت‌وگو درهای خود را به روی دیگر شهروندان با هر نگرشی و به دور از جباریت و زور و خشونت پیشگی باز می‌گذارد. در چنین جامعه‌ای چشم‌انداز روشنی برای آزادی و زیستی انسانی و بر پایه رفاه بهتر و انصاف و عدالت در پیش خواهد بود. از این رو، خوشوقتی اسلامی ندوشن برای ترجمه کتاب «پیروزی آینده دموکراسی» بیشتر قابل درک است، با اینکه در زمان ترجمه کتاب به خاطر گفتمان مسلط و رویگردان از دموکراسی، از این گفتمان تاثیرپذیرفته بود.

روزنامه‌نگار

ادامه از صفحه اول

استفاده ابزاری از کلمه مقدس آزادی

گرچه عضوی از سازمان فداییان خلق ایران بود اما انسانی پاک و منزه از هر آلودگی بود، فردی وارسته و فرهیخته. سال‌ها بعد در سال ۱۳۷۹ با جمعی از دوستان به فکر ایجاد تشکلی افتادیم تحت عنوان ائتلاف آزادیخواهان ایران. قرار گذاشتیم حزبی خلق‌الساعه نباشد بلکه به قول سینماگرها اول سناریوی درست و درمانی برایش بنویسیم و به اصطلاح تشکل را بر تئوری سوار کنیم. با راهنمایی جناب دکتر طبیبیان که جهت مشورت خدمت‌شان رسیده بودیم مقرر شد در این خصوص یعنی نوشتن سناریو از آقای دکتر غنی‌نژادِ عزیز کمک بگیریم. این حقیر پس از چند ملاقات و طرح موضوع قراردادی منعقد کردیم. چون موفق به اخذ مجوز نشدیم و در انتخابات ۱۳۸۴ تحت عنوان دموکراسی‌خواهی موضوع ما مورد سوءاستفاده قرار گرفت و مسائل دیگری که به یکی از آنها اشاره خواهم کرد عطایش را به لقایش بخشیدیم. کتاب آزادیخواهی نافرجام جناب دکتر غنی‌نژاد نتیجه همان مساله است «و اما اشارهَ به موضوع مرتبط با مساله دموکراسی شرق» مرحوم استاد فرهیخته جناب اسلامی ندوشن چند مساله مهم را در آن مقاله متذکر شده‌اند. به این جمله بسیار مهم عنایت بفرمایید: «مردم گرسنه می‌توانند سر به طغیان بردارند، می‌توانند خود را از قید اسارت برهانند ولی هیچگاه نمی‌توانند آزادی را حفظ کنند.» در همه انقلابات جهان حفظ آزادی به یکی از اساسی‌ترین مشکلات مبدل شده ما هم اگر به دنبال ایجاد تشکل بودیم نگران آزادی بودیم. جناب دکتر ندوشن در ادامه فرموده به دست آوردن آزادی مشکل نیست نگهداری آن مشکل است. این جملات در سال ۱۳۴۰ به نگارش درآمده اما امروز ما در این برهه از تاریخ با پوست و گوشت آن را لمس می‌کنیم. فرموده‌اند: «یکی از علل ناکامی ما در شرق این است که تا امروز به هیات و تشریفات دموکراسی بیشتر توجه کرده‌ایم تا به اصل و جوهر آن.» اگر شکل‌گیری احزاب را یکی از ابزار نیل به دموکراسی بدانیم در این چهل و چند سال نمی‌توانیم به یک مورد فراگیر اشاره کنیم. به لحاظ شکلی تشکل‌های متعددی به وجود آمده‌اند اما محتوایی و به قول استاد به اصل و جوهر اصلا نداریم. از نگاه دکتر اسلامی غرب شرقیان را لایق آزادی و عدالت و برابری نمی‌داند و به نظر غربیان دموکراسی در مشرق‌زمین کامیاب نمی‌شود. استاد این نظر را مذموم می‌داند و زمامداران شرقی هم‌آوا با غربیان را طوطی‌صفت قلمداد می‌کند و فرق ما و غربیان را این‌گونه توصیف می‌کند که مردم کشورهای غرب در گناه دولت‌های شرقی بزرگ دارند در صورتی که در شرق اگر فردی بی‌چون و چرا در کار دولت‌ها فضولی کند بدو آن رسد که به سنگ پشت رسیده. با علم به این نقطه نظرات توفیق پیدا کرده بودم که توسط دوست فرزانه‌ام جناب محمد صادقی خدمت استاد اعتباری پیدا کنم و هراز گاهی افتخار حضور داشته باشم. در شرفیابی‌های محضرشان حظ وافر می‌بردم. متانت و نجابت، ایران‌دوستی، بزرگی و بزرگ‌منشی، مناعت طبع، فرهیختگی، فروتنی، پارسایی علمی، تقوا، دانشجودوستی، دانش‌مداری و نثر آکنده از فصاحت و شیوایی. نگارشش دل را راحت، طبع را طراوت و جان را حلاوت می‌بخشید. نگاهی پرمعنی و کاملا استادانه داشتند. به قول مرحوم نیکیتین دارای بینش روشن و دقت نظر وافی بودند. در یکی از این شرفیابی‌ها از خدمت‌شان استدعا کردم که در خصوص ایجاد تشکل ائتلاف آزادیخواهان ایران راهنمایی فرمایند. فرمود فائقی از شما بعید است که از کلمه مقدس آزادی استفاده ابزاری کنید. آزادی را نباید به آلودگی‌های سیاست و تحزب ملوث کرد. روحش شاد که مرا از گزند جاهلیت رهانید و از بند تحزب آزاد کرد.

فعال سیاسی و اقتصاددان

خرداد، ماه عجیبی است

حتی نام‌آورترین‌شان که سید صالح موسوی که ما صالی صدایش می‌کردیم و شهره بود به شکارچی تانک و آن عکس معروفش، آرپی‌چی به شانه، با بدنی که از کمر به بالا برهنه است و محسن راستانی عکاسی‌اش کرده، امروز بیمار و گوشه‌گیر است و دیگرانی هم که از پایان جنگ تا امروز، مانند سید جلیل ارجمند و یحیی غضبان‌زاده و حجت جهانگیری و بسیاری دیگر یک به یک رفتند و حالا دیگر نمی‌دانم از آن ۱۸۰۰ نفر، چند نفر دیگر مانده‌اند. برای سالروز آزادسازی خرمشهر می‌خواستم در یادداشتی، یادی از آن ۱۸۰۰ نفر بکنم که اگر ۳۵ روز ایستادگی نکرده بودند و فرصتی فراهم نمی‌کردند که کشور خود را جمع کند و مقاومتی ملی شکل بگیرد، شک ندارم که دیگر امروز کشوری به نام ایران وجود نداشت یا اگر هم داشت، مرزها و جغرافیایش چیز دیگری بود و اطمینان دارم که بسیاری دیگر با من هم‌نظرند. یادداشتم تمام شده بود و قصد ارسال به روزنامه داشتم که خبری بر سرم و بر سر همه آوار شد؛ متروپل فروریخت. فلج شدم. فلج شدیم. برای من آنچه پس از آن گذشت، بسیاری از خاطرات روزهای مقاومت را زنده کرد و خاطره اولین یادداشتم برای جنگ که عنوانش بود «در بر هوت تنهایی.» و با این پرسش شروع می‌شد که «آیا هیچ‌وقت تنها بوده‌ای؟ تنهای تنها.» و اشاره داشت به تنها ماندن خرمشهر در آن ۳۵ روز و تا سقوط نکرد، انگار کسی از صاحبان قدرت متوجه عمق فاجعه نشدند. ماجرای متروپل هم انگار همین بود. انگار کسی از مسندنشینان متوجه فاجعه نبودند و باید یک هفته می‌گذشت تا خبر شوند که چه شده و در ایام داغداری، جشنی برپا کنند و بعد یاد فاجعه بیفتند. آنچه در آن یک هفته گذشت تا بالاخره خبر فاجعه به پایتخت رسید و عزای عمومی اعلام شد، مرا یاد تلخ‌ترین خاطره آن ۳۵ روز انداخت. تلخ‌ترین خاطره آن روزهای مقاومت، شهادت برادرم و نزدیک‌ترین دوستان و هم‌سنگرانم نبود. در آن روزها، تلخ‌ترین اتفاق که چون دشنه بر قلب ما نشست مصاحبه‌ای بود که وقتی در گمرک خرمشهر با سربازان عراقی درگیر بودیم و یکی یکی یاران‌مان را از دست می‌دادیم، از رادیو شنیدیم. در آن روز یکی از بزرگان کشور در ماهشهر و در جایی امن از طریق رادیو به مردم کشور می‌گفت «مردم خیال‌تان راحت باشد که ما الان ارتش عراق را تا پشت مرزهای شلمچه عقب راندیم و من الان از شلمچه این خبر را به اطلاع شما می‌رسانم.» نمی‌دانم حال مرا و دیگر دوستانم را در آن روز متوجه می‌شوید که چگونه بود؟ من که آن حال را تجربه کرده‌ام، می‌توانم حال مردم آبادان را در آن هفته‌ای که دولت خبر نداشت در آبادان چه رخ داده و در پایتخت جشن گرفته بودند درک کنم. سقوط خرمشهر یک فاجعه بود ولی فرصتی هم بود تا کشور به خود بیاید و بفهمد که در چه گردابی افتاده. سقوط متروپل هم یک فاجعه است، اما آیا این سقوط و این فاجعه سبب خواهد شد که بفهمیم کشور در چه گردابی است؟ چند روز است که قصد نوشتن این یادداشت را داشتم. قصد داشتم بنویسم و بپرسم که مرز ما کجاست؟ اما خرداد ماه است و خرداد، ماه عجیبی است.

پیشخوان
Pishkhan.com

اعتماد
info@etemadnewspaper.ir
www.etemadnewspaper.ir
آیین نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه اعتماد را در سایت بخوانید

- صاحب امتیاز و بنیانگذار: الیاس حضرتی
- مدیرمسوول: بهروز بهزادی
- زیر نظر شورای سردبیری
- معاون اجرایی: حجت طهماسبی
- مشاور مدیر مسوول: محمد حضرتی
- نشانی: خیابان ستارخان، خیابان کوثر دوم، بن بست مینو
- تلفن خانه: ۶۶۱۲۴۰۲۵ - ۶۶۱۲۴۰۲۴ ■ نمابر: ۶۶۱۲۴۰۲۱
- توزیع: نشر گستر امروز ■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰
- چاپ: همشهری ۲ ■ تلفن: ۶۶۲۸۳۲۴۲

■ اذان ظهر: ۱۳/۰۳ ■ غروب آفتاب: ۲۰/۱۸ ■ اذان مغرب: ۲۰/۳۹ ■ اذان صبح فردا: ۴/۰۳ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵/۴۸

نشست روز

از شرع و شعر

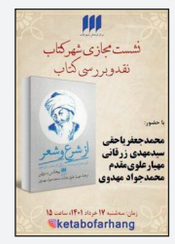

نشست هفتگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، هفدهم خرداد از ساعت ۱۵ به نقد و بررسی کتاب «از شرع و شعر» اختصاص دارد که با حضور محمدجعفر یاحقی، سیدمهدی زرقانی، مهیار علوی‌مقدم و محمدجواد مهدوی برگزار می‌شود. در خبر برگزاری این نشست آمده است: به تازگی کتاب «از شرع و شعر» اثر یوهانس توماس پتر دو بروین با ترجمه مهیار علوی مقدم و محمدجواد مهدوی به همت انتشارات هرمس منتشر شده است. حکیم سنایی یکی از بزرگ‌ترین سخن‌پردازان پارسی‌گو و سرایندگان ایرانی در عرصه ادبیات تعلیمی و اندرزی است که در رشد و بالندگی حکمت دینی نقش بسزایی داشت. شعر وی آمیزه‌ای است از حکمت آرمان شهراندیشی و جهان‌نگری حکیمانه. سنایی، مظهر تحول در اندیشه و نوآوری در زبان و شیوه‌های بیانی گسترش درون‌مایه‌های حکمت‌آمیز است. این کتاب از نظر گستردگی، نکته‌بینی، تازه‌جویی، روش پژوهش و گستردگی منابع و مآخذ بر بسیاری از پژوهش‌های همانند برتری دارد. بی‌گمان این کتاب می‌تواند دریچه‌های جدیدی فراروی پژوهشگران شعر و ادب فارسی بگشاید و مباحث «سنایی‌پژوهی» را گسترده‌تر سازد. کتاب به سه بخش تقسیم شده است: «زندگی حکیم سنایی»، «آثار سنایی»، «بررسی فقه‌اللّغوی، سنایی بین شعر مذهبی و غیرمذهبی» و «پیشه شاعری».
علاقه‌مندان می‌توانند این نشست را از اینستاگرام مرکز فرهنگی شهر کتاب به نشانی ketabofarhang، کانال تلگرام bookcityccc و صفحه این مرکز در سایت آپارات پیگیری کنند.

خاطره در تاریخ

مرتضی میرحسینی

روایت کسروی از خیابانی (۱)

اشاره: شیخ محمد خیابانی به اعتبار قیام خود در تبریز جایی در تاریخ معاصر کشور ما برای خودش باز کرده است. او در آن مقطع کوتاه، حتی چندشماره‌از روزنامه‌ای را هم منتشر کرد که همنام قیام و قلمرو او، آزادیستان بود. نخستین شماره‌اش در چنین روزی از سال ۱۲۹۹ منتشر شد، اما درباره‌اش کمتر از آنچه جا داشت، گفته‌اند و نوشته‌اند و هنوز می‌توان درباره‌اش صحبت کرد. احمد کسروی، یکی از چند راوی سرشناس آن سال‌های کشور ما، خیابانی را از نزدیک دیده بود و می‌شناخت و زمانی که کتاب «تاریخ مشروطه ایران» و «تاریخ هجده ساله آذربایجان» را می‌نوشت، او را به یاد داشت. روایت او از شیخ انقلابی، خواندنی و پرنکته است.

«خیابانی چه می‌خواست و چرا برخاست؟ این پرسشی است که باید همراهان خیابانی پاسخ دهند، زیرا با او همدست می‌بودند. ولی از آنان نیز پاسخ درستی در این باره نخواهیم شنید، زیرا خیابانی به آنان نیز سخن روشنی نگفته بود و اگر به برخی گفته بوده تاکنون به آشکاره نیاورده‌اند. آنچه ما می‌توانیم گفت، این است که خیابانی همچون بسیار دیگران آرزومند نیکی ایران می‌بود و یگانه راه آن را به دست آوردن سررشته‌داری (حکومت) می‌شناخت که ادارات را به هم زند و از نو سازند و قانون‌ها دیگر گرداند. چنانکه در همان هنگام میرزا کوچک‌خان در جنگل به همین آرزو می‌کوشید. آنان نیکی ایران را جز از این راه نمی‌دانستند. از آن سوی خیابانی این کار را تنها با دست خود می‌خواست و کسی را به خود به همبازی نمی‌پذیرفت. نیز خواهیم دید که یک راه روشنی در اندیشه نمی‌داشت و چنین می‌دانست که چون نیرومند گردد و رشته را به دست آورد، هر نیکی را که بخواهد در توده پدید خواهد آورد... در همان روزهای نخست خیزش حاجی اسماعیل آقا امیرخیزی که از آزادی‌خواهان کهن و این زمان از نزدیکان خیابانی می‌بود، پیشنهاد کرد که آذربایجان چون در راه مشروطه کوشش‌ها کرده و آزادی را برای ایران او گرفته نامش را آزادیستان بگذاریم. در این هنگام نام آذربایجان یک دشواری پیدا کرده بود، زیرا پس از به‌هم خوردن امپراتوری روس، ترکی‌زبانان قفقاز در باکو و آن پیرامون‌ها جمهوری کوچکی پدید آورده و آن را جمهوری آذربایجان نامیده بودند. آن سرزمین نامش در کتاب‌ها آران است، ولی چون این نام از زبان‌ها افتاده بود و از آن سوی بنیادگذاران آن جمهوری امید و آرزوشان چنین می‌بود که با آذربایجان یکی گردند، از این رو این نام را برای سرزمین و جمهوری خود برگزیده بودند. آذربایجانیان که به چنان یگانگی خرسندی نداشته و از ایرانیگری چشم‌پوشی نمی‌خواستند از آن نامگذاری قفقازیان سخت رنجیدند و چون آن نامگذاری شده و گذشته بود، کسانی می‌گفتند: بهتر است ما نام استان خود را دیگر گردانیم. همانا پیشنهاد آزادیستان از این راه بوده. هر چه هست خیابانی آن را پذیرفت و چنین دستور داده که مارک‌های کاغذها را دیگر گردانند و در هیچ جا جز آن نام ننویسند و نگویند. از آن سوی همین را پرده‌ای (لفافه‌ای) برای خواست‌های خود گردانید... و با تهران در گفت‌وگو چنین می‌گفت: باید دولت آزادیستان را به رسمیت شناسد.»

کسروی ادامه می‌دهد: «خیابانی تبریز را از نمایندگان دولت و از بدخواهان تهی گردانید و خود رخت به عالی‌قاپو کشیده در کاخ‌های آراسته و دلگشای آنجا که ولیعهدها برای خوشگذرانی‌های خود ساخته و آراسته بودند نشیمن گرفت و چنانکه می‌گویند از همان هنگام رفتارش نیز دیگر گردید و به پیرامونیان بی‌پروایی نشان داد. از آن سوی به شهرهای آذربایجان پرداخته، برای هر یک فرمانروایی از پیرامونیان خود فرستاد... روی هم رفته کار خیابانی در آذربایجان از هر باره در پیشرفت و شکوهش از هر زمان در فزونی می‌بود، لیکن از سوی تهران بیم‌ها می‌رفت.»

زیر ذره‌بین

زهرا جنت

امروز روز جهانی چیست؟

در هر کشوری، نامگذاری روزهایی در سال با عناوین خاص، اغلب برای گرامیداشت وقایع یا افراد در نظر گرفته شده است. برخی از این روزها توسط سازمان‌های بین‌المللی مثل سازمان ملل، یونیسف، یونسکو با تصویب قطعنامه‌هایی به عنوان روز جهانی در نظر گرفته شده‌اند. البته این به این معنی نیست که تنها روزهایی که این گونه نهادها مشخص کرده باشند، عنوان جهانی می‌گیرند؛ بعضی از این روزها با توجه به استقبال مردم، گروه‌های اجتماعی و نهادها، مورد توجه جهانی قرار گرفته‌اند و در سطح بین‌المللی مورد پذیرش هستند.

علت بسیاری از این نامگذاری‌ها علاوه بر گرامیداشت، جلب توجه همگان به ابعاد و اهمیت آن موضوع یا افراد است. در کنار ایجاد آگاهی عمومی، در بسیار از موارد با عزم همگانی و تجمیع کمک‌های مردمی و نهادها به صورت مالی یا عملی، اقدام ویژه و موثری در آن زمینه صورت می‌گیرد. وقتی روزی به معلولان اختصاص داده می‌شود قطعا برای تبریک نیست؛ هدف این است که فرصتی فراهم شود تا صدای این گروه از جامعه شنیده شود، مشکلات عنوان شود، راه‌حل‌ها پیدا و ارایه شوند و در نهایت در پایان این روز، برنامه‌های اقدامات موثری برای بهتر شدن شرایط این افراد فراهم آید.

با ظهور و گسترش شبکه‌های مجازی، بازار تبریک روزهای مناسبتی هم گرم‌تر از قبل شده است و حتی بعضی از پیج‌های زرد گاهی با محتواهایی غیرواقعی، عناوین ساختگی در زمینه روزها ایجاد می‌کنند که خیلی زود سبب عکس‌العمل وسیع در شبکه‌های اجتماعی شده و محتواهایی حاوی تبریک و گاهی شوخی و طنز در مورد آن به اشتراک گذاشته می‌شود. چندی پیش تبریکات گسترده‌ای برای روز پسر در شبکه‌های اجتماعی و گروه‌های مختلف دست به دست شد و بعد از گلایه و شوخی‌های بسیار در مورد عدم اختصاص روزی برای پسران، به یک‌باره روز جهانی پسر مایه شادی و تبریک در فضای مجازی شد. با اندکی جست‌وجو می‌توان دریافت که این روز - که البته جهانی هم نیست - روز پسر به عنوان اولاد ذکور خانواده نیست بلکه روز پسربچه‌ها است که توسط یک محقق و استاد دانشگاه، برای توجه به مسائل تربیتی و نیازهای عاطفی پسران در سنین کودکی پیشنهاد شده است. ممکن است در آینده‌ای نزدیک و با استقبال گروه‌های مردمی و نهادها و کشورها، این روز با این عنوان به صورت جهانی پذیرفته شود ولی اکنون روزی به نام روز جهانی پسر نداریم.

با توجه به حضور گسترده افراد از طیف‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی، شایسته است رسانه‌های مختلف در زمینه روزهای جهانی و شیوه بزرگداشت آنها اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌رسانی کنند. مهم‌ترین آگاهی در این زمینه، جلب توجه افراد به این موضوع است که بسیاری از این روزها برای تبریک یا بزرگداشت نیست برای تفکر و تغییر رویه است. در چند روز گذشته که مصادف با روز دختر در تقویم ایرانی بودیم بسیاری به شوخی و طنز این سوال را مطرح کردند که سالی چند بار روز دختر داریم؟ این مساله نشان عدم توجه به هدف نامگذاری‌ها و حتی نام دقیق آنهاست. روز یازدهم اکتبر به عنوان روز جهانی «دختر بچه» است و مربوط به کودکان دختر است در صورتی که روزی که در کشور با عنوان روز دختر نام‌گذاری شده مربوط به فرزندان اناث خانواده و رابطه والدین و فرزندان دختر است.

تیتر مصور | روز جهانی محیط‌زیست

دی آنجلس

شوکران‌نوش

کمی بد باش

چرا تو این همه خوبی؟ بیا کمی بد باش!
نمی‌توانی، می‌دانم، نمی‌توانی اما
بیا کمی بد باش!
تویی که سبزه و گل را به آب عادت دادی
تویی که بالب خود، این غمین تنها را
به می بشارت دادی

تو را که می‌بینم
خیال می‌کنم انسان، همیشه این سان است
چرا همیشه بهاری؟ کمی زمستان باش
مرا به سردی این روزگار عادت ده
چرا تو این همه خوبی؟ بیا کمی بد باش!

عمران صلاحی

یک پلان تجربه زیسته

محمد خیرآبادی

خبر بد

یک زمانی بود که هنوز موبایل در کار نبود و خبرهای بد معمولا شب‌ها می‌رسید. وقتی که مرد خانه از کار برگشته بود و خانواده دور هم جمع بودند. اهل خانه شام‌شان را خورده بودند و به شب‌نشینی و صحبت یا تماشای سریال مشغول بودند که زنگ خانه را می‌زدند یا تلفن به صدا در می‌آمد و خبر بد از راه می‌رسید. تقریبا زمان رسیدن خبر تلخ مشخص بود. اما حالا هر لحظه ممکن است خبری بد حمله‌ور شود و هر جا که باشی دست بیندازد و از پشت گلویت را بگیرد. در گذشته خبر بد به جمع می‌رسید و افراد می‌توانستند در لحظه به داد دل هم برسند. اما حالا خبر بد درست وقتی که تنها هستی و هیچ کمک حالی نداری از کمینگاه خود بیرون می‌آید؛ به ناجوانمردانه‌ترین شکل ممکن. وقتی که دوستم خبر جدایی از همسرش را به من داد، توی صف نان بودم. صفی که به کندی جلو می‌رفت و همه را کلافه کرده بود. صدای دوستم می‌لرزید. مشخص بود که می‌خواهد با کسی حرف بزند. دلم به حالش سوخت. از خیر خرید نان گذشتم و رفتم به پارکی در آن نزدیکی. روی نیمکتی نشستم و ۴۵ دقیقه به حرف‌هایش گوش دادم و بعد برگشتم به خانه. خودم را روی تخت انداختم. به سقف سفید اتاق نگاه کردم و تا شب از اتاقم بیرون نیامدم. یک روز دیگر، صبح ساعت ۷ در قهوه‌خانه نزدیک محل کارم مشغول

خوردن املت و چای شیرین بودم و همزمان بی‌هدف توی گروه‌ها و کانال‌های مختلف چرخ می‌زدم که پیغام رسید: «تونل ریزش کرده. زود خودت رو برسون». نفهمیدم چطور خودم را به کارگاه رساندم. از ۲ چهارراه پایین‌تر خیابان‌ها را بسته بودند و نیروهای آتش‌نشان و امداد به صف شده بودند. گفتم که یکی از کارمندان پروژه هستم و از سد ماموران رد شدم. دویدم. ازدحام جمعیت را کنار زدم. یک زن جوان و دختر کوچکش روی جدول آبی و سفید جلوی در، نشسته بودند. زن زاری می‌کرد. شوهرش راننده بیل مکانیکی دفن شده زیر آوار خاک و سنگ بود. رفتم به کانکسی که دفتر کارم بود. پشت میزم نشستم. به مونیتور خاموش خیره شدم و تصویر دختر دو ساله‌ام را در آن دیدم. و آن روز ظهر که توی ماشین جلوی کارگزاری بیمه منتظر بودم تا نوبتم شود، خواهرم زنگ زد و گفت: «دایی حالش بد شده.» من خودم تا تهش را خواندم. سرم را گذاشتم روی فرمان و گریه کردم.

گردون

حکایت خرید

ابراهیم عمران

کلیت زندگی روزمره آنچنان در چنبره مسائل اقتصادی است که هر فردی تلاش دارد فراخور در آمد و شاید کوشش؛ خریدهای روزانه‌اش را مدیریت نماید که اگر اینگونه نباشد نمی‌توان اندک رمق مانده را؛ تاب آورد. یکی از خیابان‌های قدیمی شاپور که میوه‌فروشی‌های زیادی دارد؛ در مسیر روزانه‌ام قرار دارد و سعی می‌کنم از این مغازه‌ها به سبب منصف بودن و برخورد خوب‌شان خرید کنم. کارگران و صندوقدارانی که عمدتا از غرب کشور هستند و آشنا به درد و نداری و فاقه. بر طبق عادت به مغازه همیشگی رفتم. مقداری میوه و سیب‌زمینی و پیاز گرفتم. حواسم بود که از وزنی بالاتر نرود؛ با این قیمت‌های گزاف. سفارش را روی پیشخوان گذاشتم. همزمان بانویی میانسال چند تایی بادمجان برداشته بود. گفت که از ده تومان بیشتر نشود. صندوقدار گفت سیزده تومان شده است. گفت کم کن. کلا در نایلون، سه عدد بادمجان پلاسیده مانده بود. یک آن از خجالت نتوانستم سرم را بالا بیاورم. نگاهی به سفارشم کردم. به بهانه‌ای از مغازه بیرون آمدم. نمی‌دانستم چه کنم. آن بانو به حدی وزین و با وقار بود که شک داشتم به ایشان بگویم من حساب می‌کنم. یا اینکه اگر می‌گفتم، نمی‌دانستم با چه واکنشی مواجه می‌شدم. صندوقدار مرا به دلیلی می‌شناخت. سوار ماشینم که شدم؛ یکی از نیروهایش را فرستاد که میوه‌ها یادم رفته و برایم آورد. گفتم من که حساب نکردم. گفت فلانی گفته ایراد ندارد. به اصرار خریدها را در ماشین گذاشت. من دقایقی صبر کردم. سرشان که خلوت شد رفتم داخل. تا مرا دید گفت متوجه شدم چرا رفتی! این اتفاق‌ها و کم خرید کردن مردم، دیگر برای‌مان عادی شده است. بیشترشان هم محلی هستند و آشنا و آبرو دار. ما هم نمی‌دانیم چه باید بکنیم. از طرفی اجاره‌های سنگین و قدرت خرید کم و از طرفی هم اینگونه همسایه‌ها را دیدن؛ از توان روحی‌مان خارج شده است. ادامه داد، گهگاهی افرادی را که بیشتر می‌شناسیم؛ اعتباری و هفته‌ای و ماهی، بدان‌ها میوه می‌دهیم در حد وسع‌مان. قسم می‌خورد طبق فاکتور خرید، کمترین سود ممکن را لحاظ می‌کنیم تا هم امورات ما بگذرد و هم اهالی محل. می‌گفت اینجا یه زمانی ظهر نشده؛ میوه‌ها تمام می‌شد. حالیه تا چند روز اجناس می‌ماند و پلاسیده می‌شود. هم ضرر برای ما و هم اینکه با این کیفیت پایین هم خریدار ندارد. ادامه داد که وفور میوه است و کمی خریدار. این بدترین حالت ممکن برای کسب‌وکار است. درد دلش پایانی نداشت. من ماندم و آن فضای مانده در ذهن که پر از حرمان و یأس بود. خریدهای روزانه به شکلی شده که خرید کردن یا نخریدن، هر دو به یک شکل دردآور است. آن هم در نقطه‌ای از شهر که زمانی به میوه و آب‌میوه‌فروشی‌هایش معروف بود. جغرافیای دیگر شهر به حتم؛ سودا و ناله‌های ناشنیدنی فراوانی دارد. درد این روزهای‌مان دست‌های پر عده‌ای و دست‌های خالی برخی دیگر است. اولی با خجالت آمیخته با خجلت و دومی هم با حسرتی جانکاه؛ به ادامه زندگی‌شان فکر می‌کنند. بسان اجاره‌نشین‌ها که از مناطق دلخواه؛ لاجرم کوچ به مناطقی دیگر کرده‌اند؛ این بار نیز از کیلویی خریدن به دانه‌ای خریدن رسیده‌اند عده‌ای. برخی نیز دلخوش به همین هستند که نکند اینگونه خریدن نیز آرزوی‌شان شود!

عکس‌نوشت

خبرگزاری ایسنا با انتشار مجموعه عکسی گزارش داد: «حوالی ساعت ۲ بامداد شنبه ۱۴ خرداد؛ گروهی از عوامل اجرای پروژه کمربندی شهر با ادوات و دستگاه‌های شهرداری قزوین به باغستان سنتی این شهر (که ثبت ملی شده) حمله و چندین درخت سبز و بارور بادام و پسته کهنسال را قلع و قمع و نابود کردند که با دستور شبانه دادستان و اعتراض شدید استاندار قزوین این عملیات متوقف شد.

هشتگ روز

#کرونا

وقتی صفر ارزشمندتر از بیست است

هفته گذشته برای اولین‌بار در این دو سال پاندمی کرونا، هیچ فوتی در کشور ثبت نشد. این اتفاق خوب بهانه‌ای شد تا هشتگ «کرونا» داغ شود. آنچه می‌خوانید منتخبی از این توییت‌هاست.

«چقدر پیر شدیم تو این دو سال و نیم که آمار کرونا صفر شد»، «از اینکه فوتی‌های کرونا در روز گذشته صفر شد بی‌نهایت خوشحالم. صرف‌نظر از بی‌کفایتی وزیر بهداشت در زمان روحانی، دست‌کم ۱۰۴ میلیون دوز واکسن کرونا در زمان دولت قبل با تلاش و کارسازی ظریف و همکارانش خریده شد که نقش اصلی را در ریشه‌کنی کرونا داشت. دم همگی گرم»، «امروز که تلفات کرونا صفر شد یاد اون روزایی افتادم که روزی ۵۰۰ تا کشته داشتیم، شبیه کابوس بود، از در و دیوار شهر بوی مرگ میومد و همه از هم فراری بودن... باورم نمیشه از اون روزای وحشتناک هم گذشتیم هنوز زنده‌ایم»، «امروز که برای نخستین‌بار، تلفات جانی بیماری کرونا صفر شد، انصاف حکم می‌کند که از خدمات و زحمات دکتر کریم همتی، رییس جمعیت هلال احمر در دولت روحانی برای واردات ۱۱۲ میلیون دز واکسن کرونا یاد کنیم که بلافاصله پس از ورود آخرین محموله واکسن در آبان ۱۴۰۰ برکنار شد»، «بعد از دوز سوم کرونا خیلی کمتر شد اکثرا امیکرون گرفتن ولی تو خونه درمان شدن به جز تعداد کمی که مشکل زمینه‌ای داشتن افراد مسن نیاز به بستری داشتن بعدشم کلا روز به روز کمتر شد تا صفر شد به نظر من تاثیر داشت. اگر زودتر برای واکسن زدن مردم اقدام می‌کردن اینهمه کشته نداشتیم»، «خدا رو شکر که آمار فوتی‌های کرونا صفر شد. حتی اگر این صفر شدن شکننده باشد اما یادآور فراز و نشیب‌ها و سختی‌های فراوان از اسفند ۹۸ تاکنون است»، «صبح ۱۴ میلیون واکسن نزده که آمار تلفات کرونا صفر شد و هنوز زنده‌اند بخیر، سلام شگفت‌انگیزها»، «خوشحالم از اینکه آمار فوت کرونا صفر شده و یکی از نگرانی‌هام کم شد»، «فوتی کرونا صفر شد؟! خدا رو شکر، ولی من هرگز شبی که دختر همسایه دیوار به دیوار ما از کرونا تو خونه خودشون فوت شد از یادم نمیره... از من دو سه سال بزرگ‌تر بود و صداش تو اون دقیقه‌های آخر هنوز تو گوشم هست»، «چندسال خودم رو محافظت کردم که کرونا نگیرم و نگرفتم، اما دقیقا روزی که آمار کرونا صفر شد، شدیدا تاکید می‌کنم شدیدا سرما خوردم»، «۱۲ خرداد ۱۴۰۱ برای همیشه در اذهان ماندگار شد؛ روزی که بعد از ۲سال نبرد مستقیم، شاهد شکست کامل ویروس منحوس کرونا و به صفر رسیدن آمارفوتی‌ها بودیم»، «آمار کرونا صفر شد؟ چه خوب؛ کی مرور خاطرات کرونای ما صفر میشه؟»، «آقا دو روز پیش یه خبر خوندم هنوز دارم بر طبل شادانه میکوبم و در پوست خودم نمیگنجم: آمار فوتی‌های کرونا «صفر» شد، خدارو هزاران بارشکر» ، «فوتی‌های کرونا صفر شد ولی با داغی که به دلمون گذاشت چه کنیم»، «فوتی‌های کرونا توی ایران صفر شد... خب الحمدلله... ولی موقعی خوشحال‌تر میشیم که توی همه دنیا فوتی‌ها به صفر برسه»، «الحمدلله دیروز فوتی‌های کرونا هم صفر شد ان‌شاءالله جشن پایان کرونا به زودی»، «دیروز اعلام شد که فوتی‌های کرونا صفر شده و «ایران فدای اشک و خنده تو» شروع شد، آمار امروز که اعلام شد، سه تا فوتی داشتیم، خب به صفر واقعی برس بعد جشن بگیر. تازه آمار رسمی وقتی سه‌تاست، عدد اصلی قطعا بیشتره» و «این دفعه صفر در کارنامه کرونا نمره عالی هست برای تلاش‌های ما، بعد از دوسال تلاش دیروز مرگ و میر کرونایی در کشور صفر اعلام شد».